



آموزش و پرورش

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره شانزدهم • فروردین ۱۳۹۰ • شماره پیاپی ۸۹

یادداشت سردبیر

تغییر از کجا؟ و چگونه / محمدرضا حشمتی / ۲

مدرسه زندگی

بیا بید با هم پیاموزیم / سعیده اکبری نظری / ۳

معلمان مثبت / دکتر فرید براتی سده / ۴

حیات مایه حیات در مدرسه / ثمانه ابروانی / ۶

ماروپله یادگیری / لیلی محمدحسین / ۸

کمدی حقارت / دکتر یدالله سعیدنی / ۹

از کجا شروع کنیم / دکتر محمدعلی شامانی / ۱۶

قلاب نمره گیری / معصومه خیرآبادی / ۱۷

بخوریم یا نوش جان کنیم / دکتر احمد مختاریان / ۲۸

سرعت یا عجله / مهدی مروجی / ۳۳

خاطره

کیوان به خط / حسین افصح / ۱۲

تجربه ها

موزه ها می توانند کلاس درس باشند / محمد دشتی / ۱۴

کربلایی ها به صف / نفیسه ثبات / ۲۰

جشنواره استانی / عبدالحمید خزاعی / ۴۸

دنیای ارتباطات

وبلاگ گروهی / سپیده شهیدی / ۱۸

داستان

ناظم بی نظم / کتابون رجبی راد / ۱۹

تاریخ ماندگار

تربیت معلم / فاطمه محمودیان / ۲۲

طنز

تربیت بدنی: ۲۰ / مهدی رضاییان / ۲۴

بی سواتی هم دردی / احمد عربلو / ۲۶

گفت و گو

یک دانه نور، یک خرمن آفتاب / فاطمه رضایی / ۳۰

ویژه نامه

تغییر برای زندگی بهتر / محمد مهدی ناصری / ۳۴

حرفه وفن شیرازی / محمدرضا حشمتی / ۳۸

انجمن علمی معلمان حرفه وفن استان فارس / ۴۱

حرفه وفن مازندرانی / ۴۲

حرفه او خلاقیت است / ۴۴

کتاب های کمک آموزشی علوم اجتماعی و حرفه وفن / طیبه الدوسی / ۴۶

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی: علی رضا صادقی میاب
منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان
فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مهدی کریم خانی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
تلفن: ۸۸۴۹۰۲۲۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲ کد سردبیر: ۱۱۵ کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۱۷۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: رضا گلچین کوهی، تهران
(ششمین جشنواره عکس رشد)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

– مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
– مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
– مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود.
– مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی سی دی یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.
– نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه ها علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
– محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود.
– مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
– کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند.
– مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.
– معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است.
– مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود.
– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی بر رای و نظر مسئولان مجله نیست.

تغییر از کجا؟ چگونه؟

بهار که فرا می‌رسد، دل و جان تازه می‌شود. اگر غمی هست، به فراموشی سپرده می‌شود و اگر شادی وجود دارد، فزونی می‌گیرد. بهار که می‌رسد، ضرورت تغییر را در نمایشی حیرت‌انگیز، به بازیگری جوانه‌های «معنا شکاف» عرضه می‌کند. همه چیز در دایره کمال معنا می‌شود. فصل آن می‌رسد که تو خواه ناخواه روبه‌روی آینه بایستی و به خود یادآوری کنی که: «چشم‌ها را باید شست!» در بهار، در کلاس طبیعت شگفتن را به زیبایی و نیکویی فرامی‌گیریم.

ضرورت تغییر را از بهار بیاموزیم. درس بهار برای ما این است که تعلیم و تربیت چشم‌اندازی وسیع دارد که می‌تواند «مس وجود» را «حقیقت زر» کند.

تغییر و تحول در آموزش و پرورش ضرورتی است غیرقابل انکار! اما این تغییر و تحول (ساخت مجدد بنای آموزش و پرورش) را چه کسانی به سامان خواهند رساند؟ بگذارید مثالی بزنم! می‌گویند، خانه را بنا می‌سازد. پس معمار چه کاره است؟ یا کوره‌پز که خشت خام را می‌پزد؟ یا آن کس که آجر و مصالح برای تو می‌آورد؟ تو خانه‌ات را می‌خواهی و به دنبال بهترین مصالح می‌گرددی و بهترین نقشه، ولی با هیچ کدام صاحب‌خانه نمی‌شوی، مگر آن که دلت را و نقشه‌ات را و مصالحات را به دست‌های پینه‌بسته بنای کهنه‌کار بسپاری. از دل دست‌های خسته او می‌توانی از بی‌خانمانی به سمت خانه‌دار شدن سفر کنی. به نظر می‌رسد، تحول و تغییر در آموزش و پرورش باید توسط من و شما - بناهای تعلیم و تربیت - محقق شود. اما حواسمان باشد که تربیت بیش از هر حادثه دیگری، ابتدا باید در وجود من و تو «ساخت» ایجاد کند. تربیت، ساختمانی از اندیشه و باور و عمل در تو به وجود می‌آورد و رویکرد معینی در تو می‌آفریند. تربیت پدیده‌ای ساخت آفرین است. از این‌رو، باید برای ساخت آفرینی اندیشه کرد. هم در ذهن خود، هم در وجود دانش‌آموزان خود و هم در تشکیلات ستادی آموزش و پرورش.

پس همه با هم در شروع بهار از مربی بهار بخواهیم ما را بهاری کند تا بتوانیم در «ساخت» مان اکسیر نشاط و شادابی و محبت را اضافه کنیم.



سایه‌هایم با منم

سعیده اکبری نظری

گروه باید هم قادر به گذشت و پوشاندن عیب او باشند و هم قادر به تذکر دادن.

اطاعت از رهبر و سرگروه، یکی دیگر از توانایی‌هایی است که بچه‌ها در گروه یاد می‌گیرند. آن‌ها باید بدانند در برخی جنبه‌ها ممکن است افرادی دارای توانایی‌هایی بیشتر از خودشان باشند و برای پیشبرد اهداف گروه، موظف به اطاعت از رهبر گروه هستند.

توانایی دیگری که در کار گروهی باید تجربه کرد، آن است که گهگاهی در موقعیت‌های مناسب، بدون این که نظم محیط و پیشرفت کار مختل شود، اعضا باید بتوانند یکنواختی کار را به هم بزنند و فضای شاد و بشاشی را برای خود و هم گروهی‌ها ایجاد کنند. توانایی لذت بردن از کار گروهی، در عین پیشبرد اهداف، هنری است که بسیاری از افراد فاقد آن هستند.

علاوه بر این موارد، می‌توان به تمرین مهارت خوب گوش کردن، حل مسئله، ابراز وجود و بسیاری مهارت‌ها و توانایی‌های فردی و اجتماعی دیگر نیز اشاره کرد.

به نظر می‌رسد در تمام کلاس‌های درسی، امکان تمرین این مهارت وجود دارد. باید از بچه‌ها بخواهیم گروه‌های درسی یا تحقیقاتی تشکیل دهند و بخشی از ساعت کلاس را به انجام کار گروهی اختصاص دهیم و علاوه بر رفع اشکالات علمی گروه‌ها، به نحوه اجرای کار گروهی توسط هر دانش آموز دقت کنیم. به این ترتیب، ضمن شناخت ویژگی‌های فردی هر یک از بچه‌ها، امکان اصلاح مشکلات رفتاری آن‌ها در حین کار گروهی نیز فراهم می‌شود. بنابراین ضمن ایجاد کلاسی شاد و پویا، به وظیفه واقعی معلم که همان تربیت نسلی توانمند در تمامی جنبه‌های زندگی است، عمل کرده‌ایم.

در انتها پیشنهاد می‌کنم، برای تمرین بهتر این مهارت در کلاس، به مقاله‌های کار گروهی و همیاری، در شماره‌های پی‌درپی ۸۵ و ۸۶ همین مجله مراجعه کنید تا با انواع یادگیری از طریق کار گروهی آشنا شوید.

همه ما از لحظه تولد مجبور به تعامل با دیگران هستیم و این تعامل، یعنی از دیگران خدماتی را دریافت کنیم و در مقابل آن، خدماتی به آن‌ها ارائه دهیم. در بسیاری موارد نیز اتفاق می‌افتد که کاری به دست یک نفر انجام نمی‌شود و چندین نفر باید با هماهنگی یکدیگر آن را انجام دهند. امکان انجام بعضی از کارهای بزرگ هم با هماهنگی هزاران نفر به وجود می‌آید. در این نوع کارها، علاوه بر این که باید به لحاظ تخصصی قادر به انجام کارهای محوله باشیم، داشتن مهارت کار گروهی نیز بسیار اهمیت دارد.

بسیاری از ما به کسانی برخورد داریم که توان تخصصی بالایی داشته‌اند، اما به دلیل نداشتن مهارت کار گروهی، باعث پایین آمدن کارآمدی جمع شده‌اند. پس تربیت فرزندی با توانایی‌های علمی بالا، اما ناتوان در انجام کارهای جمعی، باز هم شکست و عدم موفقیت او را در آینده به دنبال دارد.

شاید هدف بسیاری از ما معلم‌ها، از تشکیل گروه‌های درسی در کلاس، رشد علمی کلاس از طریق استفاده از دانش‌آموزان برتر برای کمک دادن و هدایت دانش‌آموزان ضعیف‌تر در درس باشد، یا انجام کاری تحقیقاتی از طریق تقسیم کار. اما کار گروهی، مقوله‌ای فراتر است و می‌توان آن را موقعیتی مناسب برای تمرین اکثر مهارت‌هایی که در این چند شماره به آن پرداختیم، به حساب آورد.

در این جا به برخی از این مهارت‌ها که در ذیل کار گروهی می‌توان به آن‌ها دست یافت، اشاره‌ای می‌کنیم:

بچه‌ها در گروه تعامل و ارتباط مؤثر با همدیگر را به خوبی یاد می‌گیرند، به خصوص اگر گروه‌بندی توسط معلم صورت گیرد و بچه‌ها مجبور باشند با کسانی غیر از دوستان صمیمی خود و دارای روحیات متفاوت کار کنند. بدین ترتیب، صبر و مدارا در برخورد با نظرات و ویژگی‌های مخالف را می‌آموزند. به علاوه یاد می‌گیرند از برخی علاقه‌های شخصی، به خاطر گروه بگذرند، کندی افراد ضعیف‌تر را تحمل کنند و به جای سرزنش، آن‌ها را به پیشرفت تشویق کنند تا سریع‌تر به اهداف گروه برسند.

در گروه هر کس باید از یک سو وظایف خود را به طور کامل انجام دهد و از سوی دیگر با از دایره اختیارش فراتر نگذارد. حال اگر کسی به این نکته توجه نکند و ناآگاهانه از حدودش فراتر رفت، یا گهگاهی در انجام وظایف خود کاهلی کرد، سایر افراد

تربیت فرزندی با توانایی‌های علمی بالا اما ناتوان در انجام کارهای جمعی، باز هم شکست و عدم موفقیت او را در آینده به دنبال دارد

معلمان مثبت

کلیدواژه‌ها: مدرسه مثبت، خودتعیین‌گری، روان‌شناسی مثبت‌گرا.

معلمان به سبب ارتباط وسیعی که با دانش‌آموزان دارند، بیش از سایر عوامل می‌توانند نقشی مؤثر در ایجاد مدرسه مثبت داشته باشند. آشنایی با نگرش معلمان و دانش‌آموزان می‌تواند برای ما راهنمایی باشد تا از نقاط قوت و ضعف رفتارهای خود در کلاس‌های درس و مدرسه بیشتر آگاه شویم.

در چند شماره گذشته مجله رشد راهنمایی تحصیلی، به دیدگاه‌های دانش‌آموزان درباره مدرسه مثبت اشاره کردیم. از آن‌جا که در نظام‌های آموزشی، یک رکن عمده معلمان هستند و به دلیل آن که آنان نیز نگاهی یا به تعبیر درست‌تر نگاه‌های ویژه‌ای به مدرسه مثبت دارند، ضرورت دارد تا از نظر معلمان هم به این موضوع بپردازیم. در آغاز ذکر این نکته لازم است که به دلیل تفاوت نگاه‌ها و نظرات معلمان و اختلاف سبک و شیوه آن‌ها در عرصه آموزش، رسیدن به یک نظر واحد درباره مدرسه مثبت از دید معلمان، اگر کاری ناممکن نباشد، امری سخت و دشوار خواهد بود. هم‌چنین باید توجه داشت، هر چند تلاش شده است تا نقطه نظرهای مطرح در این‌جا، مصداقی یا بازتابی از شرایط آموزشی کشور ما هم باشند، با وجود این، پی بردن به دیدارگان آموزشی ما (معلمان، دانش‌آموزان، مسئولان و اولیای مربوطه)، نیازمند بررسی جامع و پژوهش و تحلیل‌های کافی از تحقیقات موجود است.

به هر روی، انجمن روان‌شناسی آمریکا^۱ (۱۹۹۸ و APA) براساس مطالعات محققانی چون **امر** و همکاران او^۲ (۱۹۹۴) و **واینشتاین و مینانو**^۳ (۱۹۹۳)، خواسته‌ها و دیدگاه‌های معلمان را درباره مدرسه مثبت به این ترتیب عرضه کرده است:

– محیطی ایمن از نظر فیزیکی و ساختمانی

– وجود همکاری بین دانش‌آموزان با یکدیگر و بین معلمان و دانش‌آموزان

– وجود احترام متقابل بین معلمان و دانش‌آموزان
– دارای محیط کلاسی (آموزشی) محرک از نظر بصری (مثل استفاده از پوستره‌های جذاب آموزشی یا مطالبی که خود دانش‌آموزان تهیه و در کلاس به شکل‌های زیبا و جذاب نصب کرده‌اند)

– برقراری روابط دوستانه معلمان با دانش‌آموزان مدرسه در ساعات غیرحضور در کلاس

– وجود رویکردهای مبدعانه و متنوع در آموزش (مثلاً یادگیری جست‌وجو محور یا کاوشی و اکتشافی، استفاده از تکنولوژی‌های نو و تکنولوژی‌های آموزشی و...) و امکان استفاده از آن‌ها

– مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس و در آموزش
– تعریف و مشخص ساختن (یا به اصطلاح عملیاتی کردن) نتایج و بازده‌های روشن آموزشی برای نیل دانش‌آموزان به کسب آن‌ها

– ساختاربندی و سازمان‌دهی روشن و مشخص کلاس
– وجود قوانین، ضوابط و روش‌های آموزشی واضح و روشن
– همکاری مؤثر والدین با مدرسه، معلم و اولیای مدرسه
– وجود والدین حامی (حامی و حمایت‌گر تلاش‌های دانش‌آموزان و معلمان)

– حمایت مدیران و مسئولان از معلمان
– دسترسی ساده و راحت به مواد و مطالب درسی و فناوری‌های نو
– احساس کنترل بر مسیر و سمت‌وسوی بازده‌های آموزشی و نتایج حاصله

– احساس پیشرفت شخصی و آموزشی مداوم.
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، متغیرهای شکل‌دهنده مدرسه مثبت از نظر معلمان، ترکیبی است از عوامل آموزشی، عوامل مرتبط با کنترل و نحوه اداره کلاس، عوامل عاطفی-اجتماعی و عوامل مرتبط با رشد شخصی و کفایت‌های فردی معلم. در حقیقت چنین به نظر می‌رسد که معلمان، مدرسه‌ای را مثبت می‌دانند که در آن، خودراهربر یا خودتعیین‌گر، به همان مفهومی باشند که در نظریه معروف خودتعیین‌گری^۴ [رایان و دسی؛



**معلمان، مدرسه‌ای را
مثبت می‌دانند که در آن،
خود را هب‌ر یا خودتعیین‌گر
باشند**

**دانش‌آموزان تمایل دارند
به هویت غیرتحصیلی
آنان هم احترام گذاشته
شود**

۲۰۰۲] آمده است. توضیح آن که در این نظریه گفته می‌شود، آدمی سه نیاز اصلی روان‌شناختی دارد و در صورتی که این نیازها به شکلی متناسب برآورده و تأمین شوند، فرد احساس بهیاشی خواهد کرد. این سه نیاز عبارت‌اند از: الف) نیاز به عرضه کفایت‌ها، شایستگی‌ها و توانمندی‌ها؛ ب) نیاز به ارتباط و داشتن روابط با دیگران (پیوندجویی اجتماعی)؛ ج) نیاز به خودمختاری.

مقایسه دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان، مبین چند نقطه مشترک مهم بین آن‌هاست. نخستین فصل مشترک، وجود قواعد و ضوابط، شیوه‌ها و ساختارهای کاملاً روشن است. هم دانش‌آموزان و هم معلمان، به این نکته اشاره داشته‌اند. دانش‌آموزان هم مثل معلمان خواهان وجود انضباط در کلاس‌اند. آنان هم احساس امنیت می‌خواهند. با این حال باید توجه داشت که مطلوب‌ترین محیط آموزشی برای دانش‌آموزان، محیطی باشد که در عین داشتن ساختار مشخص، چندان کنترل‌کننده نباشد. ساختار در این‌جا به معنای مشخص کردن یا تنظیم و اعلام اهداف مشخص آموزشی، مبادله انتظارات معقول با دانش‌آموزان، راهنمایی کردن آنان و بازخورد دادن به آن‌هاست که با خود، ارضای نیازها، اهداف، اولویت‌بندی اقدامات و... را به همراه دارد. منظور از کنترل نکردن آن است که ساختار تنظیمی به‌گونه‌ای به کار بسته شود که به دیدگاه‌های دانش‌آموزان، نیازها، ترجیحات و علاقه‌های آن‌ها احترام گذاشته شود.

فصل مشترک دوم بین دیدگاه‌های دو طرف، اعتقاد به مشارکت دانش‌آموزان در کلاس است. معلمان خواهان مشارکت دانش‌آموزان در فرایندهای آموزشی کلاس‌اند و دانش‌آموزان هم ترجیح می‌دهند که فعالانه در کلاس شرکت داشته باشند. با این حال به نظر می‌رسد، در تعریف شرایط مورد نیاز برای مشارکت دانش‌آموزان، بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد. هر دو گروه خواهان تنوع در یادگیری هستند، هر دو گروه رابطه مثبت بین معلم و دانش‌آموز را دوست دارند و آن را عامل مهمی در محیط کلاس و یادگیری می‌دانند. هر دو گروه بر احترام متقابل معلم و دانش‌آموز تأکید دارند. دانش‌آموزان هم چنین تمایل دارند به هویت غیرتحصیلی آنان هم احترام گذاشته شود.

دو تفاوت عمده هم بین دیدگاه‌های دانش‌آموزان و معلمان به چشم می‌خورد. عوامل مهم از نظر دانش‌آموزان، عمدتاً عواملی فردی و عاطفی هستند، در صورتی که در مورد معلمان چنین نیست و آن‌ها بیشتر عوامل غیر فردی را مورد نظر دارند. تفاوت دیگر این است که چون هر دو گروه خواهان کنترل و در اختیار گرفتن مسیر و جهت یادگیری و آموزش کلاسی هستند، گاهی در این مورد بین آن‌ها تعارض‌هایی ایجاد می‌شود.

پی‌نوشت

1. American Psychological Association (APA)
2. Emmer et al
3. Weinstein & Mignano
4. Self-determination Theory
5. Rayan & Deci

منابع

1. American Psychological Association (1998). Creating Responsible Learners: The Role of a Positive Classroom Environment. Washington DC: APA press.
2. Emmer, E. T., Evertson, C., Clements, B., & Worsham, M. (1994). Classroom Management for Secondary Teachers (3rd ed.). Boston: Allyn & Bacon.
3. Rayan, R. M., & Deci, E. L. (2002). An Overview of Self-determination Theory. In E.L. Deci & R.M. Rayan (Eds.), Handbook of Self-determination Research (pp 3- 33).
4. Seligman, M. E. P (2002). Authentic Happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting full fillment. New York: Free press.
5. Seligman, M. E. P., Ernst, R. M., Gillham, J., Reivich, K., & Linkins, M. (2009). positive education: positive psychology and classroom interventions. Oxford Review of Education, Vol. 35. pp 293- 311.
6. Weinstein, C. S., & Mignano, A. (1993). Elementary Classroom management: Lessons from research and practice. New York: McGraw-Hill



حیات در مدارس

بودند، شروع کردم. مثلاً به مدرسه «صدر» در اصفهان و یا مدرسه «چهارباغ» برخوردیم. نکته جالب این بود که در این مدارس دویست سیصد سال پیش، حیاط‌های بسیار سرسبز و حوض‌های بزرگی وجود داشت که دائماً صدای آب آن‌ها در کل فضا می‌پیچید. آن‌ها را با مدارس خودمان مقایسه کردم و دیدم هیچ شباهتی بین حیاط مدرسه‌های قدیمی ما در ایران با حیاط مدرسه‌های فعلی وجود ندارد. در آن‌جا سایه‌های درختان، محیط مطبوعی را برای شاگردان و معلمان پدید می‌آورد، در حالی که ما هم‌اکنون در حیاط مدارسمان، باید به سایه دیوار اکتفا کنیم.

مورد بسیار جالب دیگر، مدرسه آقابزرگ کاشان بود. متوجه شدم ارتباط زیادی بین ساختمان مدرسه و حیاط وجود دارد؛ ساختمان پُر از تراس‌های مسقف و بزرگی است که مشرف به حیاط بودند و شاگردان می‌توانستند از هوای آزاد حیاط استفاده کنند؛ در عین این که آن فضا سقف نیز داشته باشد.

تعجب می‌کردم که ما چه مدارس زیبایی داشته‌ایم، اما از آن‌ها در مدارس امروز استفاده نکرده‌ایم. شاید هم خیال می‌کنیم که این تیپ مدارس، به مدارس مذهبی و یا حوزه مربوط است و یا این مدل طراحی‌ها دیگر مورد استفاده ما نیست. سعی کردم تصویرهای این مدارس را از اینترنت پرینت بگیرم و از اعضای جلسه بپرسم که چرا حیاط مدارس قدیم ما تا این اندازه بانشاط بوده است، ولی اکثر حیاط‌های مدارس کنونی اصلاً شادابی ندارد؛ یک حیاط صاف خط‌کشی شده است با دیوارهای هم شکل و آسفالتی که من همیشه از آن می‌رنجم. نکته دیگری که از این



مدرسه آقابزرگ کاشان

آن چه گذشت

گروه طراحی کوچکی را در مدرسه راه‌اندازی کردیم و مواردی را که دوست داشتیم و همچنین مواردی را که فکر می‌کردیم در حیاط مدرسه اشکال دارد، به آقای معمار رایانامه زدیم. بعد از آن نیز قرار شد در جلسه طراحی معماری مدرسه، من به عنوان نماینده بچه‌ها شرکت کنم و...

شروع جلسه دوروز دیگر بود. من در اینترنت جست‌وجویی کردم تا راجع به حیاط مدارس ایرانی و مدارس خارجی، مطالبی را به دست بیاورم. کارم را با پایگاه‌هایی که راجع به مدارس ایرانی مطالبی نوشته و یا عکس‌هایی گذاشته

**در مدارس دویست
سیصد سال پیش
حیاط‌های بسیار
سرسبز و حوض‌های
بزرگی وجود داشت که
دائماً صدای آب آن‌ها
در کل فضا می‌پیچید**



مدرسه صدر اصفهان

عکس یکی از ایوان‌های این مدارس را نیز پرینت گرفتیم تا آن را هم به آقای معمار نشان دهیم و بگویم چرا بچه‌های ما از حیاط با کیفیت سرسبز و سایه‌بان‌دار با صدای آب، لذت می‌برند؟ آیا این مربوط به خصوصیت انسان است که باید در محیطی که قرار می‌گیرد با طبیعت مانوس باشد؟ واقعاً چرا؟ اگر نیاز انسان به فضای طبیعی و نشاط در حیاط مدرسه نیازی طبیعی باشد، چرا معماران مدارس به این نکات توجهی ندارند و چرا معلمان و دست‌اندرکاران حوزه طراحی،

این نیازها را از معماران نمی‌خواهند؟ آیا آن‌ها نیز به این موضوع واقف نیستند که محیط مدرسه روی ما دانش‌آموزان تأثیر دارد؟ چه قدر خوش‌حالم که این آقای معمار اصرار داشت مدیران و معلم‌های راهنمای ما در مدرسه حتماً در جلسه شرکت کنند تا بتوانند به راه‌حل‌های مناسبی برای مدارس ما بچه‌ها برسند.

مطلب آخر از این مجموعه را در شماره بعد بخوانید و با ما در تماس باشید. بی‌صبرانه منتظر نظرات شما در مورد مطالب معماری هستیم.

عکس‌ها توجه من را به خود جلب کرد، دیوارهای سوراخ سوراخ زیبا با طرح‌های متنوعی بود که اول نمی‌دانستم کاربرد آن‌ها چیست؟ اما بعد از کمی جست‌وجو متوجه شدم که این‌ها تهویه طبیعی ساختمان هستند و هوا را به صورت بسیار طبیعی وارد ساختمان و یا از آن خارج می‌کنند. بعد از آن متوجه شدم، با به جریان انداختن میحث انرژی و جریان یارانه‌ها، هزینه برق ساختمان‌ها در مدارس بسیار بالا خواهد رفت و مدیران مدارس و دست‌اندرکاران حوزه طراحی، باید به فکر راه‌های بهتر برای تهویه طبیعی ساختمان باشند و یا از وسایل تهویه مکانیکی برای گزینه دوم و در صورت لزوم استفاده کنند. این مطلب را نیز در دفترچه‌ام یادداشت کردم. باز در عکس‌ها، مدرسه خان شیراز و ایوان اصلی آن را دیدم که محل تحصیل و تدریس ملاصدرای شیرازی بوده است. ایوان مسقف رو به حیاط و سقف سرپوشیده بزرگی داشت. فضای کلاس امسال و پارسال خودمان را مرور کردم. ما از برگزاری جلسه درس در حیاط، به جای کلاس‌مان که در انتهای راهرو بود، بسیار راضی‌تر بودیم. وقتی کلاس درس تاریخ و یا علوم و یا حتی دروس دیگر در حیاط برگزار می‌شد، بچه‌ها شادمانی بیشتری داشتند. ما در حیاط احساس آزادی بیشتری از جهت هوای تمیز داشتیم. کلاس ما بعد از اتمام هر جلسه درس، بوی بدی می‌دهد. احساس می‌کنم همیشه احساس خفگی به انسان دست می‌دهد. وقتی به حیاط می‌رفتیم، می‌توانستیم راحت‌تر صحبت کنیم. صدهای دیگری نیز در حیاط بود، اما مزاحم درس ما نمی‌شد. بچه‌ها شادتر و شوخ‌طبع‌تر می‌شدند. اما من نمی‌دانم چرا؟ تنها یک مشکل بود و آن آفتاب شدید حیاط بود که وقتی کلاس ما بیشتر از یک ساعت و یا چهل‌وپنج دقیقه طول می‌کشید، احساس داغی در بدن و یا خستگی می‌کردیم و مجبور می‌شدیم دوباره به کلاس‌مان در ساختمان برگردیم. وقتی این ایوان‌ها و بالکن‌های مسقف بسیار زیبا را در حیاط مدارس قدیمی دیدم، به ذهنم رسید که کاش مدرسه ما نیز چنین ایوان‌هایی داشت تا بتوانیم بخشی از کلاس‌ها را در هوای آزاد برگزار کنیم. به همین خاطر،

آموزش و پرورش در جهان

و غنی برای افراد ۳ تا ۱۸ سال فراهم کند. در این برنامه درسی، سنجش جزء لاینفک یاددهی و یادگیری است؛ فرایندی که تصویری از پیشرفت دانش آموزان و تعیین مراحل بعدی یادگیری ارائه می دهد. ارزشیابی باید از اهداف یادگیری حمایت و اصول برنامه درسی برای تعالی را منعکس کند. معلمان روزانه به طور مستمر دانش آموزان را ارزیابی می کنند. مثلاً زمانی که دانش آموزان در کلاس تکلیف انجام می دهند، چیزی می نویسند یا می سازند، تماشا می کنند، به آن ها گوش می دهند، به چیزی که نوشته اند یا ساخته اند نگاه می کنند و به سؤالاتشان پاسخ می دهند. آن ها دانش آموزانشان را خوب شناسایی می کنند و پوشه ای از مراحل پیشرفتشان تشکیل می دهند.

مطابق با اهداف این برنامه، ارزشیابی مستمر مؤثر به این معناست که تعیین کنیم دانش آموزان در یادگیری شان کجا قرار دارند، کجا دارند می روند و چه طور می توانند به بهترین روش به مقصد برسند. مهم این است که معلمان از شواهدی برای نشان دادن میزان یادگیری استفاده کنند تا بازخورد مفیدی به دانش آموزان بدهند، رویکردهای یاددهی یادگیری را برای رفع نیازهای دانش آموزان تغییر دهند و حوزه هایی را که هنوز یادگیری در آن ها وضعیت قابل اعتمادی ندارد، مرور کنند.

دانش آموزان و کسان دیگری که درگیر یادگیری آنان قرار گرفته اند، به بازخورد بموقع و دقیق درباره آن چه یاد گرفته اند و این که چه میزان و چه حد خوب آن را یاد گرفته اند نیاز دارند. بازخورد بموقع تعیین می کند در مرحله بعدی لازم است چه کاری انجام شود و چه کسی به فرد کمک کند تا دانش، درک و مهارت خود را بسازد.

ارزشیابی برای یادگیری، دانش آموزان را تشویق می کند که مستقل تر شوند و چگونه یادگرفتن را یاد بگیرند. دانش آموزانی که در ارزشیابی خودشان و هم کلاسی هایشان فعال هستند، مهارت ها و ویژگی های لازم برای تبدیل شدن به یادگیرندگان منعطف و خودانگیزخته را کسب می کنند. تعمق درباره شواهد یادگیری، بخشی از چرخه ارزشیابی مستمر است که در آن دانش آموزان و معلمان تعیین هدف می کنند، معیارهای موفقیت را با هم در میان می گذارند و از راه گفت و گو و خودارزیابی، میزان یادگیری شان را می سنجند. در این فرایند، دانش آموزان از: «آن چه یاد می گیرند، چه طور یاد می گیرند، و چه چیزی به یادگیری شان کمک می کند»، آگاه تر می شوند.^۳

به نظر می رسد ارزشیابی برای یادگیری، نه تنها به تقویت یادگیری دانش آموزان کمک می کند، بلکه این نگرش را در آنان تقویت می کند که «هر دانش آموزی می تواند پیشرفت کند».

پی نوشت

1. Wikipedia
2. http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Educational_assessment&action=edit§ion=3
3. <http://www.ltscotland.org.uk/learningteachingandassessment/assessment/progressandachievement/index.asp>
4. <http://www.ltscotland.org.uk/learningteachingandassessment/assessment/progressandachievement/howweassess/learningteachingandassessment/autonomouslearners.asp>



کلیدواژه ها: یادگیری، ارزشیابی، آموزش.

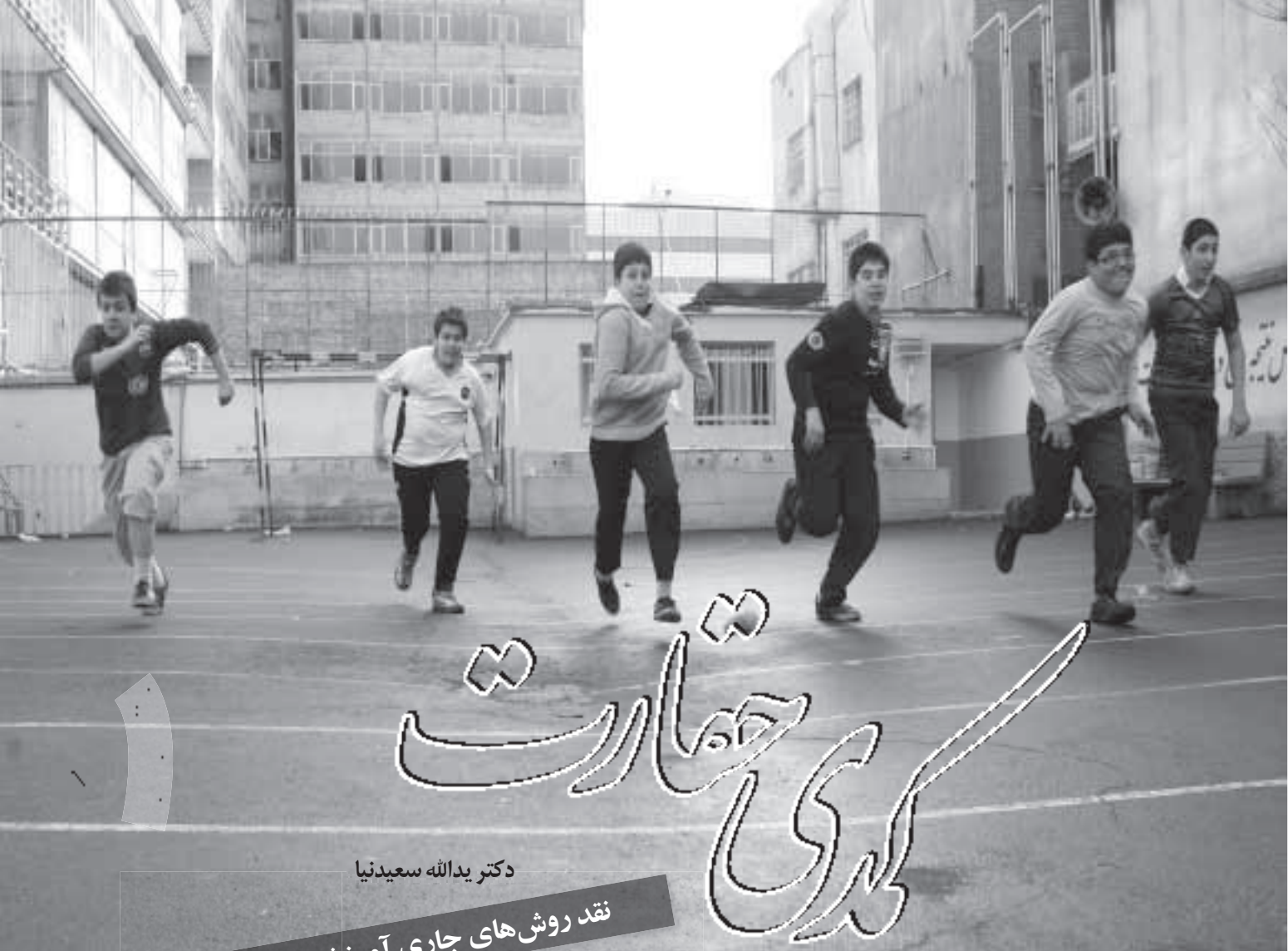
تفاوت نظام ارزشیابی، تعیین کننده تفاوت های نظام های آموزشی با یکدیگر است. به راستی از ارزشیابی در دوره راهنمایی چه اهدافی را دنبال می کنیم؟ آیا معلمان، دانش آموزان و اولیا از این اهداف آگاه هستند؟ هدف تعیین این موضوع است که آیا دانش آموزان می توانند به سال بالاتر بروند یا هدف تقویت یادگیری آنان است؟ یا هر دو؟ در نوشته زیر شاهد خواهیم بود که چگونه ارزشیابی نقش بسزایی در کاهش تنش و اضطراب دارد و چگونه می توانیم زمینه ساز خودارزشیابی باشیم.

در دانش نامه اینترنتی «ویکی پدیا»^۱ ارزشیابی آموزشی این گونه تعریف شده است: فرایند مستندسازی دانش، مهارت، نگرش و باور، معمولاً با اصطلاحات قابل اندازه گیری.^۲ ارزشیابی عموماً برای همه فعالیت هایی به کار می رود که معلمان برای کمک به یادگیری دانش آموزان و سنجیدن پیشرفت آنان استفاده می کنند. ارزشیابی برای یادگیری فرایندی است که تعیین می کند یادگیرندگان در چه مرحله ای از یادگیری شان قرار دارند، کجا باید بروند و تا چه اندازه باید تسلط بیابند. ارزشیابی برای یادگیری را تعداد زیادی از نظام های آموزشی در سطح بین المللی ترویج می کنند.

در اسکاتلند حرکتی با عنوان «برنامه درسی برای تعالی» شکل گرفته^۳ و هدفش آن است که نوعی برنامه درسی منسجم، منعطف

دانش آموزانی که در ارزیابی خودشان و هم کلاسی هایشان فعال هستند، مهارت ها و ویژگی های لازم برای تبدیل شدن به یادگیرندگان منعطف و خودانگیزخته را کسب می کنند





دکتر یدالله سعیدنیا

نقد روش‌های جاری آموزشی در مدارس

کلیدواژه‌ها: رقابت، انگیزه، نیاز.

مدارس امتیاز می‌یابند. رقابت به ابزار معلم برای کنترل و هدایت بچه‌ها تبدیل شده است. والدین بسیاری نیز مدرسه فرزندشان را ناکارآمد می‌دانند، زیرا مدرسه به زعم آن‌ها نتوانسته است در بچه‌ها رقابت ایجاد کند.

چرا رقابت این جایگاه را به‌دست آورده است؟ **دیک (۲۰۰۱)** می‌گوید، تقریباً زیربنای همه رفتارهای انسان تلاش برای ارضای یکی از نیازهایش است. براساس نظریه **مازلو (۱۹۷۱)** می‌توان دریافت که رقابت به دلیل ارتباط با کدام نیاز، به انگیزه (به معنای کلی آن) تبدیل شده است. احتمالاً موضوع به نیاز انسان به احساس ارزشمندی و محترم بودن مربوط می‌شود. مدارس برای دادن این احساس به بچه‌ها، ملاک جلوتر بودن آن‌ها را در درس و نمرات می‌گذارند و از هر طریق ممکن بر آتش این معرکه می‌دمند. متأسفانه آن‌ها این محرک را قوی و کارآمد یافته‌اند.

از آن‌جا که اساس ایجاد تغییر در نگاه سنتی، محرک‌ها هستند، استفاده از آن در این نظام مباح، لازم و مورد تأکید

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ما معلمان، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان است. زیرا فکر می‌کنیم که این امر می‌تواند تلاش و تکاپوی علمی را بین دانش‌آموزان زیاد کند. در نوشته زیر، این نگاه بررسی و نقد شده است.

در این شماره که آخرین شماره سال تحصیلی ۹۰-۸۹ قبل از شماره پایانی است که به جمع‌بندی اختصاص داده خواهد شد، می‌کوشیم آخرین نکاتی را که در اصول جاری آموزش و پرورش سنتی وجود دارد و در شماره اول ذکر شد، نقد کنیم.

یکی از اصول پررنگ در شیوه سنتی آموزش، استفاده از رقابت است. اکنون در نظام ما رقابت نه تنها به عنوان مؤثرترین انگیزه برای آموختن شناخته می‌شود، بلکه مدارس نام‌آورتر، با وسعت بخشیدن و نهادینه کردن رقابت، بر دیگر

رقابت‌هایی که کودکان را به شرکت در آن‌ها وامی‌داریم، برای اکثر آن‌ها احساس ناتوانی و درماندگی به ارمغان می‌آورد

متأسفانه رقابت به ابزار معلم برای کنترل و هدایت تبدیل شده است

است. اما سؤال این است که آیا جلوتر از دیگران بودن و برتر بودن، به واقع رفتاری است که احساس ارزشمندی و محترم بودن را ایجاد می‌کند یا این ارتباط به طور مصنوعی و با دخالت دیگران ایجاد می‌شود؟ از آن‌جا که بحث در این خصوص بسیار جدی است، پرداختن بیشتر به موضوع، خالی از فایده نخواهد بود.

اگر بتوان نشان داد که رقابت واقعاً ارضاکنده حس ارزشمندی است همان‌گونه که خوردن با سیر شدن تناسب ذاتی دارد در نگاه جدید به انسان هم رقابت مباح می‌شود. ولی اگر این ارتباط توسط محیط و با پاداش دادن بیرونی به رقابت و برنده شدن ایجاد می‌شود، استفاده از آن در نگاه جدید، دخالت در رشد طبیعی انسان‌ها محسوب می‌شود و دارای عوارض جانبی منفی خواهد بود. مازلو (۱۹۷۱) ارضای نیازهای اساسی را صرفاً به رفتارهایی که تناسب طبیعی و ذاتی با رفع آن نیاز دارند، واگذار می‌کند و تأکید دارد که ارتباط دادن رفتارهای نامتناسب با رفع نیاز به آن، واقعاً نیاز را رفع نمی‌کند و لذا به دلیل باقی ماندن نیاز در فرد، عوارض روانی برای او ایجاد می‌کند.

واضح است که احساس ارزشمندی در انسان‌ها ابتدا به نحوه واکنش دیگران به رفتار فرد بستگی دارد (زیرا بعد از مدتی این احساس درونی می‌شود. یعنی از واکنش خود فرد به رفتار خودش ایجاد می‌شود). بنابراین، در این نقطه از مسیر رشد، واکنش‌های مناسب دیگران برای رشد طبیعی کودکان اساسی است (مازلو، ۱۹۷۰). هر رفتار همراه با تلاش برای موفقیت، هر رفتار خلاقانه، هر رفتار مبتنی بر ارزش‌های انسانی، و بسیاری از دیگر رفتارها، می‌تواند واکنش تأیید، توجه و تحسین دیگران را برانگیزد و به نظر می‌رسد که همه این واکنش‌ها با ارضای نیاز به حس ارزشمندی فرد تناسب دارد. نمی‌توان منکر شد که گاهی کودکان به طور طبیعی به رقابت علاقه نشان می‌دهند. همین علاقه است که در بزرگسالان، آن‌ها را به میدان‌های رقابت ورزشی و اقتصادی و غیره می‌کشاند. این علاقه نیز می‌تواند به دلیل کسب حس ارزشمندی از برتر بودن از دیگران باشد. در این صورت، رقابت برای برخی، رفتار متناسبی برای کسب حس ارزشمندی خواهد شد. نکته کلیدی شاید این باشد که بسیاری از اوقات، خود فرد این راه را برای کسب احساس ارزشمندی برنمی‌گزیند، ولی دیگران این ارتباط را برقرار و فرد را در

این مسیر ناخواسته قرار می‌دهند. این «دیگران» برای وادار کردن فرد برای شرکت در این رقابت، راه‌های دیگر کسب احساس ارزشمندی را می‌بندند. مثلاً به رفتارهای مثبت، سازنده و ارزشمند دیگر فرد توجه نمی‌کنند و تنها جلوتر بودن از دیگران را ملاک توجه به فرد قرار می‌دهند. در واقع، در عمل برتری و بردن در رقابت، غالباً کارکردی بیش از دادن حس ارزشمندی پیدا می‌کند. غالباً نیاز فرد را به محبت، تعلق، و حتی ایمنی روانی، مبتنی بر بردن در رقابت‌های مدرسه قرار می‌دهند. در حالی که واضح است، ارتباط این نیازها با رفتار بردن در رقابت کاملاً نامتناسب است.

حاصل این بحث می‌تواند این باشد که هرگاه فردی رقابت را با خواست خود برگزیند و بخواهد با بردن در رقابت با دیگران، احساس ارزشمندی کسب کند، رقابت به جایگاه خود بازگشته است. این نوع رقابت، رفتاری طبیعی و متناسب با رفع نیاز است. به همین دلیل، عوارض روانی ندارد. فردی که به خواست خود در رقابت ورزشی شرکت می‌کند، حتی اگر برنده نشود، احساس حقارت نمی‌کند. بسیاری از ورزشکاران، اساساً در برخی رقابت‌ها می‌دانند که اول نیستند، ولی گاهی راه یافتن به مسابقه، به آن‌ها حس ارزشمند بودن را داده است یا بهبود رکورد شخص، به آن‌ها حس کفایت می‌دهد. هر ورزشکار در میدان رقابت، رقابتی شخصی را با جمعی دنبال می‌کند که الزاماً همان افراد حاضر در میدان نیستند. مثلاً یک تیم دسته دوم، در مسابقه با یک تیم دست اول، از شکست یک بر صفر با افتخار یاد می‌کند. رمز این موضوع، در انتخابی بودن این رقابت‌هاست. اگر هر کس آزاد باشد که رقابتی را برگزیند، آن رقابت برای او در هر صورت می‌تواند عامل رشد باشد. اما اگر این رقابت اجباری و تنها راه به دست آوردن نیازهای اساسی انسان باشد، حداقل برای غیربرنده‌ها شکننده و عوارضی مانند احساس کمتری، ناتوانی، بی‌کفایتی و درماندگی خواهد داشت.

با این تحلیل، دلیلی که معمولاً برای آوردن رقابت به مدارس می‌آورند، وجاهت خود را از دست می‌دهد. می‌گویند: «با تمرین رقابت در مدرسه، کودکان را برای رقابت در جامعه آماده می‌کنیم». اما همان‌گونه که در تحلیل بالا مشخص می‌شود، رقابت‌هایی که کودکان را به شرکت در آن‌ها وامی‌داریم، برای اکثر آن‌ها احساس ناتوانی و درماندگی به ارمغان می‌آورد. این رقابت‌های غیر انتخاب شده، حتی برای

برنده‌ها هم می‌تواند عوارضی داشته باشد. از آن‌جا که آن‌ها ناخواسته این رفتار را برای ارضای حس ارزشمندی انجام می‌دهند، در زندگی واقعی همواره به دنبال پشت سر گذاشتن دیگران برای کسب احترام هستند و با شکست‌های احتمالی بعدی، دچار سرخوردگی و احساس ناکامی می‌شوند. اگر بتوان رقابت را از جنسی که مدارس ایجاد می‌کنند عمده‌تأثیر طبقه رقابت‌های مصنوعی و ناخواسته برای کودکان جا داد، قطعاً می‌توان آن را جزو انگیزه‌های بیرونی برشمرد. جنگ بین روان‌شناسان در مورد انگیزه‌های بیرونی و درونی سابقه زیادی دارد. در نگاهی که این نوشتارها به انسان دنبال می‌کنند، تأکید روی انگیزه‌های درونی است. تحقیقات بسیاری در مورد تأثیر و تأثر انگیزه‌های بیرونی و درونی روی انسان و رفتار وی انجام شده است که نتایج آن‌ها بر تأثیر تخریبی به کار بردن انگیزه‌های بیرونی بر انسان و کم‌رنگ کردن انگیزه‌های درونی تأکید دارند (نگاه کنید به امایل، ۱۹۹۳). البته کم نیستند روان‌شناسانی که هنوز به ضرورت استفاده از انگیزه‌های بیرونی تأکید دارند (برای مثال نگاه کنید به ریس، ۲۰۰۵).

به هر حال، با انتخاب نگاه این نوشتارها، رقابت‌های مدرسه‌ای عمده‌تأثیر از نوع انگیزه‌های بیرونی محسوب می‌شود و با نیازی که قرار است برآورده سازند، تناسبی ندارند. بنابراین، مدرسه‌ای که از نگاه جدید به انسان پیروی کند، کارهایی مانند زیر را نباید/باید انجام دهند:

- نباید بچه‌ها را براساس معدل رتبه‌بندی و آن‌ها را اعلام کنند.

- نباید به نفرات برتر درسی در صبحگاه جایزه دهند.
- نباید اسمی نفرات برتر را به دیوار بزنند.
- نباید مسابقات درسی و علمی همگانی بگذارند و به نفرات برتر جایزه بدهند.

- نباید برای بردن به اردو، برنامه امتیازی درسی و فوق‌برنامه درست کنند و نفرات برتر را ببرند.

- نباید فقط کارهای برتر هنری کلاس هنر را به دیوار بزنند

- نباید فقط به برترین قاریان-در مسابقه همگانی قرآن- جایزه بدهند.

- نباید نمرات بچه‌ها را به ترتیب از خوب به بد یا برعکس در کلاس بخوانند.

- نباید ارزش‌یابی ۱ تا ۲۰ را که از نظر آماری هم اختلاف معناداری بین بیشتر آن‌ها نیست، در مدارس جاری کنند.
- نباید براساس سطح درسی بچه‌ها به آن‌ها احترام بگذارند

- نباید براساس سطح نمره بچه‌ها در مورد شخصیت آن‌ها قضاوت کنند.

- باید فضای مسابقه‌های گروهی بدون هیچ پاداش بیرونی را ایجاد کنند.

- باید امکان شرکت بچه‌ها را در رقابت‌های بیرونی، براساس خواست و انتخاب خودشان فراهم کنند.

- باید امکان فعالیت‌های متعدد علمی، ورزشی و هنری را بدون رقابت برای سلیقه‌های متفاوت ایجاد کنند.

- باید همه در مدرسه مورد احترام باشند و درس نخواندن و معدل پایین، امری شخصی تلقی شود که ارتباطی با شخصیت فرد ندارد.

- باید امکان ارائه کارهای فردی و گروهی بچه‌ها را در حوزه‌های گوناگون مورد علاقه آن‌ها، بدون رتبه‌بندی و ایجاد رقابت، در قالب نمایشگاه و سمینار و غیره فراهم کنند.

در اغلب مدارس پیشرفته دنیا، موارد فوق به صورت امری بدیهی و جاری در آمده است. در بازدید از این مدارس، هیچ اثری از کمد جوایز، اعلام نفرات برتر، نظام امتیازی، رقابت‌های فردی، و فضای برتری‌طلبی و قضاوت براساس وضعیت درسی دیده نمی‌شود. اگرچه نمی‌توان ادعا کرد که اساساً رقابت در کار نیست، اما به جرئت می‌توان گفت، فضای حاکم و فرض‌های نانوشته فرهنگی جاری بین معلمان و مسئولان مدارس و حتی دانش‌آموزان، فضای رقابتی نیست.

منابع

1. Amabile, T. M. (1993). Motivational synergy: Toward New Conceptualizations of Intrinsic and Extrinsic Motivation in the Workplace. *Human Resource Management Review*, 3(3), 185-201.
2. Dick, B. (2001). Maslow Revisited: Maslow's Hierarchy of Needs Examined and Reformulated. [Electronic file]. Retrieved Jul. 08, 2007, from http://www.uq.net.au/~zzbdick/dliitt/DLitt_P02masrev.pdf. A discussion paper, originally written in the 1980s, revised 1990, 1993, this version, 2001.
3. Maslow, A. H. (1970). *Motivation and Personality* 2nd ed. New York: Harper & Row.
4. Maslow, A. H. (1971). *The Farther Reaches of Human Nature*. New York: The Viking Press
5. Reiss, S. (2005). Intrinsic Motivation Doesn't Exist, Researcher Says. Retrieved May. 12, 007 from <http://www.physorg.com/news4126.html>.

آیا جلوتر از دیگران بودن و برتر بودن، به واقع رفتاری است که احساس ارزشمندی و محترم بودن را ایجاد می‌کند یا این ارتباط به طور مصنوعی و با دخالت دیگران ایجاد می‌شود

نباید مسابقات درسی و علمی همگانی بگذارند و به نفرات برتر جایزه بدهند

کسوان خط

یگوید خوب!»

گفتم: «مثلاً

از سر دردمندی و رنجیدگی

گفتم: «اونوقت

گفتم: «دیرت نشه بابا.»

وقتے، سرم رفت، ه

گفتم: «خوب یک زنگ بزیر مدرسه با

گفت: «چه مشكله، مثلاً؟»

گفتم: «شاید تو هندسه یا مثلاً تو در

صحبت ما دیگر ادامه پیدا نکرد و

نگفت.»

گفتم

گفت

گفت

گفت: «مر...

گفته:

گفت: «خب مش

گفتم

گف

گفت:

گفت

چرا این قد به بچه‌های مردم فشار می‌آید؟ به حرف‌هایی زد. زیاد چیزی نگفت، ولی از صحبت‌هاش معلوم بود که برنامه مدرسه تغییر کرده. برنامه مدرسه اینه که به بچه‌ها بیشتر فشار بیارند. مثل این که تو مسابقات علمی منطقه که همیشه اول می‌شدن، این دفعه اول نشده‌ان. مدیرشون ناراحت شده. رییس مجتمعشون زنگ زده به چیزایی گفته، بهشون برخورد. افتادن تو کری خونی با مدرسه کمالی. فشار میان که اول بشن... ببینم ناصر، شما هم تو مدرسه‌تون با بچه‌های مردم این طوری رفتار می‌کنین؟»

من که حواسم درست جمع نبود گفتم: «کدوم کار؟»

گفت: «این که سوار بچه‌های مردم بشید، شلاقشون برزید تا تندتر بلوند تا اول بشید؟»

گفتم: «ما؟ نه، ما این کارو نمی‌کنیم.»

دقیقه‌ای سکوت برقرار شد تا همسر دوباره به حرف آمد و گفت: «ناصر بیا کیوان رو از این مدرسه برش داریم. خوب نیست براش.»

گفتم: «خانم با هزار زحمت بردمش تو اون دبیرستان. از همه سابقه معلمی ام‌ما به گذاشتم. ببرمش کجا؟ به کنکورش فکر کردی؟ فردا کدوم دانشگاه قبول می‌شه؟ کدوم رشته؟...»

حرفم را دیگر ادامه ندادم. همسر داشت برای خودش چایی می‌ریخت و من دیدم که قطره اشکی در لیوان چایش چکید. دیگر حرفی برای گفتن نمانده بود. مثل همیشه که وقتی کم می‌آوردم، سریع از خانه می‌آمدم بیرون، این بار هم کیفم را برداشتم و زیر لب خدانه‌داری گفتم و زدم بیرون.

احساس ضعف می‌کردم. تمام مدت توی مترو با خودم فکر می‌کردم، گندزدی قهرمان، همیشه افتخارت این بوده که پیش هیچ مسئله ریاضی کم نیاورده‌ای. هر چی پشت آورده‌اند، حلش کرده‌ای. پیش دانش آموز و همکار سرت را بلند گرفته‌ای که همیشه بر هر مسئله‌ای پیروز شده‌ای و حالا... حالا همان مسائل ریاضی دارند شکست می‌دهند. اما نه روی کاغذ، روی صفحه زندگی.

وقتی رسیدم مدرسه، بچه‌ها داشتند به صف می‌رفتند سر کلاس. ردیف به ردیف، صف به صف، مثل همیشه. با خودم گفتم: «و ما هنوز دوره می‌کنیم شب را و روز را، هنوز را...»

غرق در شعر و داستان خودم بودم که آقای محمودی، معاون آموزشی مدرسه، سلامی کرد و صبح بخیری گفت.

گفتم: «سلام از بنده است آقای محمودی، ببخشید حواسم نبود.»

گفت: «خیلی تو فکر بودید آقای باقری. خیره ان شاءالله»

گفتم: «بله ذهنم مشغول بود. حالتون چه‌طوره؟»

گفت: «شکر، الحمدلله. اگر اجازه بدهید، قبل از این که سر کلاس بروید، نکته‌ای را بگویم. دیر هم شده و بچه‌ها منتظر هستند، زیاد وقتتان را نگیرم. شما حتماً در جریان آزمونی که دو هفته پیش بین مدارس راهنمایی منطقه برگزار شد، هستید. نتایج‌اش سه روز پیش آمد. شما را من ندیدم که بگویم. متأسفانه نتیجه‌اش خیلی خوب نبود. نه که در درس شما بد باشد، کلاً بچه‌ها آن

طوری که می‌خواستیم، نبودند. تنبل شده‌اند. من به بقیه همکاران هم گفتم، لطفاً از بچه‌ها بیشتر کار بکشید. تکلیف بیشتری بدهید. بیشتر پی‌گیری کنید... به ناله‌های این‌ها هم توجه نکنید. بچه‌ها همیشه از زیادی تکلیف می‌نالند. به حرف این‌ها باشد، باید مدرسه را بکنیم پارک شادی. شما تکلیف زیاد بدهید. به کار بکشیدشان، اگر نوشتند، بیندازیدشان بیرون. ما خودمان می‌دانیم چه کار کنیم. پدر و مادرشان را می‌آوریم مدرسه. تعهد می‌گیریم ازشان. شما سخت بگیرید، بقیه‌اش با ما... این برای ما خوب نیست که مدرسه ما دوم بشود. راستش از مجتمع هم زنگ زده‌اند...»

بقیه صحبت‌های آقای محمودی را خیلی متوجه نشدم. گیج‌و‌مگ رفتم سر کلاس. کسی برپا گفت. کیوان به احترام معلم بلند شد. کیوان با اشاره معلم نشست. کیوان کیفش را باز کرد. کیوان مرا نگاه می‌کند. کیوان منتظر چه بود؟





موزه ملی توانمندسازی کلاس درس باشد

از آن جایی که براساس سیاست‌های آموزشی مالزی، هنر زمینه تمام دروس تلقی می‌شود، در واقع موزه هنری و بسیاری از موزه‌ها، بخشی از کلاس درس محسوب می‌شوند و با هماهنگی صورت گرفته بین وزارت آموزش و پرورش و مسئولان موزه‌ها، فضاهایی مناسب، جذاب و شورآفرین برای دانش‌آموزان فراهم شده است.

معرفی

این موزه در سال ۱۹۹۸م به عنوان بزرگ‌ترین موزه در جنوب شرقی آسیا، در زمینی به مساحت سی هزار مترمربع، در اطراف باغ مرکزی کوالالامپور تأسیس شد. موزه هنرهای اسلامی مالزی بیش از هفت هزار اثر باستانی مربوط به دوران اسلامی را در خود جای داده است. همچنین، کتابخانه‌ای استثنایی از آثار هنر اسلامی دارد و اشیای هنری بی‌نظیری شامل هنرهای دستی، جواهرات، لباس‌ها و دیگر لوازم را شامل می‌شود.

بخش‌های هنری

● معماری

در موزه هنرهای اسلامی، در مجموعه‌ای جامع، مدل‌هایی از آثار معماری اسلامی مانند مسجدالحرام، تاج‌محل، مسجد قبا و مسجد شیخ لطف‌الله، در مقیاس واقعی ساخته شده و عظمت مکان‌های مقدس اسلامی را به بهترین شکل به نمایش گذاشته‌اند.

بسیاری از مردم گمان می‌کنند، موزه‌ها مکان‌های آرام و ساکتی هستند که اشیای قدیمی و تاریخی در زیر پوششی از گردوغبار در آن‌جا به نمایش گذاشته شده‌اند و مسئولان بزرگ‌سال در موزه‌ها افرادی جدی هستند که مهمانان خود را به سکوت دعوت می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند که بدون ایجاد سروصدا و دست زدن به اشیای موزه، از آن مکان بازدید کنند. ما در این گزارش در نظر داریم این نگاه و تصور را نسبت به موزه عوض کنیم.

نگاهی به موزه هنرهای اسلامی مالزی و کاربردهای آموزشی آن

موزه هنرهای اسلامی مالزی، همکاری بسیار نزدیکی با وزارت آموزش و پرورش مالزی دارد و مسئولان آن تلاش کرده‌اند فضایی جذاب، پرتحرک، غنی و دوست‌داشتنی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

در واقع در این موزه دانش‌آموزان می‌توانند بسیاری از درس‌های خود را مرور کنند. کارشناسان موزه نیز که در حرفه و شغل خود بسیار خبره هستند و آموزش‌های لازم را برای همراهی و کمک به دانش‌آموزان دیده‌اند، به کمک معلمان می‌آیند و آن‌ها را در ارائه برنامه‌ای مفرح، شاد و مؤثر برای یادگیری بیشتر یاری می‌کنند.





● قرآن و دست‌نوشته

در بخش گالری‌های قرآن، تکه‌هایی از قدیمی‌ترین نسخه قرآن قرار دارد که روی پوست گوساله نوشته شده است و با بهره‌گیری از خط زیبای کوفی، رنگ‌های به کار رفته در آن به آب طلا آغشته شده‌اند.

● هنر هند

با حضور و ورود **بابر**، بنیان‌گذار امپراتوری مغول، تاریخ هنر اسلامی در هند وارد درخشان‌ترین دوران خود شد. آن‌ها دستاوردهای هنری زیادی را در معماری بر جای گذاردند و آثار ماندگاری خلق کردند. بخش زیادی از آثار آن دوره، در موزه به نمایش گذاشته شده است.

● هنر چین

هنر اسلامی در چین هم هویت مخصوص به خود را دارد. اغلب آثار باقی‌مانده با بهره‌گیری از روش‌های چینی، هویت اسلامی خود را به نمایش می‌گذارند. خوش‌نویسی متون اسلامی با ترکیب هنر چینی، آثار بی‌بدیلی را به وجود آورده است.

● جهان مالزیایی

مجمع‌الجزایر مالایی به عنوان شرقی‌ترین مرز اسلام، از ۵۰۰ سال پیش پذیرای دین مبین اسلام بوده است. ورود بازرگانی از مرز مالاکا و ازدواج او با شاهزاده‌ای مالزیایی، تاریخ و مبدأ ورود اسلام به مالزی تلقی می‌شود. نسخه‌های خطی قرآنی، منسوجاتی که غالباً ترکیب و هندسه خاص اسلامی خود را دارند و بهره‌گیری از چوب و فلز و ساختن خنجرهای منحصر به فرد با ترکیب هنری خاص، از سنت‌های دیرباز جهان مالزیایی است.

● منسوجات

بسیاری از سلسله‌های حاکمان اسلامی، منسوجاتی خاص را تولید کرده‌اند که با بهره‌گیری از هنرهای اسلامی مانند گل و بوته‌های طراحی شده در کشمیر تولید شده است. این منسوجات نشانگر موقعیت هنرهای اسلامی بوده و در زمان خود از مرغوب‌ترین مواد اولیه تهیه شده است.

● سکه

سکه‌های اسلامی در سراسر جهان هویت خاص خود را دارند. سکه‌های به جا مانده از دوران قدیم، هنر طراحی و ساخت خاص کشورهای اسلامی را در انواع سکه به نمایش می‌گذارد.

● کتابخانه موزه

کتابخانه موزه به عنوان مرکزی پژوهشی و هنری، در خدمت مطالعات مربوط به هنر، تمدن و فرهنگ اسلامی در سرتاسر جهان است. سازمان‌دهی و حفظ منابع مربوط به میراث ادبی، هنر و معماری اسلامی، از اهداف این کتابخانه است. در حال حاضر بیش از ده‌هزار عنوان شامل مجلات علمی، هنری، کاتالوگ، کتاب، عکس و تصویر و نسخ خطی، مجموعه‌ای نفیس و بی‌نظیر را درباره تاریخ تمدن، فرهنگ و هنر اسلامی، در خود جای داده‌اند.

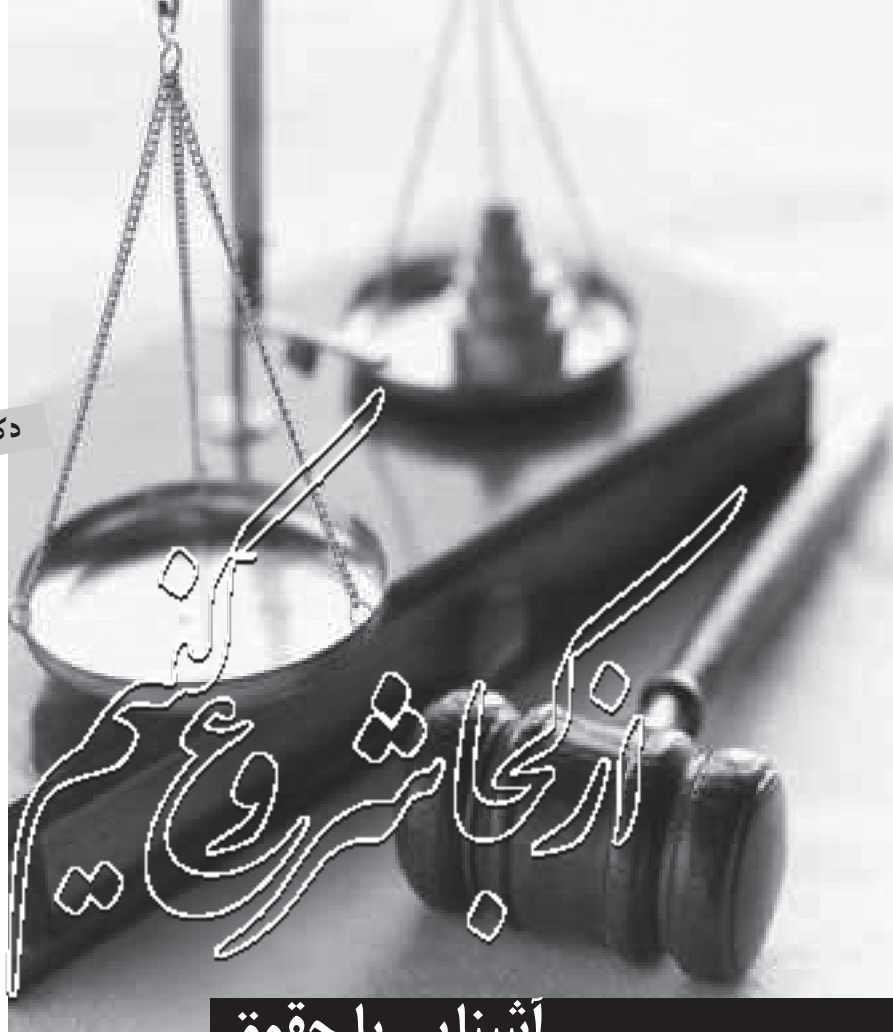
● بخش ویژه کودکان و نوجوانان

موزه هنرهای اسلامی مالزی، محلی برای اکتشاف و یادگیری کودکان در مورد تاریخ اسلام است و کتابخانه آن نیز مکانی هیجان‌انگیز برای سفر در تاریخ و کشف ناشناخته‌هاست. دانش‌آموزان از طریق «جهان جادویی خواندن» با گذشته پرافتخار خود آشنا می‌شوند.

منبع

1. <http://www.iamm.org.my>





آشنایی با حقوق

کلیدواژه‌ها: جرم، شکایت، حقوق.

در شماره‌های پیشین، فصل سوم از قانون اساسی جمهوری اسلامی را که در آن از حقوق مربوط به امنیت فردی و تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندی سخن به میان آمده بود، بازخوانی کردیم و نمونه‌ای از عناوین مجرمانه را در قانون برشمردیم. از آن جا که «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»^۱، از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است، در این شماره از چگونگی «شکایت» و «اعلام جرم» به عنوان گام‌های آغازین برای احقاق حق سخن خواهیم گفت.

در قوانین آیین دادرسی کیفری، جهات قانونی برای شروع تحقیقات و رسیدگی چنین آمده است:

الف) شکایت شاکی.

ب) اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود.

ج) جرائم مشهود در صورتی که قاضی، ناظر وقوع آن باشد.

د) اظهار و اقرار متهم.

بر این اساس، شروع به تحقیقات مقدماتی، بر مبنای شکایت و اعلام جرم خواهد بود. پیش از طرح این بحث،

لازم است از تفاوت‌های شکایت و اعلام جرم سخن بگوییم: «خبر از وقوع جرم، چنانچه خبردهنده از آن متضرر شده باشد، شکایت و در غیر این صورت اعلام جرم نامیده می‌شود.»

شکایت، برای شروع به تحقیقات کافی است و براساس قانون، نه مستنطق می‌تواند در این مورد استنکاف ورزد، نه مدعی العموم.

«شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است، قاضی دادگاه نمی‌تواند از انجام آن خودداری نماید.»^۲

ناگفته نماند که هر اعلام جرمی برای شروع تحقیقات کافی نیست. اعلام جرم وقتی می‌تواند برای شروع به تحقیقات پایه و اساس باشد که اعلام کننده آن مدعی شهادت عینی وقوع جرم باشد و جرم مربوط به نظم عمومی باشد.^۳

از همین رو، گزارش‌ها و نامه‌هایی را که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آن‌ها مشخص نیست، نمی‌توان مبنای شروع به رسیدگی قرار داد، مگر آن که دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلاف در نظم عمومی است...^۴

نکته‌ای که قانون‌گذار به صراحت برای احقاق حق و برقراری عدالت قضایی به خوبی به آن توجه کرده، این است که: «شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است» و آن بدان معناست که مراجع انتظامی، قضات یا دادستان‌ها، به محض این که شکایتی را دریافت کردند، مکلف به رسیدگی هستند و حق امتناع ندارند. قانون گفته است که ضابطین قوه قضاییه و قضات، در تمام اوقات شب و روز، مکلف به پذیرش شکایت هستند.

پی‌نوشت

۱. بند چهارم، اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲. ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری.
۳. ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری.
۴. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری.
۵. ماده ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری.



صراحت از آن‌ها بخواهید که دیگر درباره موضوع نمره بحث نکنند. بقیه دانش‌آموزان هم وقتی ببینند شما مطمئن هستید اشتباهی رخ نداده است، این شیوه را امتحان خواهند کرد.

● درباره نحوه موفقیت دانش‌آموز معترض در امتحان بعدی با او صحبت کنید

اگر بتوانید اعتراض یکی از دانش‌آموزان را به بحث درباره این موضوع هدایت کنید که چگونه می‌تواند برای امتحان بعدی نمره بیشتری کسب کند، شرایطی بحرانی را به موقعیتی سودمند تغییر داده‌اید. به خاطر داشته باشید، بعضی از دانش‌آموزان ظاهراً نسبت به نمره‌شان اعتراض می‌کنند، اما در واقع می‌خواهند علت عدم موفقیت خود را بدانند. در کنار دانش‌آموز مورد نظر بنشینید و بگویید: «می‌دانم که از نمره‌ات راضی نیستی. من هم از تو بیشتر انتظار دارم و می‌خواهم به تو کمک کنم که دلیل نیاوردن امتیاز لازم را بفهمی و با جبران کردن آن بتوانی در امتحان بعدی موفق

ابراز ناراضایتی دانش‌آموزان نسبت به نمره‌هایی که از آزمون‌ها کسب می‌کنند، امری رایج و تجربه مشترک بیشتر معلمان است. غالباً دانش‌آموزان به دلیل برآورده نشدن انتظارات خود در امتحان و با هدف گرفتن نمره بیشتر، به معلمان خود اعتراض می‌کنند. این موضوع از مخاطره‌آمیزترین بخش‌های مدیریت کلاسی است. برخورد صحیح با دانش‌آموز معترض و بعضاً عصبانی، نیازمند حفظ آرامش و به کارگیری روش‌های خردمندانه است؛ حال آن‌که هیچ‌کس دوست ندارد اختیار آتش محدود شود و شیوه ارزیابی آتش مورد مؤاخذه قرار بگیرد.

در ادامه، راهنمایی‌هایی برای مواجهه با این موضوع ارائه خواهد شد:

● ریزنمرات را به طور واضح و دقیق در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید

یکی از بهترین راه‌های مقابله با اعتراض دانش‌آموزان - به عبارت دیگر برای جلوگیری از آن - داشتن نظام دقیق نمره‌دهی است که جزئیات در آن به روشنی مشخص شده باشند. روی برگه‌های امتحانی، به طور واضح شرح دهید که در هر سؤال، از دانش‌آموزان چه چیزی خواسته شده است. بهتر است نمره در نظر گرفته شده برای هر سؤال را نیز مقابل آن درج کنید. هنگام تصحیح برگه‌های امتحانی، علت کسر نمره را توضیح دهید. به این ترتیب، هنگامی که یکی از دانش‌آموزان به نمره خود اعتراض می‌کند، قادر خواهید بود به طور مستند و با ذکر جزئیات او را متقاعد کنید.

● به دانش‌آموزان معترض کمک کنید آرامش خود را حفظ کنند

هیچ‌گاه به هنگام عصبانیت و ناراحتی یکی از دانش‌آموزان، درباره نمره با او بحث نکنید. از او بخواهید توضیحات شما را با دقت بخواند و در صورتی که باز هم متقاعد نشد، بیرون از کلاس با شما صحبت کند.

● اعتماد به نفس خود را حفظ کنید

هنگامی که با اعتراض درباره نمره مواجه می‌شوید، این احتمال را در نظر بگیرید که خطایی از جانب شما رخ داده و شاید لازم باشد نمره دانش‌آموز را تغییر دهید. ضمناً به خاطر داشته باشید، ممکن است حق با شما باشد و هیچ اشتباهی در کار نباشد. هیچ‌گاه در مقابل اعتراض دانش‌آموزان، از خود نقطه ضعف نشان ندهید. اگر یکی از دانش‌آموزان تصور کند شما را مرعوب کرده است، بارها از این موضوع به نفع خود بهره خواهد برد. در چنین مواردی، می‌توانید به دانش‌آموز معترض بگویید: «بسیار خب، من حرف‌های تو را شنیدم. متأسفم که این موضوع تا این اندازه تو را ناراحت کرده است. برگه‌ات را به من بده تا نگاه دیگری به آن بیندازم. فردا آن را به تو برمی‌گردانم.»

اعتراض‌ها زمانی آزاردهنده می‌شوند که دانش‌آموزان برای گرفتن نمره پافشاری و سعی کنند با بحث‌های بی‌اساس نمره نهایی خود را افزایش دهند. در این گونه موارد، با قاطعیت رفتار کنید و به آن‌ها اجازه ندهید رفتار نامناسبی از خود بروز دهند. می‌توانید با

ترجمه: معصومه خیرآبادی



منبع

این مقاله نوشته ناومی راکر گلادن با عنوان «اعتراض‌های دانش‌آموزان نسبت به نمره: نکاتی درباره چگونگی مواجهه با دانش‌آموزان عصبانی که به نمره خود اعتراض دارند» و برگرفته از پایگاه اینترنتی: www.suite101.com

این پایگاه اینترنتی که در نگارش مقاله «تلفن همراه در مدرسه: موهبت یا معضل» نیز از آن استفاده شده بود، شامل مقالات آموزشی فراوانی است.

بشوی. در مقابل اعتراض دانش‌آموز، حالت تدافعی به خود نگیرید و با صمیمیت، تلاش بیشتر و گرفتن نمره بالاتر در آزمون بعدی را از او بخواهید.

● از مقایسه کردن نمره‌های دانش‌آموزان اجتناب کنید

به دانش‌آموزان اجازه ندهید نمره خود را با نمره بقیه هم‌کلاس‌هایشان مقایسه کنند، زیرا این کار باعث بی‌اعتمادی می‌شود و فضای دوستانه کلاس را از بین می‌برد.

مقابله با اعتراض دانش‌آموزان نسبت به نمره امتحانی‌شان، برای هر معلمی ناخوشایند است. اما اجازه ندهید این موضوع شما را تحت تأثیر قرار دهد. با دقت به هر اعتراضی گوش دهید و این آمادگی را داشته باشید که اگر خطایی در نمره دادن رخ داده باشد، آن را اصلاح کنید. با وجود این، هنگامی که از عدم وجود خطا مطمئن شدید، قاطع باشید و اجازه ندهید دانش‌آموزان با تحت فشار قرار دادن شما نظر خود را تحمیل کنند.





سپیده شهری

○ آیا لازم است هر دانش آموز یک وبلاگ داشته باشد؟

نه! برای این که وبلاگ فعال باقی بماند، باید دائماً به روز شود؛ یعنی حداقل هفته‌ای دو تا سه پست در آن گذاشته شود. وبلاگ‌هایی که به طور منظم به روز نمی‌شوند، تعداد زیادی از خوانندگان خود را از دست می‌دهند و وجود خوانندگانی که به صورت مرتب مطالب وبلاگ را تعقیب می‌کنند، برای فعالیت و بقای آن بسیار مهم است. بسیاری از دانش‌آموزان ممکن است در رقابت با سایرین، برای فعال نگه داشتن وبلاگ خود، هفته‌ای دو تا سه پست در آن قرار دهند. از طرف دیگر، برای معلم هم نظارت بر حدود بیش از ۶۰ مطلب در هفته، کاری بسیار سخت و زمان‌بر است.

بنابراین، یک راه مناسب، استفاده از وبلاگ کلاسی است تا همه دانش‌آموزان امکان قرار دادن مطلب در آن را داشته باشند. بعضی سرویس‌های ارائه‌دهنده وبلاگ، به کاربران امکان می‌دهند که وبلاگ گروهی داشته باشند. به این معنا که پس از ایجاد وبلاگ توسط معلم، از طریق رایانامه، برای دانش‌آموزان دعوت‌نامه‌ای به منظور عضویت در وبلاگ فرستاده می‌شود و هر فرد می‌تواند با شناسه و رمز عبور خود وارد وبلاگ شود و مطالبش را در آن قرار دهد. معلم به عنوان مدیر وبلاگ این امکان را دارد که مطالب را ویرایش یا حذف کند، در حالی که سایر اعضا چنین امکانی را ندارند.

○ آیا استفاده از وبلاگ بیشتر به منظور پرورش مهارت‌های نوشتاری دانش‌آموزان است؟

نه! وبلاگ در حقیقت محیطی برای ایجاد تعامل میان دانش‌آموزان و معلمان است که در آن از مهارت‌های نوشتاری

استفاده زیادی می‌شود، ولی تنها به آن محدود نمی‌شود. علاوه بر ایجاد مطالب در وبلاگ، باید دانش‌آموزان را مشتاق خواندن مطالب وبلاگ‌های دیگر هم کرد. از این‌رو می‌توان نشانی تعدادی از وبلاگ‌های آموزشی یا دانش‌آموزی را در زمینه‌های متنوع جمع‌آوری کرد و در اختیار دانش‌آموزان قرار داد تا مطالب آن‌ها را دنبال کنند. این کار می‌تواند با سه هدف اصلی انجام شود:

۱. دانش‌آموزان نحوه کار دیگران را می‌بینند و آن را با کار خود مقایسه می‌کنند. این شیوه می‌تواند در بهبود عملکرد آن‌ها مؤثر باشد.

۲. بچه‌ها می‌توانند در وبلاگ‌های یکدیگر موضوعات تازه‌ای را پیدا کنند که به آن‌ها علاقه‌مندند، ولی تاکنون به آن‌ها نپرداخته‌اند.

۳. دانش‌آموزان با نویسندگان مطالب وبلاگ‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کنند و از این طریق برای وبلاگ خود نیز به نوعی مخاطب جذب می‌کنند.

در تمامی اهداف بالا یک هدف اصلی دنبال می‌شود و آن برقراری ارتباط و تعامل میان دانش‌آموزان مناطق گوناگون است.

○ آیا نظراتی (comment) که برای پست‌ها گذاشته می‌شوند، مهم و قابل بررسی‌اند؟

بله. نظرات قسمت مهمی از وبلاگ‌های کلاسی را تشکیل می‌دهند. در حقیقت همین بخش است که باعث می‌شود وبلاگ از مکانی صرفاً برای ارائه اطلاعات، به اتاق بحث تبدیل شود. آن‌چه باید به آن توجه ویژه شود، آموزش نحوه نظر گذاشتن در وبلاگ است. نظر گذاشتن به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا شیوه تعامل و گفت‌وگو با یکدیگر را تمرین کنند. از آن‌جا که مهارت گفت‌وگو از ابزارهای ضروری برای برقراری ارتباط مؤثر در جامعه است، قسمت نظرات وبلاگ می‌تواند مکان مناسبی برای پرداختن به آن باشد. یکی از مزایای این شیوه گفت‌وگو این است که دانش‌آموز می‌تواند به اندازه کافی فکر کند و سپس نظر خود را بنویسد. به این ترتیب او می‌آموزد که از ارائه نظرات شتاب‌زده، بدون تفکر و ناسنجیده پرهیزد. همچنین، دانش‌آموز باید یاد بگیرد که نظرات خود را به شیوه‌ای محترمانه بیان کند و نیز ظرفیت پذیرش انتقادهای مطرح شده را داشته باشد و به آن‌ها محترمانه پاسخ دهد.

به علاوه، گاه نظراتی که در ارتباط با موضوع مطرح شده در وبلاگ گذاشته می‌شوند، بیانگر آن است که دانش‌آموزان مطلبی را خوب متوجه نشده یا اشتباه برداشت کرده‌اند. همچنین، گاهی براساس موضوع مطرح شده، سؤالات یا مطالب جدیدی توسط دانش‌آموزان پرسیده می‌شود که خود می‌تواند به عنوان موضوع جدید مطرح شود.

موضوع دیگر آن است که باید به دانش‌آموزان آموزش داد تا حتماً به نظراتی که برای مطالب آن‌ها گذاشته می‌شود، پاسخ دهند. با پاسخ دادن مستقیم به خوانندگان، دانش‌آموز توجه خود به مخاطب را نشان می‌دهد و این باعث می‌شود مخاطب دوباره برای بازدید از وبلاگ مراجعه کند. به علاوه، این گونه پرسش و پاسخ‌ها، فرصت خوبی برای به چالش کشیده شدن دانش‌آموزان است. همچنین، در هر بار پرسش و پاسخ دانش‌آموز مجبور است دانسته‌های خود را مرور کند و این خود باعث ماندگاری بیشتر مطالب در ذهن او خواهد شد.

روز مسابقه فرا رسید. بچه‌های مدرسه آماده بودند. اما هنوز نمی‌دانستند باید با چه کسی و کجا مسابقه بدهند.

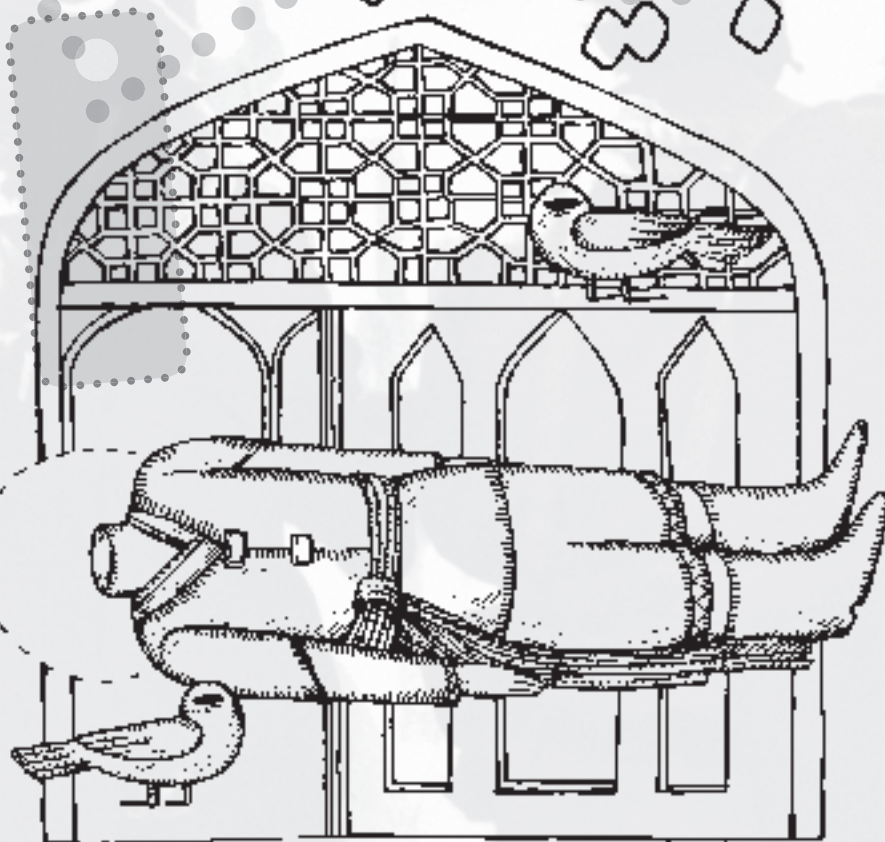
سرپرست‌های کارگاه‌ها با هم به اتاقک متروکه‌ای رفتند که زمانی انبارش دفتر بود. دنبال آقا ناظم گشتند. کسی آن‌جا نبود. آقا ناظم مدت‌ها بود که به شهر دیگری سفر کرده بود. یک یادداشت روی میز بود با این مضمون:

555 555 55
 5555 55 55 555555 55 5555 . 55555 55555 5 55555 55 55555 55
 555 55
 55555 5555



آموزش دردوران اسارت

کربلایی با صفت



کنند، گوشه‌ای از کار را بگیرند و اردو را پیش ببرند. دلشان می‌خواهد مسئولیتی داشته باشند و خودشان همدیگر را اداره کنند. پشت همه این‌ها تجربه‌هایی است که با هیچ کلاس و درس و کتابی به دست نمی‌آید و حالا اردوی کربلا!

تا به حال اردو رفته‌ای؟ مگر می‌شود نرفته باشی؟ خوب فکر کن، روزهایی را که دانش‌آموز بودی به یاد بیاور! اردوهای مدرسه برای خودش حال و هوایی دارد. اگر اردوی زیارتی باشد که دیگر هیچ! بچه‌ها دوست دارند کاری

بودیم به شیشه زور می‌زدیم که ببینیم چشم‌هامان ضعیف شده بود. به سختی منظره را تشخیص می‌دادیم، سال‌ها بود فاصله‌های دور را ندیده بودیم.

بعد سوار قطار اتوبوسی شدیم. تجربه جدیدی بود؛ قطار، سفر، زیارت. چیزهایی که بیش از ده سال بود ندیده بودیم. برای لحظه لحظه سفر برنامه‌ریزی کرده بودیم. با همه این‌ها یک جور سردرگمی و ناباوری تو دل همه بود.

وقت شام میزها را باز کردیم. به هر کس یک نایلون کوچک دادیم که بپردازد روی میز. به هر کس چند قاشق برنج و قیমে، نصف پرتقال، نصف یک خرما، کمی نان و دوغ رسید. قاشق‌هامان را در آوردیم و همه با هم شروع کردیم. انگار در شیک‌ترین هتل، بهترین غذا را سرو کرده بودند. سربازها با حسرت به این همه آرامش و صفا نگاه می‌کردند؛ حتی چندتایی‌شان با چشم‌های خیس. یکی از سربازها رفت و با یک ظرف برگشت. هشت تا دلمه از تو ظرف بیرون آورد، گذاشت روی نایلون. مسئول گروه تشکر کرد. گفت: «خودمان غذا داریم».

سرباز اصرار کرد. رد احسان خوب نبود. دلمه‌ها هشت تا بود و ما بیست‌وپنج نفر. هفت هشت سال بود که هیچ کدامان دلمه ندیده بودیم. یادمان رفته بود چه مزه‌ای است. بیست‌وپنج تکه‌شان کردند. سرباز دوباره برگشت و دید چه‌طور به هر کس یک بند انگشت رسیده است. خجالت کشید: «والا من نمی‌دونستم. این رو فقط به خودت دادم. نداشتیم برای همه بیمار، کم بود. والا عیب، بد، خجالت می‌کشم».

ما هرچی داریم با هم می‌خوریم. تو اردوگاه هم همین طوری زندگی می‌کنیم. همه چی کمه، خیلی کم، ولی مال همه‌است.

چند ساعت بعد رسیدیم بغداد، دوباره سوار اتوبوس‌ها شدیم و راه افتادیم سمت کربلا. دم‌دم‌های طلوع آفتاب بود. خیابان‌ها از باران شب قبل خیس بود و آسمان صاف و تمیز. خیلی طول نکشید. انتهای خیابانی، اتوبوس داخل یک پیچ شد. یک آن گنبد طلایی و بزرگ با پرچم سرخ‌ش که زیر باران تاب می‌خورد، جلوی حلقه چشم‌انمان بیرون زد. از همان جلو، تک‌تک بلند شدیم روی پا. یک‌هوا انگار سکوت با همه چیزش شکست. گریه‌های آرام شیون شد، فریاد شد، کم‌کم صحن هم دیده می‌شد. حس می‌کردی قلبت می‌خواهد خودش را پرت کند بیرون. نمی‌دانی چه می‌کنی، گریه می‌کنی؟ داد می‌زنی؟ ساکتی؟ نگاه می‌کنی؟ یک جمله می‌گویی: «آقا، کاروان اسرا اومده زیارت!»

حالا فکرش را بکن اردوی زیارت کربلا بروی، آن هم برای بار اول. تنها باشی. اسیر هم باشی و دیگر هیچ. خیلی می‌چسبد. احساس می‌کنی ته دلت خالی شده. بی‌رنگ شدی. انگار هیچ چیز نداری. اصلاً هیچ کس نیستی. بی‌خیال دنیا و آدم‌هایش. دو دستی ضریح را می‌چسبی و سینه‌ات را می‌چسبانی به پنجره‌اش. حرف نمی‌زنی. می‌گذاری خودش بگوید فقط. همان یک زیارت اسارت این‌طور مزه می‌کند. تازه قطع‌نامه تصویب شده بود، دیگر کسی دل و دماغ هیچ چیز را نداشت که عراقی‌ها خبرمان کردند: «می‌خواهیم بریمتان کربلا».

سکوت بی‌روح اردوگاه شکسته شده بود. انگار همه بلند شده بودند که بدوند و کاری نکنند. به سرعت گروه‌های کاری تشکیل شد؛ همه سازمان‌دهی شده و مرتب یک گروه نوار رنگی دور پتوها را جدا می‌کرد، می‌شست و بسته‌بندی می‌کرد که پارچه تبرکی شوند. یک گروه مسئول پیدا کردن پیراهن‌های باره‌شد که از آن‌ها جانماز بدوزند. یک گروه نخ‌های زیرپیراهنی‌ها را می‌کشیدند و آماده می‌کردند برای دوختن گیوه و کلاه. خیاط‌خانه وصله‌پینه‌های هر روزش را تعطیل کرده بود و فقط جانماز می‌دوخت. چندروز بیشتر نمانده بود. همه باید لباس‌های تمیز و اتو کرده یک دست زرد با کتانی می‌پوشیدند. هر کس نداشت، از بقیه می‌گرفت. هر شب مسئولان گزارش می‌دادند. باید با عزت می‌رفتیم زیارت.

بچه‌ها را گروه‌بندی کردیم. هر گروه بیست‌وپنج نفری، یک مسئول انتظامات و یک مترجم داشت که رابط بچه‌ها و عراقی‌ها بودند. کارها شروع شد. ارشدها و روحانی‌ها هر شب برای بچه‌ها سخن‌رانی و توجیه‌شان می‌کردند که ممکن است از این سفر استفاده تبلیغاتی شود و بنابراین همه باید هماهنگ و مراقب باشند.

بچه‌های آشپزخانه برای تو راه بچه‌ها ساندویچ درست کردند. گوشت سرخ کرده و گوجه‌فرنگی را لای نان پیچیدند، دادند دست مسئول هر گروه. از درمانگاه قرص و داروی ضداسهال و ضداستفراغ گرفتیم، و وسایل دوخت‌ودوز برای گل‌دوزی دور جانمازها را از خیاط‌خانه. و بطری آب و حوله که بچه‌ها در قطار بتوانند نشسته هم وضو بگیرند.

هفت‌ونیم هشت شب راه افتادیم. هر ۲۵ نفر با مسئول‌شان سوار یک اتوبوس شدند. بعد از شش هفت سال، بیرون اردوگاه پشت دیوارهای بلند و سنگی موصل را می‌دیدیم. کوچه می‌دیدیم، خیابان می‌دیدیم. آدم‌هایی به جز خودمان، بدون لباس زرد و بدون شماره بزرگ اسارت پشت سینه. خم شده بودیم روی پنجره، دست‌ها را دور صورتان چسبانده

تاریخ آموزش و پرورش در ایران

فاطمه محمودیان



بود و علاوه بر آن، دروسی مانند روان‌شناسی، منطق و اصول آموزش و پرورش نیز تدریس می‌شد. برای این که محصلان سال آخر این مدرسه، در ضمن تحصیل، با فن تعلیم و تربیت نیز آشنا شوند، وزارت معارف یکی از مدارس ابتدایی را به دارالمعلمین مرکزی ضمیمه کرد و محصلان دارالمعلمین، زیر نظر استادان خود در آن مدرسه تدریس می‌کردند. دارالمعلمین مرکزی تا سال ۱۳۰۷ هـ.ش/۱۳۴۷ هـ.ق دایر بود و فارغ‌التحصیلان آن در تهران و شهرستان‌ها در مدارس به تدریس مشغول می‌شدند.

همزمان با تأسیس دارالمعلمین مرکزی که در آن معلمان مرد تربیت می‌شدند، مرکز دیگری به نام دارالمعلمات، به منظور تربیت معلمان زن برای تدریس در مدارس دخترانه که در حال رشد فزاینده بودند، تأسیس شد. در دارالمعلمات که دوره آن پس از تعلیمات ابتدایی چهار سال بود، سه سال دروس متوسطه تدریس می‌شد و شاگردان در سال چهارم، علاوه بر فراگرفتن اصول تعلیم، به منظور تمرین فن تدریس، در کلاس‌های ابتدایی ضمیمه دارالمعلمات به تدریس می‌پرداختند.

دارالمعلمین عالی

در سال ۱۳۰۸ برای تربیت دبیر دبیرستان‌ها، دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی تبدیل شد. دارالمعلمین عالی مشتمل بر دو بخش ادبی و علمی بود. بخش ادبی شامل رشته‌های فلسفه، ادبیات، تاریخ و جغرافیا و بخش علمی نیز شامل رشته‌های طبیعی، ریاضی، فیزیک و شیمی بود. طول تحصیل در دارالمعلمین عالی سه سال تعیین شده بود. چون در آن زمان هنوز استاد برای دروس متفاوت در سطح عالی در تهران کمیاب بود، ناچار چند معلم از فرانسه برای تدریس برخی مواد استخدام کردند و در نخستین سال افتتاح دارالمعلمین، پنج تن از آنان به تدریس مشغول شدند. کم‌کم قسمت متوسطه از قسمت عالی مجزا شد. در سال ۱۳۱۲ نام دارالمعلمین عالی به دانش‌سرای عالی تغییر کرد و در آغاز سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۴ بانوان نیز به دانش‌سرای عالی راه یافتند.

دانش‌سرای عالی

برنامه دانش‌سرای عالی ابتدا به صورت شهادت‌نامه تدریس می‌شد. به این معنی که دانشجویان در ابتدای سال تحصیلی دو یا

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، دارالمعلمین و دارالمعلمات، دانش‌سرای تربیت معلم.

با توسعه و افزایش مدارس جدید، ضرورت ایجاد مراکزی به منظور تربیت معلمان مورد نیاز کشور مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت.

دارالمعلمین و دارالمعلمات (مرکزی)

در سال ۱۲۹۷ هـ.ش/۱۳۳۶ هـ.ق دولت برای نخستین بار «دارالمعلمین مرکزی» را برای تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه تأسیس کرد. محل دارالمعلمین که ریاست آن را **میرزا ابوالحسن خان فروغی** و نظامت آن را **میرزا اسماعیل خان مرآت** بر عهده داشتند، ابتدا در خیابان نادری و سپس در عمارت «شرکت فرهنگ» واقع در تخت‌زمرد بود. دارالمعلمین مرکزی دو شعبه ابتدایی و عالی داشت. برنامه تحصیلی دارالمعلمین مرکزی مطابق برنامه تحصیلی دوره متوسطه



- تهیه مواد و مصالح درسی؛
- انجام تحقیقات تربیتی و روانی.

منابع

۱. درانی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام. سمت. تهران. چاپ سوم. ۱۳۸۰.
۲. صافی، احمد. تربیت معلم در ایران و هند و پاکستان. مدرسه. تهران. ۱۳۷۱.
۳. صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا عصر حاضر. سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی. تهران. ۱۳۴۲.
۴. صفوی، امان‌اله. تاریخ آموزش و پرورش ایران باستان تا ۱۳۸۰ هـ.ش. رشد. تهران. ۱۳۸۳.

سه موضوع از برنامه کلی رشته خود را انتخاب می‌کردند و موظف بودند که تا پایان سال آن‌ها را تمام کنند و به علاوه یک رساله نیز با اطلاع و نظر استادان خود بنویسند. اگر در درس و رساله پذیرفته می‌شدند، می‌توانستند برای سال دوم شهادت‌نامه دیگری انتخاب کنند. به علاوه در سال سوم می‌باید رساله‌ای هم در یکی از موضوعات علوم تربیتی بنویسند. دانشجویان برای فراگرفتن فن تدریس، در مدارس ضمیمه دانش‌سرای عالی تدریس می‌کردند. دانش‌سرای عالی از سال ۱۳۱۰ مدرک لیسانس اعطا کرد.

دانش‌سرای مقدماتی

در اسفند ۱۳۱۲ قانون تربیت معلم به تصویب مجلس شورای ملی رسید و مقرر شد طی پنج سال، ۲۵ دانش‌سرای مقدماتی در سراسر کشور دایر شود. این دانش‌سراها در سال ۱۳۴۳ منحل شدند.

دانش‌سرای راهنمایی تحصیلی

اساس‌نامه تأسیس دانش‌سراهای راهنمایی تحصیلی در سال ۱۳۴۹ به تصویب «شورای عالی آموزش و پرورش» رسید تا نیروهای لازم برای تدریس در دوره راهنمایی تحصیلی را آموزش دهند. دارندگان دیپلم متوسطه از طریق آزمون ورودی به این مراکز راه می‌یافتند و پس از گذراندن دوره‌ای دو ساله، به عنوان دبیر دوره راهنمایی در رشته‌های گوناگون تدریس می‌کردند.

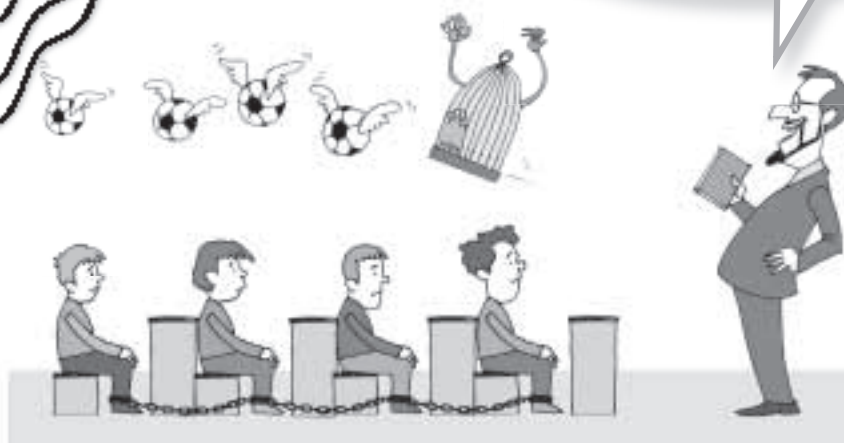
تشکیل سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی

پس از این که در سال ۱۳۴۳ دانش‌سراهای مقدماتی منحل شدند، دانش‌سرای عالی نیز منحل شد و به جای آن سازمان «تربیت معلم و تحقیقات تربیتی» تأسیس شد. این مرکز از سه مؤسسه «تربیت دبیر»، «تربیت مدیر» و «راهنمای تعلیمات و تحقیقات و مطالعات تربیتی» تشکیل شده بود. در سال ۱۳۴۶ بار دیگر سازمان مذکور به دانش‌سرای عالی تغییر نام داد و با چهار مؤسسه به کار ادامه داد: مؤسسه تربیت دبیر، مؤسسه تربیت مدیر و راهنمای تعلیمات، مؤسسه تدریس ریاضی، مؤسسه تحقیقات تربیتی. در سال ۱۳۵۶ مسئولیت اداره دانش‌سرای عالی به وزارت علوم محوّل شد.

دانشگاه تربیت معلم

در سال ۱۳۵۳ با تصویب «شورای گسترش وزارت علوم و آموزش عالی»، دانش‌سرای عالی به دانشگاه تربیت معلم تبدیل شد و اداره آن به صورت هیئت امنایی درآمد. این دانشگاه که دوره‌های آموزشی لیسانس، فوق لیسانس و دکترا را ارائه می‌کرد، اهداف زیر را در دستور کار قرار داده بود:

- تربیت معلم برای تمامی دانش‌سراهای مقدماتی، راهنمایی و عالی؛
- تربیت مدیران و کارشناسان امور آموزشی؛
- تربیت دبیران رشته‌های گوناگون امور آموزشی؛
- تربیت متخصصان راهنمایی و مشاوره؛



خُب پچه‌ها! به خاطر این که مری می‌ورزش نداریم
و درس ریاضی تون عقب مونده، از ورزش خبیری
نیست، توی کلاس می‌مونیم و ریاضی تمرین
می‌کنیم.

به! اکبر آقا! کلاس دوم ورزش دارن، مری هم
ندارن. پی رحمت پیرشون تو حیاط، چند تا لگد
به این توپ بزنن، بلکه آروم بشن.



مریایان تربیت بدنی مدارس باید از میان افراد
متخصص و آموزش دیده انتخاب شوند.



در ابتدای کلاس تربیت بدنی، دانش آموزان باید با انجام حرکات
نرمشی و کششی بدن خود را آماده کنند.

تجرباتی: ۲۰

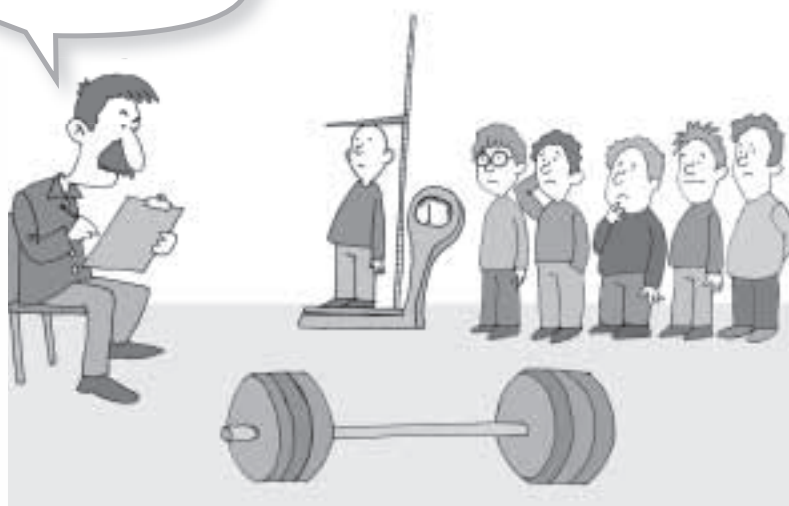


به منظور پیش‌گیری از حوادث ناگوار، محل ورزش دانش‌آموزان باید محیطی کاملاً امن و عاری از هرگونه موقعیت حادثه‌ساز باشد.

غیر از فوتبال، ورزش‌های دیگری هم در دنیا وجود دارد که می‌توان دانش‌آموزان را با آنها آشنا کرد.



نه! این یکی هم به درد "رضازاده" شدن نمی‌خوره.



یکی از وظایف مربی تربیت بدنی، کشف استعدادها و هدایت آن‌ها در مسیر صحیح است.



بی سوادی، محرم دردی!

باز هم بی سوادی!

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در یادداشت‌های روزانه خود راجع به بی سوادی و بی اطلاعی او می نویسد: «۶ رجب ۱۲۹۸: در نهار، **عضدالملک** صحبت انداخت که سفیر عثمانی تعریف از شاه می کرده است، خانه میرزا **اسعدخان (مؤتمن الملک)**، وزیر امور خارجه). شاه فرمودند که استعجاب کرده بوده است! امین السلطنه که سبب ترقی او زشتی صورت و خرافت سیرت است، شخص بی سواد و بی فهمی است؛ جز خنده قاعده، معلومات دیگری ندارد و سالی سی هزار تومان مداخل دارد، دو سه بار پرسید: استعجاب چه معنی دارد؟

بالاخره من به تنگ آمدم و گفتم: حیوانی است که چهار گوش و سه چشم دارد. خیلی خفیف شد.» و البته چنین آدم بی سواد، به مناسبت خویشی با امین السلطان، مشاغلی چون جامه داری خاص و تدارکات عسکریه را نیز اشغال کرده بود که بسیار پردرآمد بود.

اگر زوهای خراب!

در زمانی که بوذرجمهری^۱ تازه فرمانده لشکر یکم شده بود، ارتش چند اربابه زره پوش از آلمان خریداری و وارد کشور کرد.

با رسیدن زره پوش‌ها، رضاشاه به فرماندهان ارشد دستور داد تا با ابزار و آلات واحدهای مکانیزه، مانند زره پوش‌های تازه خریداری شده، آشنایی حاصل کنند. به همین خاطر **کریم آقاخان بوذرجمهری**، یک روز تمام وقت خود را صرف پرسیدن و آشنایی با قطعات زره پوش‌ها کرد. افسر

در عصر قاجاریه حتی بی سوادترین و بی مایه ترین افراد می توانستند به بهانه داشتن نسبت با صدراعظم و یا وزیران و شاهزادگان، به مقامات مهم برسند. یکی از این افراد که در عصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به مقام‌های مهمی نظیر «اداره بیوتات سلطنتی» و «تدارکات قشون» رسید، **حاج محمد علی خان امین السلطنه** بود. وی ابتدا شوهر خواهر **امین السلطان** (اتابک) بود و بعد داماد مظفرالدین شاه شد. دختر اتابک را هم به عقد ازواج پسر بزرگ خویش **خازن الدوله** درآورد. این شخص مردی بی سواد و عامی بود. آقای **مهدی بامداد** در کتاب شرح حال رجال ایران می نویسد:

«در باب بی سواد و عامی بودن او، یکی از اشخاصی که با وی محشور بود، به نگارنده نقل کرد و می گفت که حاج امین السلطنه به قدری عوام و امی بود که غالب الفاظ را به غلط ادا می کرد؛ از آن جمله می گفت: در سال ۱۳۰۵ قمری (۱۲۶۶ خورشیدی) که در تهران تراموای اسبی ایجاد شده بود، یکی از روزها که [در خانه] روضه خوانی داشت، به روضه خوان گفت: امروز خوب است برای من روضه تراموای بخوانی.

روضه خوان از این حرف او خیلی تعجب کرد و متحیر گردید که روضه تراموای چه روضه‌ای است و پیش خود تصور کرد که ممکن است برای تراموای هم به تازگی روضه‌ای درست شده باشد و یا درست کرده باشند و او مسبوق نیست. بعد معلوم گردید مقصود وی از روضه تراموای، روضه **طرم‌اح بن عدی** از اصحاب امیرالمؤمنین **علی و حسین بن علی** علیهما السلام است.^۱»

مربوطه مرتباً توضیح می‌داد که: این فرمان است. این شاسی، این موتور، و این ساسات است. این دلکو و این هم «گروز» است...

عبارت «گروز» در ذهن بوذرجمهری نقش بست و به یادش ماند. در آن ایام هر هفته یکی دو بار مانور لشکر انجام می‌شد و غالباً هم شاه با ولیعهدش (محمدرضا) می‌آمد و تمرین را که به اصطلاح انگلیسی «گزر سایش» گفته می‌شد، تماشا می‌کرد. در یکی از روزها وقتی افسر مربوطه گزارش داد که هنگ سوم لشکر یکم برای «گزر سایش» رفته است، بوذرجمهری با سابقه قبلی که از کلمه «گروز» داشت، به فکر فرو رفت، ولی چیزی نگفت. زیرا میبوهت بود چه‌طور این کلمه این‌جور در جاهای متفاوت به کار می‌رود و غافل از اختلاف تلفظ آن‌ها بود.

بدین جهت، روز بعد که باز تمرین برقرار و کلیه سربازان لشکر و وزیر جنگ و رئیس ارکان حرب هم در محل مانور حاضر بودند، به محض آن که تمرین ضعیف از کار درآمد و حاضران از مانور بد و خراب کاری سربازان ابراز ناراحتی کردند، بوذرجمهری که بسیار ناراحت شده بود، فوراً افسران را خواست. در حضور جمع آن‌ها، چند قدم عقب و جلو رفت و گفت: «شما پدرسوخته‌ها امروز آبروی مرا بردید. آخر این چه وضع کار است؟ مخصوصاً در روزی که باید بهتر عمل کنید. «گروزتان» خراب است و انسان شرم دارد به آن نگاه کند!»

سر لشکر مستهلک شده!

سرلشکر کریم آقاخان بوذرجمهری به علت بی‌سوادی همیشه سعی داشت لغات مشکل و جدید را که می‌شنید، به خاطر بسپارد و برای اظهار فضل، در موقع خود، آن را برای دیگران بازگو کند. از قضا روزی موسیو مگروبیچ‌خان (رئیس حساب‌داری شهرداری تهران) ضمن تقدیم صورت حساب سال گذشته، گفته بود: «قربان! برای حفظ آبروی خود بلدیه هم که شده، باید کاری کرد تا حساب بدهکاری‌های بلدیه هر چه زودتر مستهلک شود...»

بوذرجمهری عبارت «مستهلک» را به خاطر سپرد و از آن پس در پی فرصتی بود تا به مناسبتی رؤسای شهرداری را احضار و دانستن این لغت را به رخ آن‌ها بکشد!

اتفاقاً در همان تاریخ از سوی **رضاشاه** پهلوی احضار شد. شاه از وضع شهر و ساختمان‌های خراب و خیابان‌های کثیف اظهار ناراضیتی کرد. بوذرجمهری پس از مراجعت از دربار فوراً به شهرداری رفت، رؤسای دوایر را جمع کرد و

ناراضیتی رضاشاه را به اطلاع آن‌ها رساند. در این حین یادش آمد که واژه مستهلک را باید به هر نحوی شده به کار ببندد! این بود که در ادامه سخنان خود گفت: «من از شما توقع دارم کاری کنید که شهر تهران وضع آبرومندی پیدا کند و این بار که حضور اعلاحضرت همایونی شرفیاب شدم، تهران به طور کلی مستهلک شده باشد تا آبروی ما جلوی خودی و بیگانه نریزد!»



پی‌نوشت

۱. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۲، ص ۴۱۶.
۲. بوذرجمهری (کریم آقاخان) در دوره سلطنت رضاخان، مدت‌ها فرمانده لشکر اول و مدتی هم شهردار تهران بود. او سواد نداشت و بلاهت از سروریش می‌بارید. از اتفاقات بامزه‌ای که او در اثر بی‌سوادی، عامل آن بود حکایت‌های عجیبی نقل شده است.

بخوریم یا نوش جان کنیم

به همین دلیل، بعضی دانشمندان مواد غذایی را به پنج دسته

تقسیم می کنند:

۱. قندها = کربوهیدراتها = هیدروکربنها

۲. چربیها = لیپیدها = روغنها

۳. پروتئینها

۴. ویتامینها

۵. مواد معدنی

● **قندها:** ترکیباتی هستند که غالباً فقط از کربن، هیدروژن و اکسیژن ساخته شده اند. مزه آنها شیرین است. مهم ترین قندها شکر (ساکارز)، قندهای موجود در میوه ها (فروکتوز)، قند شیر (لاکتوز) و نشاسته (قند موجود در برنج و سیب زمینی) هستند. ارزش غذایی قندها در تولید انرژی سریع آنهاست. هر گرم قند، تقریباً چهار کالری انرژی تولید می کند. معمولاً قندها ارزش ساختمانی ندارند.

● **چربیها:** ترکیباتی هستند که مانند قندها فقط از کربن، هیدروژن و اکسیژن ساخته شده اند، ولی برخلاف قندها شیرین نیستند. مهم ترین چربیها کلسترول و تری گلیسریدها هستند. چربیها به دو دسته با منشأ حیوانی و گیاهی تقسیم می شوند. ارزش غذایی آنها بیشتر در زمینه تولید انرژی است. معمولاً هر گرم چربی، حدود ۹ کالری انرژی تولید می کند. البته چربیهایی مانند کلسترول، ارزش ساختمانی دارند و حضور و میزان کافی آنها در بدن برای تثبیت و استحکام و انعطاف پذیری دیواره سلولی و رگها ضروری است. هر گونه تغییر در مقدار کلسترول، باعث تغییرات زبان آور در دیواره سلولی و رگها می شود.

● **پروتئینها:** ترکیباتی هستند که از کربن، اکسیژن، هیدروژن و نیتروژن ساخته شده اند. پروتئینها به دو دسته با منشأ حیوانی و گیاهی تقسیم می شوند. ارزش غذایی پروتئینها بیشتر جنبه ساختمانی است و در تولید انرژی سهم جدی ندارند.

● **ویتامینها:** ترکیباتی هستند با ساختمانهای گوناگون که به مقدار کم مورد نیاز بدن هستند و غالباً در تنظیم فعالیت های سلولی نقش دارند. ویتامینها به دو دسته محلول در آب (ب - ث) و محلول در چربی (آ - د - ای - کا) تقسیم می شوند. ارزش تولید انرژی

وقتی به ساختمان بدن انسان و دیگر جانوران نظر کنیم،

درمی یابیم که یکی از گسترده ترین و بزرگ ترین دستگاهها در بدن آنها دستگاه گوارش است. این دستگاه در حالت کلی از چند بخش اصلی تشکیل شده است: دهان، لوله گوارشی و غدد گوارشی. دستگاه گوارشی در انسان به طور مشخص مرکب از دهان، دندانها، زبان، مری، معده، روده باریک، روده فراخ و غدد گوارشی بزاقی، لوزالمعده، کبد، کیسه صفرا و غدد درون ریز است. وظیفه های اصلی این دستگاه عبارتند از: ۱. هضم غذا و ۲. جذب غذا.

زمانی این دو وظیفه به خوبی برآورده خواهند شد که دو عامل وجود داشته باشد. یکی این که اجزای دستگاه گوارش سالم باشند و بتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند و دوم این که آنچه وارد آن می شود، از ویژگی های قابل قبول یک ماده غذایی بهره مند باشد. سلامت و بهداشت این دستگاه در شماره های پیشین بررسی شد. بحث ما در این نوشتار ویژگی های ماده غذایی مناسب است.

تعریف بسیار ساده ای که می توان برای غذا ارائه کرد، چنین است: «هر ماده شیمیایی که از طریق دستگاه گوارش وارد بدن شود و بتواند نیازهای بدن را در زمینه انرژی و مواد ساختمانی برطرف کند، غذا نامیده می شود.»

پس هر ماده شیمیایی که فاقد این دو کارکرد باشد، غذا محسوب نمی شود. برای مثال، سمها، داروها و واکسن ها غذا نیستند، زیرا در تأمین انرژی و مواد ساختمانی بدن نقشی بر عهده ندارند. منظور از مواد ساختمانی، ترکیباتی هستند که در ساختمان اجزای بدن وارد می شوند، مانند فسفر که در ساختمان کروموزومها دیده می شود و یا آمینواسیدها که در ساختمان ماهیچه ها حضور دارند. به این ترتیب، مواد غذایی به چند گروه تقسیم می شوند:

۱. موادی که فقط تأمین انرژی را به عهده دارند؛ مانند برخی قندها و چربیها

۲. موادی که فقط تأمین مواد ساختمانی بدن را عهده دار هستند؛ مانند پروتئینها، ویتامینها و مواد معدنی

۳. موادی که هم در تولید انرژی و هم در تأمین مواد ساختمانی بدن دخالت دارند؛ مانند برخی چربیها (کلسترول)



تغذیه کامل، مناسب و صحیح، تغذیه ای است که بتواند انرژی و مواد ساختمانی را متناسب با سن، جنس و نوع فعالیت های بدنی فرد تأمین کند

مواد زیر برای همیشه قهر کنید: سس، کالباس، سوسیس، غذاهای پرچربی، کیک خامه ای و نوشابه (کوکا و...). در مقابل رابطه ای صمیمی با ماست، دوغ، سبزیجات (تازه و خشک شده) و به ویژه کشک برقرار کنید. حتماً پس از صرف ناهار و شام، مقداری میوه به عنوان دسر بعد از غذا میل کنید. در مورد میوه ها سعی کنید حتماً میوه همان فصل را بخورید، نه میوه خارج از فصل را. تا حد امکان میوه ها را پس از شستن با پوست بخورید (خجالت نکشید).

۴. شام را شبیه ناهار میل کنید. خیال نکنید که شام خیلی سبک غذای مناسبی است. بهترین زمان صرف شام حدود ساعت ۱۹ تا ۲۰ است.

۵. در انتهای شب، قبل از خواب، مقدار بسیار کمی میوه یا شیر بخورید.

چند نکته

* هنگام درس خواندن در منزل، سعی کنید حتماً مقداری خرما یا کشمش کنار خود داشته باشید.

* استفاده از لیموترش و دیگر ترشی ها در هضم و جذب غذا تأثیر فراوان دارد.

* پس از هر وعده غذای اصلی، بهتر است چند دقیقه به صورت درازکش استراحت کنید.

* از پرخوری بپرهیزید.

* از ریزه خواری بپرهیزید.

* از درهم و برهم خوردن بپرهیزید.

* غذا را کاملاً و حداقل یک دقیقه بجوید.

* لقمه ها را کوچک بردارید.

* از خوردن سوپ و آش غافل نباشید، اما حجم آن کم باشد.

* تا حد امکان بیشتر مسیر خانه تا مدرسه و مدرسه تا خانه را پیاده طی کنید.

* بهتر است بلافاصله بعد از ناهار یا شام چای ننوشید، زیرا مانع جذب عناصر فلزی به ویژه آهن می شود.

* غذاهای دارای حیوانات و ترکیبات گیاهی، به مراتب بهتر از غذاهای گوشتی هستند.

* اگر کتجد و یا روغن آن را در رژیم غذایی خود وارد کنید، از فواید آن بهره مند خواهید شد.

آن ها نزدیک به صفر است. پس خوردن آن ها قدرت فرد را افزایش نمی دهد.

● **مواد معدنی:** ترکیباتی هستند که در ساختمان آن ها کربن وجود ندارد. این مواد نیز به مقدار کم مورد نیاز بدن است و غالباً در ساختمان سلول های بدن و تنظیم فعالیت های سلولی نقش های جدی دارند. مهم ترین آن ها سدیم، پتاسیم، کلسیم، منیزیم، فسفر و روی هستند. این مواد ارزش انرژی زایی ندارند (مغز فسفر نمی سوزاند، بلکه قند را به انرژی تبدیل می کند).

با توجه به این توضیحات درمی یابیم که غذای مناسب و کامل، غذایی است که نسبت درستی از ترکیبات پنج گانه بالا را داشته باشد.

تغذیه کامل، مناسب و صحیح، تغذیه ای است که بتواند انرژی و مواد ساختمانی را متناسب با سن، جنس و نوع فعالیت های بدنی فرد تأمین کند. هر کس که از تغذیه فوق بهره مند نباشد دچار «سو تغذیه» است. متأسفانه در جامعه کنونی بشری، اکثر قریب به اتفاق مردم، دچار این بلا و مصیبت سلامتی سوز هستند. چاقی و لاغری مفرط، از موارد سو تغذیه محسوب می شوند. بهترین راه حل برای برطرف کردن معضل سو تغذیه، رعایت دو نکته است:

۱. افزایش آگاهی مردم درباره انواع مواد غذایی.

۲. ایجاد تغییرات بنیادین در شیوه های تغذیه ای.

امید است مطالبی که در ادامه این نوشتار می آید، بتواند همه ما را در رهایی از «سو تغذیه» یاری کند. اجرای دو نکته ذکر شده، نیازمند همت، پشتکار و هم چنین اراده استوار و از همه مهم تر جسارت و روشن بینی و ترسیدن و دلیری است. نبود این پنج عامل باعث شده است تا تقریباً همه انسان ها از تغذیه سالم، صحیح و کامل برخوردار نباشند. به هر روی، آن چه که فعلاً وظیفه نویسنده مقاله است، فقط ذکر پاره ای نکات است که دانش آموزان باید در مدرسه و منزل در زمینه تغذیه رعایت کنند.

۱. حتماً صبحانه ای کامل میل کنید. هر چند دیگران چنین نباشند. بهترین زمان صرف صبحانه، حدود ساعت ۶ بامداد است. صبحانه کامل حداقل حاوی ۱۰ تا ۱۵ لقمه متوسط و شامل مقداری نان، کره، عسل یا مربا، پنیر، گردو، شیر و مقدار کمی چای است. بهتر است هر یک روز در میان، یک عدد تخم مرغ (آب پز یا نیمرو) به صبحانه اضافه شود. تا حد امکان از شکر استفاده نکنید.

۲. حتماً از میان وعده های سبک و پر انرژی استفاده کنید. بهترین زمان حدود ساعت ۹ تا ۱۰ صبح است. در میان وعده، بهتر است فقط از ترکیبات دارای هیدروکربن ها مانند خرما، کشمش، انجیر خشک، آجیل های بو نداده (خام) و یک عدد میوه فصل استفاده کنید. هرگز و هیچ گاه به ویژه در مدرسه، از بیسکویت، چیپس، پفک، شکلات، آب نبات، ذرت بوداده (پاپ کورن) و امثال آن ها استفاده نکنید.

۳. ناهار را سبک و حتماً متنوع میل کنید. بهترین زمان حدود ساعت ۱۳ تا ۱۴ است. مادران گرمی توجه داشته باشند که غذاهای متنوع سنتی ایران عزیز را تهیه ببینند. مادران هنرمند حداقل طی مدت دو هفته (۱۵ روز) غذای تکراری نمی پزند. سعی کنید مقدار مصرف ماکارونی، ساندویچ، برنج و گوشت را به حداقل ممکن برسانید. از مصرف ماهی در دفعات غافل نباشید. توصیه می شود با

یک دانه نور یک خرمن آفتاب

گفت‌وگو: فاطمه رضایی

گفت‌وگو با بیژن مرادی، مدیر مدرسهٔ استان شیراز

رضایت خدا و شادی خلق او را در نظر دارند، برای ما غریب یا شاید غیرممکن است، اما آن‌ها یک نمونهٔ کوچکش را ساخته‌اند و امیدوارانه به آینده‌ای چنین فکر می‌کنند. این افقی است که آیات قرآن پیش روی آنان گشوده است. آقای «بیژن مرادی»، مدیر مدرسهٔ راهنمایی غیردولتی شهید چمران، خود در این باره می‌گوید:

از حدود سی سال پیش که معلم مدرسه شدم، در ذهنم بود که آیات قرآن برای عمل کردن است و به این فکر می‌کردم که تلاش کنم حداقل ده آیه را به عمل درآورم. ده سال قبل که با دست خالی مجوز تأسیس مدرسه را گرفتم، به دنبال عملی کردن این آرزو بودم. اول از هر کار، طبق آیهٔ شریف «قولوا للناس حسنی» از سورهٔ بقره که مردم را به زیبا سخن گفتن دعوت می‌کند، نوجوانان مدرسه را با نام‌های نیکو صدا کرده‌ام: دوست من، رفیق من، مرد من، یار امام زمان (عج) و یار امام حسین (ع). خداوند با آن عظمت، حضرت ابراهیم (ع) را یار خودش (خلیل الله) صدا می‌زند از من مدیر چیزی کم نمی‌شود که دانش‌آموز مدرسه را دوست خودم خطاب کنم.

در آغاز ماه محرم بودیم. طبل و سنج بچه‌ها کنار زمین فوتبالشان بود. آن‌ها که هر یک هفته در میان برنامهٔ رفتن به استخر، باغ، جاهای دیدنی شیراز و... را دارند، امروز بیرون آمده‌اند تا در هوای باز نوحه‌خوانی و سینه‌زنی نکنند؛ شاید برای این که مزاحم همسایه‌های مدرسه نشوند. بعد دور هم آتش نذری بخورند و آخر سر هم با بازی و تفریح، خستگی پانزده روز درس خواندن را از تن به در کنند. شنیده بودیم که مدرسهٔ آقای مرادی به شکل ویژه‌ای توسط خود بچه‌ها اداره می‌شود. پس در این مورد از ایشان سؤال کردیم.



در کوهپایه‌های شهر شیراز او را با دانش‌آموزانش دیدیم. در جاده‌ای خاکی و زمینی که قرار است تا چند سال آینده خیابان و آپارتمان شود. اما برای او و بچه‌هایی که در آن زمین مشغول فوتبال بودند، فرقی نمی‌کرد. آن‌ها نه به یک خانه و شهر، که به ساختن دنیایی فکر می‌کردند که «آرمان‌شهر» انسان‌های بزرگ در طول قرن‌ها بوده است. تصور ساختن دنیایی که در آن انسان‌ها به هم اعتماد کامل دارند، همدیگر را با نام‌های نیکو صدا می‌زنند، و در هر قدمی که برمی‌دارند و هر کلامی که بر لب می‌آورند،

آقای مرادی، آیا مسئولیت‌های مدرسه بین بچه‌ها تقسیم شده است و هر کدام وظیفه‌ای معین دارند؟

نه. همه در همه کارها سهیم هستند. «النظافة من الایمان» از دستورالعمل‌های اولیه اسلام است و شعار مدرسه ماست؛ طوری که ما سرایدار یا بابای مدرسه نداریم. همه موظف‌اند کلاس و مدرسه را تمیز نگاه دارند. کلاس‌ها موقت شده است و بچه‌ها کفش‌های خود را درمی‌آورند. اگر چند وقت یک بار مدرسه به گردگیری و جارو نیاز داشته باشد، از بین بچه‌ها افرادی داوطلب می‌شوند و کار را انجام می‌دهند. بعد از گذشت ده سال، یک میز یا صندلی پیدا نمی‌کنی که روی آن خطی کشیده شده باشد. بچه‌ها هر کدام مسئول کار خود و نیز امور مدرسه هستند. تلفن زنگ می‌زند، از دانش‌آموز می‌خواهم جواب دهد. کسی به مدرسه مراجعه می‌کند، از یکی از بچه‌ها می‌خواهم که مؤدبانه سلام دهد و سؤال کند با چه کسی کار دارند. من و همکارانم راهنما و مشاور هستیم و کار سازمان‌دهی و کنترل را بر عهده داریم.

فروشگاه مدرسه فروشنده ندارد. قیمت اجناس مشخص شده است. هر کس مراجعه می‌کند، جنس خود را برمی‌دارد و پولش را می‌گذارد. در این سال‌ها، یک مورد خطای عمدی از آن‌ها ندیده‌ام.

آقای مرادی، صمیمیت محیط شما می‌تواند به خاطر تعداد کم دانش‌آموزان باشد؟ این که شما می‌توانید هر صبح با بچه‌ها دوستانه دست بدهید و احوال‌پرسی کنید، یا آن‌ها را از روی کفش‌هایشان حضور و غیاب کنید، آیا به این علت نیست که تعداد آن‌ها کمتر از شصت نفر است؟

یک زمانی ۱۲۰ دانش‌آموز داشتیم و بعد از آن ۳۰۰ نفر. صاحب مکان قبلی امتیاز گرفت و خودش مستقل شد. دو سال پیش، بعد از مراجعه بسیار به استانداری و تقاضای جا و زمین، در نهایت باعجه کوچکی را اجاره کردم و سه کانکس شش در چهار مخصوص کلاس خریدم و امسال یک کلاس اول و دو کلاس دوم دارم. روش کار ما در این چندین سال، با تغییر تعداد دانش‌آموزان، عوض نشده است. بچه‌های ده سال پیش من امروز سال دوم دانشگاه هستند. از اکثر آن‌ها خبر دارم. نشانی و شماره تلفنشان را دارم و گاه به خانه‌هاشان می‌روم. سالی یک بار آن‌ها را با دانش‌آموزان مدرسه در باغی و مکانی دور هم جمع می‌کنم تا از خاطراتشان برای بچه‌ها بگویند.

بچه‌ها وقتی از این دنیای کوچک و زیبا به دنیای واقعی که کاملاً متفاوت است پا می‌گذارند، دچار مشکل نمی‌شوند؟ این مدینه فاضله با دنیای بیرون خیلی متفاوت و بلکه در تناقض نیست؟

پیش از این در جواب چند استاد دانشگاه که برای دیدن مدرسه آمده بودند و همین نظر را داشتند، گفتم: فعلاً همین از دست من بر می‌آید. اگر همین را هم کنار و دست روی دست بگذارم، چگونه باید جوابگوی کاری باشم که می‌توانستم و انجام ندادم. سعی می‌کنم تا آن‌جا که در حد فهم بچه‌هاست تفاوت دنیای بیرون را به آن‌ها یادآوری کنم. تلاشم این است که بتوانم آن‌ها را تا شکل‌گیری کامل شخصیتشان تا دبیرستان، همراهی کنم.

تا پایان دبیرستان هم که آن‌ها را همراهی کنید، باز وارد محیط اجتماع می‌شوند. یک نفر با این تعالیم، میان مردمی که آموخته‌های او را ندارند، چه می‌تواند بکند؟

من معتقدم با یک گل هم بهار می‌شود. صبر و حوصله و استقامت می‌خواهد. دقیقاً آن‌جا که فکر می‌کنی به شب سیه و ناامیدی رسیده‌ای، صبح سفید طلوع می‌کند. یک بار بچه‌ها را به حوزه علمیه بردم. روحانیون با فاصله نشسته و در حال امتحان دادن بودند. چند نفر هم در جلسه مراقب بودند. بچه‌ها با تعجب پرسیدند، چرا این‌ها با فاصله نشسته‌اند و مراقب دارند؟ مگر روحانی نیستند؟ دانش‌آموزان من همیشه کنار هم نشسته‌اند و امتحان داده‌اند. در طول این ده سال، فقط یک نفر تقلب کرد که آن هم کار و حرفش درسی برای من بود. همیشه می‌گفتم تقلب، ضایع کردن حق دیگران و نابودی آینده خود است. تقلب دانش‌آموز را دیدم و چیزی نگفتم. فردای آن روز آمد و گفت: اگر چیزی بگویم، مرا کتک نمی‌زنید؟! گفتم: هیچ وقت کسی را کتک نزده‌ام. گفت: به من دست دهید و قول دهید که عصبانی هم نمی‌شوید. چون برای شما و زن و بچه‌تان بد است! از من بیعت گرفت عصبانی نشوم، چون نگران زن و فرزند من بود! ادامه داد: من تقلب کرده‌ام. دیشب به کارم فکر کردم و پشیمانم. اگر به من صفر ندهید، به همه بچه‌ها می‌گویم و بعد از این مدرسه می‌روم.

بچه‌ها روزی یک ساعت در مدرسه می‌خوانند. این استراحت و خواب نیست، در حالی که دراز کشیده‌اند، من جریانات مربوط به عالم دیگر را به آن‌ها یادآوری می‌کنم. از پل صراط و حق الناس می‌گویم... تا توان داشته باشم و نور امیدی و یک دانش‌آموز باشد، ادامه می‌دهم.

در کنار این تعالیم، والدین آن‌ها نیز آموزش می‌بینند تا بچه‌ها کمتر دچار دوگانگی محیط شوند؟

ابتدای سال کتابی برای مطالعه به والدین می‌دهم. از آن‌جایی که تدریس بعضی درس‌ها مثل دینی و تربیتی با خودم است، زیر سؤال‌هایی که به بچه‌ها می‌دهم تا به خانه ببرند، پرسشی برای والدین نیز می‌نویسم. جای پاسخ آن را هم در

نوجوانان مدرسه را با نام‌های نیکو صدا کرده‌ام: دوست من، رفیق من، مرد من، یار امام زمان(عج) و یار امام حسین(ع)

بعد از گذشت ده سال، یک میز یا صندلی پیدا نمی‌کنی که روی آن خطی کشیده شده باشد

با بچه‌ها باید زیبا سخن گفت. حتی به کار بردن لفظ معمول «شیطان» برای بچه‌ها درست نیست

یک دست و قوی کار می کنند. ما معدل ۱۴ هم داریم و گفته ایم که در این مدرسه نمره بیخود به دانش آموز نمی دهیم، چرا که ظلم در حق جامعه و خود او محسوب می شود. هنگام پذیرش، حدود یک ساعت شرایط مدرسه را برای والدین توضیح می دهیم. اتفاقاً دنبال خانواده هایی هستیم که هنگام مراجعه، از ظاهرشان پیداست که خیلی مذهبی نیستند. اگر بتوانم ذهن این افراد را یک درصد هم به موضوع دین معطوف کنم، شاید توانسته باشم قدمی بزرگ بردارم. نود و نه درصد از دین ما جاذبه است.

وقتی خانواده ها خیلی مذهبی نباشند، دانش آموز دچار تناقض بین محیط خانه و مدرسه نمی شود و آزار نمی بیند؟

نه، بچه هایی را با این شرایط داریم که بیشتر روی خانواده هایشان تأثیرگذار بوده اند. یکی از والدین تعریف می کرد در شب یلدا، در منزل یکی از اقوام مهمان بودند. جمعیت در کنار پذیرایی و صحبت و خنده، به تماشای ماهواره هم مشغول بودند که فرزندشان مقابل صفحه بزرگ تلویزیون می ایستد و با مهربانی و لبخند می گوید: حیف از چشمان زیبای شما نیست که این صحنه ها را می بینید؟ همین حرف تعدادی را از جلوی تلویزیون بلند می کند.

از بچه ها خواسته ام اگر خواستند چیزی را به بزرگ ترها بگویند که نمی توانند و ممکن است به آن ها گفته شود بچه ای، نمی دانی و... بگویند: مرادی این را گفته.

با بچه ها باید زیبا سخن گفت. حتی به کار بردن لفظ معمول «شیطان» برای بچه ها درست نیست. شیطان رانده شده درگاه خداست و انسان خلیفه خدا! بچه ها را از خدا نمی توان دور کرد.

غیر از جنبه های مذهبی، اخلاقی و تربیتی بچه ها و در کنار رفتارهای زیبایی مثل هم یاری و اعتماد متقابل و امثال آن، چه فعالیت های علمی و آموزشی دیگری دارید؟

ساعت آموزشی ما از هفت صبح تا پنج بعدازظهر است. به همین نسبت، ساعات درسی مان نیز بیشتر است. مثلاً به جای پنج ساعت ریاضی، در هفته نه ساعت ریاضی داریم و یا علوم به جای چهار ساعت در هفت ساعت ارائه می شود. این ها درس هایی است که به آن ها علوم پایه می گویند. به نظر من، ورزش هم پایه است. تلاش داریم همه درس ها به شکل شایسته و لازم آموزش داده شوند.

کم کم به ماشین رسیده بودیم و باید با بچه ها خدا حافظی می کردیم. به آقای مرادی غبطه می خوردم که چه زیبا در دل بچه ها نشسته است و به تبع آن در دل خدا. شکرگرد معلمی را از انبیا آموخته و کلام خدا را در زمین مستعد دل بچه ها کاشته تا بهترین ثمر را برداشت کند.



کتاب تعیین می کنم که با مراجعه به فلان صفحه از این کتاب، به جواب می رسید. صفحاتی را تعیین می کنم که سؤال برانگیز باشد و پدر و مادرها علاقه مند شوند یکی دو صفحه دیگر را با آن نگاه کنند. تا آخر سال، ده مرتبه، ده سؤال از والدین می پرسم و به این ترتیب قسمت های مهم کتاب خوانده می شود.

آیا بچه ها هنگام ثبت نام، از نظر درسی یا مذهبی بودن خانواده ها گزینش می شوند؟

خیر، بعضی مدارس بچه ها را از غربال معدل، آزمون و وضعیت مالی و میزان هم یاری والدین و... می گذرانند. بچه های بیش فعال و مشکل دار را هم کنار می گذارند و با دانش آموزان

عجله

مهدی مروّجی

مطالعه طرح ارزش‌یابی برنامه درسی جدید فارسی سوم راهنمایی، از اول اسفند سال ۸۸ به طور رسمی آغاز، و گزارش نهایی آن در ۲۹ شهریور ۸۹ به مرکز اسناد دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ارائه شد. در مدت نزدیک به هشت ماهی که بنده و همکارانم در تلاش برای تهیه گزارش نهایی بودیم، «مفهومی» که بیشترین فراوانی را در داده‌های پاسخ‌دهندگان یعنی صاحب‌نظران، معلمان، مشاهده‌گران، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و از همه مهم‌تر سفارش‌دهندگان این طرح داشت، مفهوم «عجله» بود. برای نمونه، به این گزاره‌ها توجه کنیم:

– گزارش باید تا اردیبهشت ارائه شود، در غیر این صورت برای پردازش با مشکل مواجه خواهیم شد.

– هر چه زودتر گزارش را ارائه کنید تا برای چاپ به موقع، مشکلی ایجاد نشود.

– فرصت بسیار کمی برای چاپ و انتشار آن داریم. بنابراین باید گزارش نهایی هر چه سریع‌تر داده شود.

– زمان برای ارائه مطالب بسیار کم است و ما ناچاریم آن‌ها را به سرعت انتقال دهیم.

بنده و همکارانم این گزاره‌ها را از عزیزانی که به نوعی این طرح و گزارش نهایی به آن‌ها گره خورده بود، می‌شنیدیم.

بنده همواره با خود می‌اندیشیدم، چرا باید این همه از سرعت استقبال شود؟ و چرا چنین آگاهانه کیفیت را فدای «سرعت» کنیم؟

باید عرض کنم، متأسفانه امروز «سرعت» فقط یک واژه یا مفهوم بدون بار ارزشی نیست، بلکه یک «علامت اختصاری» برای روش و شیوه‌های زندگی است که بسیاری از اختلالات مثل: سطحی‌نگری، تحلیل‌های بدون استدلال، فشار، شتاب‌زدگی، بی‌صبری و در نتیجه غالب شدن کمیت بر کیفیت را با خود وارد زندگی ما کرده است. به طوری که می‌توان گفت، این پدیده یکی از موانع مهم رشد و شکوفایی در آموزش و پرورش کشور به حساب می‌آید.

رخنه ناآشکار «عجله» این ویروس ضدتفکر و عاقبت‌بینی در برنامه‌های درسی، موجب شده است که نه تنها فراگیرندگان نتوانند درباره چرایی و چگونگی آن چه که یاد می‌گیرند، فکر کنند، بلکه معلمان محترم هم (با توجه به مشاهداتم و گزارش‌های مشاهده‌گران در شش استان – به علت ناکافی بودن فرصت و به دلایلی دیگر مثلاً زیاد بودن حجم محتوا که به کم بودن زمان کمک می‌کنند) نتوانند آن‌چه را که باید یاد بدهند، یاد دهند. این معضل آموزشی و پرورشی را نه تنها در مشاهدات، بلکه در نظرخواهی از صاحب‌نظران، معلمان، مدیران، دانش‌آموزان و اولیای دانش‌آموزان تحت پوشش برنامه، دریافت کردم.

افزون بر آن‌ها، در مشاهداتمان، بعضی از دانش‌آموزان را نامطمئن به خود و قابلیت‌هایشان، عصبی و گاهی مضطرب یافتیم. این آسیب‌ها

می‌تواند تا حدودی ناشی از انتظارات برنامه درسی باشد که موجب شده بود آنان بدون داشتن وقت کافی برای انجام تکالیف، به سوالات پاسخ گویند و یا در اثر نبودن فرصت برای خلوت کردن با خود، نتوانسته بودند به استعدادها و توانایی‌های خود پی ببرند.

متأسفانه این شتاب‌زدگی به نوعی در معلمان تحت پوشش طرح نیز احساس می‌شد. بدین معنا هم‌چنان که اشاره شد، کافی نبودن زمان و شتاب برای عقب‌نماندن از اجرای برنامه‌ها طبق آیین‌نامه‌ها – بدون در نظر گرفتن موقعیت‌های جغرافیایی – آنان را سخت‌نگران کرده بود که نکند در موقع مقرر نتوانند برنامه‌های درسی را آن‌طور که آیین‌نامه‌ها خواسته‌اند، اجرا کنند. به همین جهت، وقتی به طور صمیمی پای صحبت آن‌هامی‌نشستی، همه‌اش سخن از نبود فرصت بود و یا کاهش حجم محتوا و یا این که کارها باید به سرعت انجام گیرند.

«عجله» افزون بر مدرسه، خانواده را هم درنور دیده است. زیرا فقر زمان را در پرسش‌نامه‌های والدین دانش‌آموزان تحت پوشش این طرح نیز به طور ملموس دریافت کردم.

جای شگفتی این‌جاست که ما در حالی زیر فشارهای ناشی از «عجله» دست و پا می‌زنیم که آموزه‌های دینی‌مان، به طور مکرر ما را به تفکر، تأمل و تدبیر در انجام کارها توصیه می‌کنند. باید توجه کرد، تفکر و تأمل، از طرفی برخلاف «عجله» زمان بر است و از سوی دیگر، به فرمایش **امام علی(ع)** مبدأ بصیرت و کلید هدایت آدمی است و تولید علم را در پی خواهد داشت.

به زعم ایشان، عملی که در آن تفکر و تدبیر نباشد، ارزشی ندارد و خیری در آن نیست. تفکر است که علم فرد را به فهم تبدیل می‌کند. تأمل و تدبیر، رشد، تکامل و شکوفایی استعدادهای انسانی را در پی دارد و غفلت از آن‌ها موجب از دست دادن سرمایه می‌شود. بنابراین، با این سرعت محوری نباید توقع داشت که دانش‌آموختگان ما در مسائل روزمره زندگی فردی و اجتماعی، چون انسان‌هایی فکور و مسئول تصمیم‌گیرند و عمل کنند!

اگر خواهان فراگیرندگانی با تفکر مستقل و مسئولانه، ژرف‌نگر با تواضع علمی، منظم، مفتخر به دیدگاه‌های فردی خود، انعطاف‌پذیر و در یک کلام مؤمن و متعهد هستیم، اگر خواهان تعدیل بسیاری از مشکلات جامعه چون اضطراب، فشارهای روحی و فقر زمان هستیم، اگر در این برهه از زمان خواهان جامعه‌ای در خور اسلام ناب محمدی(ص) هستیم، باید مهلت دهی به تکوین ایده‌ها و آموزش همراه با تفکر را که بنیان آموزش و پرورش مولد است، یکی از رویکردهای آموزش و برنامه‌ریزی درسی قرار دهیم و به عنصر هویت‌ساز تفکر ارج بگذاریم. بنابراین باید «جنون سرعت» را با تفکر و تدبیر مدیریت کنیم.



تغییر برای زندگی بهتر



ویژنامه آموزش در علوم اجتماعی

ویژگی‌ها و اهداف برنامه درسی تعلیمات اجتماعی

محمد مهدی ناصری

از نویسندگان کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی



برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی آخرین بار در سال ۱۳۸۶ براساس نتایج تحقیقات به عمل آمده، نظرها و پیشنهادهای صاحب‌نظران، دبیران، گروه‌های آموزشی، اولیا و دانش‌آموزان مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفته است. بر مبنای تغییراتی که در این برنامه به وجود آمد، کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی این دوره نیز به تدریج اصلاح و سازمان‌دهی مجدد شد و وارد چرخه آموزشی گردید. طراحان این برنامه سعی داشته‌اند دانش‌آموزان از طریق آشنایی و کاربرد مهارت‌های اجتماعی و کسب نگرش‌های لازم در این زمینه، بعضی از مفاهیم را نیز بشناسند و بتوانند آن‌ها را در شناخت بهتر موضوعات و مسائل اجتماعی پیرامون خود به کار گیرند.

برای رسیدن به این اهداف، آگاهی از ویژگی‌ها و اهداف برنامه درسی تعلیمات اجتماعی، روش‌های متفاوت یادگیری، ارزش‌یابی مورد نظر این برنامه و نیز توانایی به کارگیری آن‌ها در فرایند یاددهی-یادگیری، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است. در این نوشتار به مهم‌ترین ویژگی‌های برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی اشاره می‌شود. آگاهی از این ویژگی‌ها و موقعیت‌های طراحی شده در کتاب درسی و طریقه مواجهه با آن‌ها در فرایند آموزش، می‌تواند در تحقق اهداف برنامه بسیار مؤثر واقع شود.

۱. تکیه بر رویکرد یادگیری مشارکتی

برای این که آموزش به تغییر رفتار دانش‌آموزان منجر شود و آن‌ها را در جهت اهداف آموزشی مورد نظر برنامه سوق دهد، در سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سعی شده است که دانش‌آموزان در کسب مفهوم، مهارت و نگرش مشارکت داشته باشند. بر این اساس، در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی موقعیت‌هایی طراحی شده‌اند که دانش‌آموزان را به تعامل و مشارکت و می‌دارند. سهیم شدن دانش‌آموزان در فرایند آموزش، امکان این تغییر رفتار را فراهم می‌سازد. محتوای درس‌ها روی درگیری مستقیم دانش‌آموزان در کسب تجربیات یادگیری تأکید دارد و آنان را به مشارکت و تعامل فعال فرا می‌خواند.

در سازمان‌دهی محتوا و تجربیات یادگیری سعی شده است که از انباشت همه اطلاعات در کتاب درسی اجتناب شود و زمینه برای تحقیق، ابتکار و خلاقیت دانش‌آموزان مهیا و از تکیه بیش از حد بر حافظه خودداری شود. از راه‌های متفاوت، فرصت جست‌وجوگری برای دانش‌آموزان ایجاد شده است تا با کشف هدف، شادی روانی و

علاقه به ادامه کار در آن‌ها به وجود آید. به همین منظور فعالیت‌های متنوعی در هر درس وجود دارد. انجام این فعالیت‌ها به صورت گروهی، فرصت و زمینه لازم را برای برقراری ارتباط با دیگران، تعامل با آن‌ها و در نتیجه کسب مهارت‌ها و نگرش‌های اجتماعی، علاوه بر اهداف شناختی برنامه، فراهم می‌آورد. کسب این مهارت‌ها و نگرش‌ها در موفقیت آتی دانش‌آموزان در زندگی اجتماعی نقش اساسی دارد.

تشخیص و به کارگیری مهارت‌های اجتماعی، نظیر ارتباط با دیگران، احترام، همکاری، همدلی، گوش کردن به حرف دیگران، رعایت نوبت، ابراز عقیده، دفاع از نظر خود با مدرک و دلیل، مشورت، ایفای نقش مؤثر در گروه، تحمل آرای دیگران، انتقادپذیری، انتقاد از عقاید نه افراد، تشویق دیگران، قدردانی از دیگران با داشتن نگرش مثبت نسبت به انجام کارها به صورت گروهی، از خودگذشتگی، رعایت قوانین و مقررات و... از ضروریات زندگی اجتماعی به حساب می‌آیند و فراگیری آن‌ها، جز از راه تعامل اجتماعی میسر نیست. از آن‌جا که روش‌های یادگیری مشارکتی فرصت و موقعیت‌های



فعالیت‌های گروهی، یکی از ملاک‌های این نوع از ارزش‌یابی به حساب می‌آید.

با توجه به تأکید برنامه و کتاب بر مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری، استفاده از روش‌های آموزشی که بر فعال کردن دانش‌آموزان و مشارکت دادن آن‌ها در این فرایند مبتنی است، لازم به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، انجام فعالیت‌های کتاب باید محور همه فعالیت‌های آموزشی در کلاس تعلیمات اجتماعی قرار گیرد.

۲. تکیه بر رویکرد پرورش خلاقیت

آن‌چه که در تعاریف «خلاقیت» مشترک است، تأکید بر «توبودن» عمل خلاقانه است. خلاقیت قابلیت است که به درجات متفاوت در همه افراد وجود دارد و وظیفه ما شکوفا ساختن آن است. اما میزان آن به عوامل متعددی نظیر کوشش و تمرین، پشتکار، روش تفکر، یادگیری مهارت‌های مورد نیاز و... بستگی دارد. برای پرورش این استعداد، در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی به نکاتی از این دست توجه شده است:

الف) از آن‌جا که دانش‌آموزان برای انجام کار خلاقانه به انگیزه نیاز دارند، در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سعی شده است، موضوعات، مسائل و مثال‌ها با علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان هماهنگ باشد. توجه به علاقه‌های یادگیرنده سبب برانگیختن میل و رغبت درونی وی می‌شود. او موضوع و مسئله طرح شده را مسئله خود می‌یابد و با آن فعالانه برخورد می‌کند.

ب) آموزش مهارت‌های مورد نیاز در انجام کار خلاقانه از عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت است. دانش‌آموزان می‌توانند با انجام فعالیت‌ها، این مهارت‌ها را کسب کنند؛ مهارت‌هایی چون مشاهده دقیق، طرح سؤالات مهم، اظهارنظر، طبقه‌بندی موضوعات، تحقیق و بررسی، حل مسئله و...

ج) پرورش تفکر و اگر در انجام فعالیت‌ها از عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت است. به همین دلیل در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، فعالیت‌ها و سؤال‌هایی طراحی شده‌اند که ممکن است پاسخ‌های متفاوتی داشته باشند. برای مثال می‌توان به فعالیت‌هایی که در متن درس با عناوین متفاوت وجود دارند، تعیین عناوین فرعی برای بعضی از درس‌ها، تلاش در پاسخ به عناوین اصلی هر درس که به صورت سؤالی مطرح شده‌اند، تصمیم‌گیری درباره مفاهیم و مطالب مهم و غیرمهم در بخش «خلاصه کنید» (که از انواع فعالیت‌های خودابرازگرانه به حساب می‌آید) و نیز تکمیل نمودارهایی که در پایان بعضی از فصل‌های کتاب وجود دارند، اشاره کرد.

۳. تکیه بر یادگیری فعال

اگر یادگیری را تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار انسان تلقی کنیم، این تغییرات جز از طریق فعالیت یادگیرنده حاصل نمی‌شود. در آموزش از طریق فعالیت یادگیرنده، تفکر نقش اساسی دارد. آن‌چه که فرد می‌خواهد بشناسد یا بیاموزد، باید به صورت مسئله درآید. در این روش، فرد به تحلیل موقعیت می‌پردازد تا مسئله مورد بحث یا موضوع مورد شناسایی را مشخص کند. در عین حال، ترکیب عناصر یک موقعیت یا درک ارتباط مسئله مورد بحث با مسائل دیگر نیز جزو فعالیت‌های اساسی در کل جریان یادگیری محسوب می‌شود.

مناسبی را برای تعامل دانش‌آموزان فراهم می‌آورد، نقش مؤثری در فراگیری این مهارت‌ها و نگرش‌ها ایفا می‌کند.

در این نوع یادگیری، مدت زمانی که فرد متوجه موضوع است، افزایش پیدا می‌کند. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که نه تنها نظر خود را مستدل بیان کنند، بلکه با نظرات مخالف نظر خود نیز برخورد معقولانه داشته باشند. نتیجه چنین برخوردی به واریسی، تعدیل و اصلاح نظر فرد منجر می‌شود. همچنین می‌آموزند که با توجه به افکار و عقاید دیگران درباره موضوع، آن را به صورت عمیق‌تر و از زوایای مختلف درک کنند. دانش‌آموزان به سبب تعامل با یکدیگر در فعالیت‌های گروهی طراحی شده، با موضوع و مسئله مورد نظر در سطوح بالاتر یادگیری (فهم، کاربرد، تجزیه و تحلیل و...) درگیر می‌شوند. کار با دیگران و کسب موفقیت گروهی، موجب بالا رفتن حس اعتماد به نفس در افراد می‌شود. هنگامی که فرد احساس کند دیگران به مشارکت او در انجام فعالیت‌ها احتیاج دارند، به نوعی احساس عزت نفس می‌کند.

فعالیت‌هایی که در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی عهده‌دار چنین نقشی هستند، عبارت‌اند از:

الف) در ضمن هر درس، فعالیت‌هایی با عناوین متفاوت مانند «گفت‌وگو کنید»، «نمونه بیاورید»، «لیل بیاورید» و... آمده‌اند. انجام این فعالیت‌ها با نظارت و هدایت دبیران و مشارکت و تعامل دانش‌آموزان میسر می‌شود.

ب) بخش «خلاصه کنید» از دانش‌آموزان می‌خواهد که در خارج کلاس، نکات مهم و اساسی هر درس را خلاصه کنند. سپس در جلسه بعد، با نظارت و هدایت دبیر محترم و مشارکت دانش‌آموزان، این خلاصه‌ها در شکل فعالیت گروهی با یکدیگر مقایسه و اصلاح شوند.

ج) در متن هر درس، در جاهای مناسب سؤال‌هایی گنجانده شده‌اند. هدف از طرح این سؤال‌ها، برانگیختن کنجکاوی دانش‌آموزان و فعال کردن و مشارکت آن‌ها در یادگیری مفاهیم و مهارت‌ها و رسیدن به هدف‌های مورد انتظار است.

د) عناوین اصلی هر درس به صورت سؤال مطرح شده‌اند. این سؤال‌ها زمینه مناسبی را برای فعالیت و مشارکت دانش‌آموزان ایجاد می‌کند. ضمناً عنوان بخشی از بعضی درس‌ها، به انتخاب دانش‌آموزان تعیین می‌شود. این فعالیت نیز بهتر است به صورت گروهی و با مشارکت همه آنان انجام پذیرد.

ه) در انتخاب تصویرها و عکس‌ها به قابلیت آن‌ها در آموزش مفاهیم، القای ارزش‌ها و نیز فعالیت و مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری توجه شده است. توضیحات و سؤال‌هایی که زیر تصویرها درج شده‌اند، زمینه‌ای برای فعال کردن و مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری به شمار می‌روند.

و) برای بخش «بپرسید و پاسخ دهید»، لازم است دانش‌آموزان به صورت فردی خارج از کلاس و بعد از مطالعه مجدد مطالب، چند سؤال اساسی درباره آن مطرح کنند و خود به این سؤالات پاسخ دهند. سپس در جلسه بعد، با نظارت و هدایت معلم و مشارکت دانش‌آموزان این سؤالات بررسی و اصلاح شوند. اهداف هر فصل و هر درس می‌تواند معلم را در کار هدایت دانش‌آموزان یاری دهد. هر یک از فعالیت‌های یاد شده باید در ارزش‌یابی مستمر این درس مورد توجه قرار گیرد، زیرا میزان مشارکت دانش‌آموزان در



در کتاب‌های درسی
تعلیمات اجتماعی
موقعیت‌هایی طراحی
شده‌اند که دانش‌آموزان
را به تعامل و مشارکت
وای دارند



وقتی شناخت یا یادگیری از طریق طرح مسئله صورت گیرد، فرد درصدد تشخیص مسئله برمی آید. او مجبور است عناصر یا اجزای مسئله را مشخص سازد، رابطه آن‌ها را با هم درک کند، نحوه برخورد با این گونه مسائل را ضمن استفاده از تجربیات خود در نظر گیرد و آن‌گاه برای حل مسئله اقدام کند. او باید تجربیات شخصی در ارتباط با مسئله را سازمان دهد و از تجربیات دیگران استفاده کند. سپس آن‌ها را در طرحی منطقی قرار دهد و از این طریق سعی در ارائه راه حل یا نظریه‌ای که او را در شناخت موضوع یاری دهد، داشته باشد.

در آموزش مبتنی بر فعالیت یادگیرنده، فهم دانشین تکرار می‌شود. بدین ترتیب، نه تنها فرد موضوع مورد مطالعه را درک می‌کند، بلکه به ارزیابی آن می‌پردازد و درباره آن قضاوت می‌کند. مثلاً اگر از او بپرسید که همکاری چه تأثیری در پیشرفت کارگروهی دارد، با دلیل می‌تواند شرح دهد. در درس تعلیمات اجتماعی، ایجاد رشد اجتماعی و آماده کردن فرد برای زندگی اجتماعی، هدف اساسی است. با توجه به این که مسائل جامعه و آن چه که فرد با آن‌ها روبه‌رو خواهد شد، قابل پیش‌بینی نیستند و ممکن است او با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود، باید افراد طوری آموزش ببینند که بتوانند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های گوناگون زندگی به کار گیرند. لازمه رسیدن به این مهم آن است که افراد در جریان آموزش فعالانه شرکت داشته باشند و ضمن تقویت توانایی تفکر، بعضی از مهارت‌های اجتماعی را در عمل و تجربه کسب کنند. در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی از جهات متفاوت امکان و فرصت فعالیت یادگیرنده فراهم شده است. بدیهی است زمانی این فعالیت‌ها موجب تحقق یادگیری مؤثر خواهند شد که با هدایت و نظارت دبیر عالم و عامل به این امور، به نحوی مطلوب انجام گیرند و با پی‌گیری کافی و استفاده از روش‌های فعال تدریس، دانش‌آموزان به فعالیت منظم وادار شوند.

۴. توجه به رویکرد محیط‌های اجتماعی توسعه‌یابنده

منظور از محیط‌های اجتماعی توسعه‌یابنده این است که محیط‌های اجتماعی مورد نظر در برنامه درسی تعلیمات اجتماعی به تدریج از یک پایه تا پایه دیگر وسعت پیدا می‌کند. از این‌رو، مجموعه محتوا مانند حلقه‌های یک زنجیر به یکدیگر اتصال پیدا می‌کنند و یادگیری را آسان می‌سازند. بدین ترتیب در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه اول، رابطه فرد با خانواده مطرح می‌شود و پس از آن، «گروه» و انواع متفاوت آن مورد بحث قرار می‌گیرد. چنانچه دانش‌آموز در خانواده به نقش (مجموعه حقوق و وظایف) و جایگاه خود پی ببرد، در شناخت نقش و جایگاه خود در گروه‌های اجتماعی دیگر موفقیت بیشتری کسب می‌کند. در واقع، فرد الگوی ارتباطی را که در خانواده کسب می‌کند، به تدریج به محیط‌های اجتماعی بزرگ‌تری تسری خواهد داد.

در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه دوم، ارتباط دانش‌آموز به عنوان یک شهروند، گروه‌های رسمی، سازمان‌ها و مؤسسات گوناگون، اساس محتوا را تشکیل می‌دهد. تعلیمات اجتماعی پایه سوم، نهادهای سیاسی و حقوق و وظایف سیاسی-اجتماعی فرد را در جامعه در بر می‌گیرد. دانش‌آموز در پایان دوره راهنمایی

در مرحله‌ای است که می‌تواند به طور رسمی در فعالیت‌های سیاسی شرکت کند. براساس این رویکرد، در تنظیم محتوا، به اصول تکرار، فراپندگی و وحدت و انسجام مفاهیم، ارزش‌ها و مهارت‌ها توجه شده است.

مطابق اصل اول، توانایی‌ها، شناخت‌ها و ارزش‌ها در هر یک از پایه‌های راهنمایی تکرار می‌شوند. برای مثال، همکاری، نظم و رعایت حقوق دیگران، از جمله مواردی هستند که در حیطه‌های سه‌گانه مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌ها در هر سه پایه تکرار شده‌اند. مطابق اصل دوم، تکرار عناصر سه‌گانه با پیچیدگی و توسعه تدریجی در این پایه‌ها همراه است. برای مثال، همکاری بعد از خانواده در محیط‌های اجتماعی فراتر نظیر گروه‌های اجتماعی، سازمان‌ها و بالاخره در جامعه مطرح می‌شود. مطابق اصل سوم، هدف‌های سه‌گانه در سه پایه راهنمایی از انسجام درونی برخوردار و همه در یک جهت و بر یک محور قرار دارند. هر هدف مربوط به حیطه مهارت‌ها، با هدف‌های شناختی و نگرشی مربوط به آن، تقویت می‌شود. اصولاً این سه حیطه با یکدیگر معنا پیدا می‌کنند و مقدمه یکدیگرند.

۵. تأکید بر فعالیت‌های ذهنی در کنار فعالیت‌های علمی

در جریان تعامل ذهنی، مفاهیم جدید با مفاهیم قبلی ترکیب می‌شوند. در این فرایند باید توجه داشت که دانش‌آموز به مفاهیم جدید به عنوان محصول و مولود ذهن خود بنگرد، نه چیزی تحمیلی و بیگانه از سوی معلم. برای وقوع چنین رابطه‌ای باید وی در شناخت مفاهیم، فعالیت ذهنی داشته باشد. در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی با تکیه بر روش‌های متفاوت، فرصت و امکان چنین فعالیتی برای دانش‌آموزان فراهم آمده است. هدف از طراحی عناوین درس‌ها به صورت سؤالی، تحریک کنجکاوی دانش‌آموزان برای یادگیری مفاهیم و رسیدن به هدف‌های آموزشی مورد انتظار بوده است. همچنین دانش‌آموزان موظف‌اند در پایان هر درس بعد از مطالعه دقیق آن، چند سؤال مهم درباره آن طرح کنند و بکشند که خود به این سؤالات پاسخ دهند. تعیین عنوان بخشی از بعضی درس‌ها توسط دانش‌آموزان و انجام بخش «خلاصه کنید» در پایان هر درس نیز همین مهم را دنبال می‌کند.

گرچه فعالیت ذهنی در یادگیری مؤثر نقش اساسی دارد، ولی به تنهایی کافی نیست. همراه با آن باید زمینه و امکان فعالیت عملی را نیز در ارتباط با موضوع یادگیری فراهم ساخت. برای مثال، اگر بخواهیم مفهوم «گروه» را آموزش بدهیم، ضمن ایجاد امکان برای فعالیت‌های ذهنی دانش‌آموزان، می‌توانیم از آن‌ها بخواهیم به طور گروهی مسئله‌ای را بررسی و مطالعه کنند و نتیجه آن را به صورت گزارش به کلاس ارائه دهند. با این عمل، دانش‌آموزان نه تنها به مفهوم گروه در الگوی یادگیری مشارکتی پی می‌برند، بلکه به اهمیت کارگروهی نیز واقف می‌شوند. همچنین، مهارت‌هایی مانند ایجاد ارتباط و همکاری با دیگران، پیروی از هنجارهای گروهی و... را کسب می‌کنند. در فعالیت‌های عملی سعی شده است که ارتباط آن‌ها با مفاهیم مورد نظر حفظ شود و کنار هر فعالیت ذهنی، یک فعالیت عملی متناسب با آن نیز پیش‌بینی شده است.

در آموزش مبتنی بر فعالیت یادگیرنده، فهم دانشین تکرار می‌شود

ارتباط با دیگران نوعی مهارت اجتماعی است و باید در اثر تمرین و مشارکت در کارهای گروهی حاصل شود



الف) دانستن وظایف و حقوق هر نقش؛

ب) یادگیری نگرش‌ها، احساسات و تمایلات متناسب با آن نقش؛

ج) تمرین و کسب مهارت در آن نقش.

ممکن است فرد از یک مهارت اجتماعی آگاهی داشته باشد و به آن نیز علاقه‌مند باشد، ولی در عمل توانایی بروز آن را نداشته باشد. برای مثال، «کارگروهی» را در نظر بگیرید. ممکن است نوجوان دو شرط اول را داشته باشد، ولی در عمل نتواند به عنوان یک عضو مؤثر در گروه ایفای نقش کند و توانایی لازم را در ایجاد تعامل و ارتباط با دیگران نداشته باشد.

ارتباط با دیگران یک مهارت اجتماعی است و باید در اثر تمرین و مشارکت در کارهای گروهی حاصل شود. مقوله‌های دانستنی‌ها و مهارت‌ها به صورت دو مقوله مستقل و جدا از هم نیستند. مهارت‌ها خود ابزاری برای آموختن هستند و جدا کردن آن‌ها در بسیاری موارد امکان‌پذیر نیست. هم‌چنین، پرورش نگرش مثبت نسبت به ارزش‌ها و هنجارها، مانند همکاری، نظم، پشتکار، انعطاف‌پذیری، مشورت، رعایت حقوق دیگران، وظیفه‌شناسی، مقاومت در برابر مشکلات، از خودگذشتگی، قبول اشتباهات و اقدام در جهت رفع آن‌ها، و... از ملزومات تعلیمات اجتماعی هستند.

در برنامه تعلیمات اجتماعی، گرچه بر آموزش مفاهیم اجتماعی به عنوان یکی از ارکان توجه می‌شود، لیکن سعی شده است که با فراهم کردن زمینه‌های متفاوت، جنبه‌های عاطفی و مهارتی مورد تأکید قرار گیرند. فعالیت‌های کتاب، فرصت و زمینه لازم را برای تعامل با دیگران، تمرین و کسب مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. آگاهی، تمرین و کسب مهارت نیز در ایجاد نگرش تأثیر خواهند داشت. انجام فعالیت‌ها به صورت گروهی، دانش‌آموز را یاری می‌کند تا توانایی، مهارت‌ها و نگرش‌های اجتماعی گوناگون (نظیر برقراری ارتباط، رعایت نوبت، ابراز عقیده، انتقادپذیری، تشویق دیگران، انتقاد از عقاید نه افراد، احترام، همکاری، تحمل آرای دیگران، ایفای نقش مؤثر در گروه، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، گوش دادن، همدلی و...) را کسب کند.

منابع

۱. راهنمای برنامه درسی تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. ۱۳۸۰.
۲. رشد، گی. کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. دانشگاه فردوسی. مشهد. ۱۳۶۷.
۳. ارونسون، الیوت. روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه شکرکن. انتشارات رشد. تهران. ۱۳۶۹.
۴. کاوالین، دونالد ای. شیوه‌های یادگیری به کودکان. ترجمه سیداکبر میرحسینی. مرکز نشر و ترجمه کتاب. تهران. ۱۳۶۹.
۵. اسپارک، برنارد. آموزش در دوران کودکی. ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد. معاونت فرهنگی آستان قدس. مشهد. ۱۳۶۶.
۶. شریعتمداری، علی. جامعه و تعلیم و تربیت. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۵.
۷. تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۵.
۸. ملکی، حسن. برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). انتشارات مدرسه. تهران. ۱۳۷۸.

۶. تأکید بر ارتباط فعالیت دانش‌آموز با خانواده

در صورتی که برنامه درسی بتواند با خانواده دانش‌آموز ارتباط برقرار کند، آثار مثبتی به دنبال خواهد داشت. زیرا اولاً، دانش‌آموز به خانواده خود علاقه‌مند است و ارتباط با آن‌ها برای انجام بعضی از فعالیت‌های یادگیری باعث ایجاد انگیزه و در نتیجه یادگیری مؤثرتر خواهد شد. ثانیاً، دانش‌آموز به علت سهولت ارتباط با اعضای خانواده و ارتباط مداوم با آن‌ها، بهتر می‌تواند به کمک تعامل با آن‌ها، به حل مسائل اجتماعی خود بپردازد. با تکیه بر این اصل، در بخش «فعالیت‌های خارج از کلاس» در پایان هر درس، ارتباط با خانواده بیش از قسمت‌های دیگر کتاب مورد توجه است. دانش‌آموز موظف است برای انجام بعضی از این فعالیت‌ها با والدین خود صحبت کند، از تجارب آن‌ها استفاده کند، با آن‌ها مشورت کند و...

۷. ارتباط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی

آموزش و تربیت اجتماعی باید با زندگی دانش‌آموز عجین شود. محتوای کتاب درسی نباید به طور خشک و بی‌ارتباط با واقعیات پیرامون و زندگی اجتماعی او باشد. دانش‌آموز باید احساس کند که کتاب درسی آشنایی است که در آن مسائل زندگی او طرح می‌شوند و در برخورد با مسائل نیز کاربرد لازم را دارد و می‌تواند به آن تکیه کرد. در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی به این اصل مهم توجه شده است. برای مثال، محیط خانوادگی، محیط مأموس و عینی دانش‌آموز است. او عضوی از خانواده است، با پدر، مادر، برادر و خواهر تعامل مداوم دارد، موقعیت‌ها و مشکلات خانواده را درک می‌کند و رفتار اعضای خانواده خود را مشاهده می‌کند. بنابراین مفاهیم و ارزش‌های اجتماعی در ارتباط با خانواده، می‌تواند فضای قابل لمس‌تری را برای دانش‌آموز به وجود آورد. وقتی از همکاری در خانواده صحبت می‌شود، برای او قابل درک است و همکاری و عدم همکاری را به خوبی تشخیص می‌دهد.

گروه‌های دوستی و گروه‌هایی که در مدرسه یا در محل زندگی نوجوان تشکیل می‌شوند نیز برای او گروه‌هایی آشنا هستند. وقتی که از مشورت، نظم، تحمل سختی‌ها و مشکلات و... در این گروه‌ها صحبت می‌شود، در واقع از زندگی روزمره و محیط‌های اجتماعی پیرامون وی سخن می‌گوییم. یا اگر از فعالیت‌های گروهی مثل فوتبال یا کوه‌نوردی به عنوان نمونه در درس‌ها استفاده می‌شود، برای آن است که این فعالیت‌های گروهی، از انواع فعالیت‌های هیجانی و مورد علاقه سنین نوجوانی هستند. می‌توان از طریق آن‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به دانش‌آموزان آموزش داد و جامعه‌پذیری آن‌ها را آسان کرد.

۸. تأکید بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و کسب نگرش‌های ضروری

یکی از ویژگی‌های برنامه درسی تعلیمات اجتماعی این است که دانش‌آموزان از طریق محتوای آن، نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی گرایش مثبت پیدا کنند و جامعه‌پذیر شوند. ما از طریق جامعه‌پذیر کردن افراد آن‌ها را آماده می‌سازیم تا بتوانند در جامعه حال و آینده زندگی کنند و نقش‌ها و وظایف خود را بشناسند و به آن‌ها عمل کنند. در فرایند جامعه‌پذیری سه محور وجود دارد:

خلاقیت قابلیت است که به درجات متفاوت در همه افراد وجود دارد و وظیفه ما شکوفا ساختن آن است



مروری بر تجربه طرح مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی حرفه و فن

حرفه و فن شیرازی

محمد رضا حشمتی

عکاس: علی رضا عباسی

به همت انجمن علمی معلمان حرفه و فن استان فارس تشکیل داده بودند، شرکت کردیم. گفت و گویی صمیمی با دانش آموزان و معلمان یکی از مدرسه‌هایی که کتاب استانی حرفه و فن به صورت آزمایشی در آن تدریس می‌شود، از دیگر برنامه‌های بازدید یک روزه ما بود. آقای بحر العلومی مجری طرح ارزشیابی طرح نیز در یک نشست علمی از نتایج پژوهش‌های انجام شده در طول تدریس کتاب‌های جدید برایمان گفت. اما آن چه که در ادامه ارائه می‌شود، نشست مؤلفان طرح است که با حضور آقایان مجید بذرافکن، مدیر گروه راهنمایی تحصیلی استان فارس؛ محمد مهدی دباغ، کارشناس آموزش راهنمایی استان فارس؛ محمد جواد زارعی، کارشناس مسئول گروه آموزشی استان فارس؛ عادل اقرا، مؤلف کتاب حرفه و فن؛ منصور کریمی نسب، مؤلف کتاب حرفه و فن و خانم‌ها: نوشین جاودان، هماهنگ‌کننده طرح تألیف کتاب‌های استان فارس و سارا فرزانه، مؤلف کتاب حرفه و فن، تشکیل شد.

از سال ۸۲ که روش اجرای طرح اعلام شد تا سال ۸۶ که کتاب‌های سال اول تولید شد، دوره‌ای چهار ساله طی شده است. طولانی شدن این مسیر تا سال ۸۹ هم سؤالی است که ذهن را به خود مشغول می‌کند. اما اولین موضوعی که مطرح شد، اهداف طرح بود. خانم جاودان در این باره گفت:

«رنگ و بوی فرهنگ و مسائل زیست محیطی استان باید در کتاب‌های حرفه و فن دیده می‌شود. در کنار آن، نیازهای شغلی که ویژه استان هستند نیز در کتاب‌ها لحاظ شده است. مثلاً یکی از عناوین مهم، طرح موضوع گردشگری است که در این زمینه، هر استان اقتضائات خودش را دارد.»

آقای دباغ، دیدگاه کلی مؤلفان را این گونه تبیین کرد:

«محیط یادگیری را فراتر از کلاس درس در نظر گرفتیم. مؤلفه‌های خانواده، جامعه و تا حدودی هم ابعاد جهانی زندگی در مراحل طراحی و تألیف مطالب به کار گرفته شدند. می‌خواستیم



آن قدر جذاب و زیباست که چشم‌ها را خیره می‌کند! شیراز را می‌گوییم! معماری آثار به جا مانده از سده‌های قبلش، از مردمانی می‌گوید که به سنت‌های خود پای بند بوده‌اند؛ همان سنتی که ما به تعدادی از آن‌ها وفادار نمائیم، اما از فرزندانمان توقع داریم آن‌ها را احیا کنند. سال‌هاست برای رسیدن به این هدف برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم. طرح مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی حرفه و فن، یکی از این برنامه‌هاست. قرار است مهارت‌های زندگی، به شیوه سنتی در ابعاد کشوری و جهانی آن آموزش داده شود. اقلیم، فرهنگ بومی، استعداد و نیازهای حرفه‌ای استان و آن چه که باید دانش آموز اصفهانی، شیرازی، مشهدی و... درباره مردم و حرفه‌های استانش بدانند، از دیگر مؤلفه‌های تألیف مجموعه کتاب‌های حرفه و فن است. این طرح در دو استان کشور، شیراز و مازندران، به صورت آزمایشی اجرا شده است. پس به شیراز رفتیم تا در یک نشست دوستانه با مؤلفان طرح، از روند کار بپرسیم و با تجربه‌های ایشان آشنا شویم. قبل از آن، در کارگاه «آموزش انضمامی» که آقای سعید سبحانی



ویژه نامه آموزش درس حرفه وفن

استان فارس برترین تولیدکننده گندم است. در بخش کشاورزی کتاب، به این ویژگی استان اشاره کردیم و در کنار آن پرورش گل های آپارتمانی هم مطرح شد. ای کاش این فرصت فراهم می شد که برخی از بخش ها را حذف می کردیم تا بتوانیم بیشتر و بهتر به برخی از موضوعات از جمله دانش فناوری بپردازیم. آموزش روش های جست و جو در اینترنت، استفاده از خدمات عابر بانک، فروشگاه های مجازی و... به نظر ضروری می آیند.»

آقای بذرافکن نیز با تأکید بر این موضوع که برخی مطالب کتاب ضروری نیستند و می توان با حذف آن ها با توجه به نیاز استان، مطالب کاربردی را مطرح کرد، گفت:

«این منطقی نیست دانش آموز با مراحل تولید زیتون آشنا شود، در حالی که در استان زیتون کشت نمی شود و او نمی داند مهم ترین محصولات کشاورزی شهرش کدامند و چگونه می توان میزان تولید آن ها را افزایش داد.»

آقای بذرافکن پیشنهاد دادند قوانین دست و پا گیر را کم کنیم تا توانایی های بالقوه معلمان، بالفعل شود. آقای اقرا به رعایت نشدن اصل عدالت و قطبی برخورد کردن مسئولان اشاره کرد و افزود:

«متأسفانه تهران فقط خودش را می بیند! در حالی که معلمان هر استانی توانایی و وجهه اجتماعی شهر و منطقه خودشان را دارند.»



رنگ و بوی فرهنگ و مسائل زیست محیطی استان باید در کتاب های حرفه وفن دیده می شد. در کنار آن، نیازهای شغلی که ویژه استان هستند نیز در کتاب ها لحاظ شده است

آقای کریمی نسب یکی از مؤلفان بخش الکترونیک، از فرایند تألیف این بخش گفت:

«هر مطلبی که می نوشتم، به معلم های حرفه وفن می دادم تا درباره آن نظر دهند. برای این که بتوانم از کلمات قابل فهم برای دانش آموزان استفاده کنم، کتاب های دوره ابتدایی و کتاب های علوم و ادبیات دوره راهنمایی را مطالعه می کردم. به تمام پیش نیازهای تألیف مطالب قابل فهم توجه داشتم. این پتانسیل در تمام معلمان استان بود، ولی در فرایند رفت و برگشت مطالب تألیفی به دفتر، اشکالاتی مطرح شد که در نهایت، کار نه باب میل ما بود نه مورد توجه وزارتخانه.»

شاید اشکال کار در تعریف موازین بود. برای مثال، کار عملی که در کتاب کشوری حرفه وفن سال سوم طرح شده بود، با معلومات

مطالبی را در کتاب درسی عنوان کنیم که در زندگی کاربرد داشته باشند و پشت درهای مدرسه نمانند.

اعتراض های همیشگی معلمان این بود که محتوای کتاب های حرفه وفن سنگین است و با سطح یادگیری و نیاز دانش آموزان هر استان تناسب ندارد. سال ۸۲ شیوه نامه اعلام شد و بعد از برگزاری جلسات متعدد با حضور صاحب نظران و کارشناسان، بعد از گذشت چهار سال، کتاب سال اول در سال ۸۶ تولید و در سال ۸۸ به صورت آزمایشی در چهار منطقه استان، «فسا، خفر، پاسارگاد و ناحیه سه» اجرا شد. کتاب سال دوم نیز سال گذشته تدوین شد.

در ادامه آقای دباغ اعضای تیم استانی را این گونه معرفی کرد:

«دو صاحب نظر تربیتی، روان شناس، ویراستار علمی و دو کارشناس موضوعی. از صاحب نظران ارزش یابی تحصیلی و روش تدریس نیز دعوت شده است ضمن آموزش تیم، ناظر طرح نیز باشند. علاوه بر آن، در هر واحد با یک کارشناس مجرب همکاری شده است. قابل ذکر است که اغلب افراد گروه، معلم هستند.»

ایشان یکی از ضعف های طرح را عدم تفویض کامل سمت ها و اختصاص به موقع و صددردی اعتبارات معرفی کرد. در ادامه، آقای بذرافکن با طرح این موضوع که یکی از مهم ترین نکات این طرح بزرگ، شناخت ویژگی و ظرفیت های مخاطب و استان است، گفت:

«هدف از آشنایی دانش آموزان با حرفه وفن، فقط گرفتن نمره قبولی نیست، بلکه آشنایی با روش های درست زندگی در محل و منطقه خود، از اصول اولیه است. چه خوب است حتی مسئولان استان، تألیف این کتاب را به منطقه و شهرهای خود واگذار کنند تا هر استان با توجه به فرهنگ بومی و مسائل زیست محیطی خود، کتاب را تألیف کنند. در چنین موقعیتی، دانش آموزان می آموزند که چگونه مشکلات منطقه و شهر خود را حل کنند. وقتی کتاب حرفه وفن ویژه استان باشد، دانش آموز و معلم، نسبت به آن تعلق خاطر پیدا می کنند و می دانند که نقد و بررسی آن ها برای پر بارتر شدن محتوای کتاب، خیلی سریع تر از قبل مورد توجه قرار خواهد گرفت. این یعنی توجه و احترام به ویژگی های مخاطب و نیازهای او. اگر این طرح درباره سایر کتاب ها هم اجرا شود، محتوای کتاب های درسی با توجه به شرایط دانش آموزان هر استان، هم کاربردی تر و هم سریع تر اصلاح و به روز می شود.»

در هر سه کتاب حرفه وفن دوره راهنمایی، ارتباط عمودی حفظ شده است. در ارتباط افقی، سرفصل ها از طرف دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی مشخص شده اند. خانم جاودان چند توضیح کوتاه در این باره ارائه کرد:

«حتی چارچوب ها هم از قبل تعیین شده بود و ما نمی توانستیم تغییر اساسی ایجاد کنیم. مثلاً در بخش دام پروری فقط توانستیم پرورش کبک را مطرح کنیم یا در قسمت تحقیق از بچه ها خواستیم درباره صنعت چوب یا چند صنعت موجود در منطقه زندگی خود تحقیق کنند. در قسمت برق نیز دو نیروگاه سیکل ترکیبی و نیروگاه خورشیدی استان را معرفی کردیم و از دانش آموزان خواستیم تحقیق کنند در استان چند نیروگاه دیگر وجود دارد و سوخت آن ها چیست.



ویژه نامه آموزش درس حرفه و فن

آقای زارعی در بحثی کوتاه به تمرکززدایی نظام آموزش و پرورش پرداخت و از مسئولان نظام خواست تألیف کتاب های دیگر را هم به مؤلفان توانمند استان ها واگذار کنند.

«ما یک مای ملی داریم و یک مای منطقه ای. مای ملی از سوی مرکز براساس سیاست ها و چارچوب ها ابلاغ و هدایت می شود تا مسئولان استان ها آن را تقویت کنند. هم زمان با آن، مای منطقه ای هم باید رشد کند. استان ها پتانسیل خوبی در این زمینه دارند.»

خانم فرزانه به یکی دیگر از تجربه ها اشاره کرد:

«دیدگاه جامعه نسبت به برخی حرفه ها، دست و پا گیر بود. برای مثال، بخش پوشاک به پسران آموزش داده نمی شود، در حالی که یک حرفه است و به عنوان صنعت مطرح می شود. البته ما سعی کردیم در کتاب حرفه و فن استان این نقص را برطرف کنیم.»

در طرح پیشنهاد شده است مؤلفان، دوازده نمره ارزشیابی عملی و هشت نمره ارزشیابی نظری ارائه کنند. اما به نظر می رسد این ارزشیابی صورت نگرفته است. خانم جاودان در این باره می گوید:

«اهداف آموزش و پرورش از کاربردی بودن مطالب آموزشی به سمت سوسی مطالب نظری می رود. برای مثال، متصدی کارگاه را در مدارس حذف کرده اند.»

آقایان کریمی نسب و اقرا نیز به دو نقطه ضعف موجود در نظام فعلی اشاره کردند:

«۱. کسانی به عنوان مسئول کارگاه انتخاب می شوند که به دلایل مختلف توانایی تدریس آن ها کم است؛ ۲. به علت محدودیت تعداد دبیران متخصص حرفه و فن، از دبیران رشته های دیگر برای تدریس دعوت می شود.»

این در حالی است که در راستای اهداف اصلی وزارت آموزش و پرورش، بنابر آیین حدافل ۵۰ درصد از دانش آموزان دوره راهنمایی به سمت فنی و حرفه ای هدایت شوند، در حالی که اکنون فقط ۲۰ تا ۲۵ درصد از دانش آموزان به این سمت هدایت می شوند.»

آقای کریمی نسب می گوید:

«تحقق این هدف بزرگ با حمایت دبیران حرفه و فن که در واقع هنرآموزان فنی و حرفه ای هستند، عملی می شود. متأسفانه هنوز فنی و حرفه ای ناشناخته است. دبیران این رشته می توانند دانش آموزان را با مهارت های زندگی آشنا کنند. دانش آموزان رشته های نظری که موفق نشده اند وارد دانشگاه شوند، می گویند اگر این رشته را انتخاب می کردند، بهتر می توانستند زندگی خود را تأمین کنند.»

در پایان نشست، مؤلفان محترم استان فارس همگی بر این موضوع اتفاق نظر داشتند که با وجود فراز و نشیب های طرح، بهترین فرصت فراهم شد تا معلمان حرفه و فن با توانایی هایی که داشتند، کتاب را با توجه به ویژگی های استان تألیف کنند. این یک شروع بود که می تواند ادامه داشته باشد و استان های دیگر از تجربه های آن استفاده کنند.

دانشجوی ترم چهارم مهندسی الکترونیک تناسب داشت. حتی اگر پیش نیازها هم مطالعه می شد، باز هم مطالب سنگینی بود و معلم ها نمی توانستند این بخش را به دانش آموزان خود بیاموزند. از طرف دیگر، مؤلفان هر بخش حاضر نبودند از حجم مطالب مربوط به خود کم کنند. مطالب سنگین و دشوار شده است. معلم حرفه و فن باید چند تخصص داشته باشد تا بتواند تدریس کند و این غیر ممکن است. ان شاء الله کتاب معلم حرفه و فن تولید و مورد بهره برداری ایشان قرار خواهد گرفت. یک نکته دیگر که گفتش ضروری است اشکالات موجود در چارچوب هایی بود که از سوی دفتر تألیف، تعریف شده بود. از یک طرف، از مؤلفان می خواستند با توجه به فرهنگ بومی استان بنویسند و از طرف دیگر چارچوب ها اشکال محتوایی داشت.»

خانم جاودان نیز یکی از اشکالات را طولانی بودن مدت بررسی مطالب عنوان کرد:

«زمانی که تمام مطالب به تهران فرستاده می شود، دفتر تألیف پنج شش ماه بعد پاسخ می دهد. این دوره سه سال طول کشید. نشست هایی با مؤلفان داشتیم، اما مطالب به روز نشدند.»

در ادامه، خانم فرزانه یکی از نکات مثبت طرح را فرصت بروز توانایی های معلمان استان دانست و افزود:

«ویژگی دیگر طرح این است که مؤلفان معلم هستند و سطح یادگیری و توانایی هایی دانش آموزان را با توجه به شرایط و نیازهای استان خود می شناسند، اما اگر دفتر تألیف، فرایند چگونگی تألیف کتاب های درسی مانند صفحه آرایی را آموزش می داد، بسیار مؤثرتر بود. در کتاب سال اول، طراح از استان بود. به همین خاطر، مشکلات کمتر بود. اما در تألیف کتاب سال دوم این امکان وجود نداشت. به همین خاطر اشتباهاتی در کتاب دیده شده است.»



برخی مطالب کتاب ضروری نیستند و می توان با حذف آن ها با توجه به نیاز استان، مطالب کاربردی را مطرح کرد



ویژه نامه آموزش در س حرفه وفن

انجمن علمی معلمان حرفه وفن

استان فارس

نوشین جاودان
دبیر انجمن



انجمن علمی معلمان حرفه وفن استان فارس، اولین انجمن علمی در دوره راهنمایی در سراسر کشور است که معاونت برنامه ریزی و منابع انسانی وقت وزارت آموزش و پرورش، گواهی تأسیس آن را در مورخه ۸۲/۷/۲۹ صادر کرد.

این گواهی تأسیس، بنا به درخواست چهار نفر از سرگروه های حرفه وفن استان فارس آن زمان به نام های **نوشین جاودان**، **خلیل نوگویی**، **زهره فرشچیان** و **محمد رجحانی** صادر شد.

اساس نامه این انجمن در ۴۰ صفحه با اهداف آموزشی، علمی کاربردی و آنچه که می تواند اهداف یادگیری را در بر داشته باشد، تنظیم شده است و شرایط عضویت در انجمن، داشتن مدرک فوق دیپلم به بالا در رشته های حرفه وفن، صنایع غذایی، کشاورزی و طراحی دوخت است.

حق عضویت در این انجمن توسط هیئت مدیره تصویب می شود. این انجمن از سال ۸۲ تا ۸۸ در استان فارس مشغول فعالیت است.

این انجمن بدون حمایت های مادی و معنوی ادارات آموزش و پرورش و تنها با پشتوانه مادی و معنوی اعضای خود اداره می شود. تعداد اعضای آن به طور میانگین ۱۶۰-۱۲۰ نفر است و هر ساله علاوه بر بازدیدهای علمی درون استانی، یک بازدید برون استانی که شامل بازدید از ذوب آهن اصفهان، نیروگاه هسته ای بوشهر، کارگاه های صنایع دستی جزیره قشم و در سال ۸۹ بازدید از کارخانجات کشتی سازی و فراساحل بندرعباس، تشکیل کارگاه آموزشی، تهیه گاه نامه (که بیشتر توسط همکاران شهرستان ها تهیه شده است)، صدور تشویق نامه های سازمانی برای اعضای فعال، ارائه گواهی کارآموزی برای همکاران، تهیه کارت شناسایی و فعالیت های دیگر در برنامه سالانه انجمن گنجانده شده است.

امید است که توانسته باشیم قدمی هر چند کوچک، برای کمک به عزیزان و دبیران حرفه وفن برداشته باشیم و در سایر استان ها نیز چنین انجمن هایی ایجاد شود تا بتوانیم به تشکیل (اتحادیه انجمن های علمی معلمان حرفه وفن) اقدام کنیم و یادگیری و پویایی دبیران عزیز را استمرار بخشیم و به روز گردانیم و راهی برای ارتباط مفید بیشتر بین وزارت خانه و سایر استان ها به وجود آوریم.

کارگاه «آموزش انضمامی» ۱۳۸۹/۹/۱۷



ویژه نامه آموزش درس حرفه و فن

حرفه و فن مازندرانی



اصلی به نام «مشارکت» آن هم در مقوله مهمی مانند تألیف کتاب‌های درسی، می‌تواند به عنوان یک ضرورت همیشگی مطرح شود. استان مازندران یکی از سه استانی است که طرح را به صورت آزمایشی در خصوص کتاب‌های درسی حرفه و فن، اجرا کرده است. در گفت‌وگویی کوتاه با سه تن از مؤلفان این طرح، آقای حسینعلی غلامی، خانم بهناز حاجیان‌نژاد و خانم فاطمه سبیه‌چهره، این موضوع از چند بُعد بررسی شد.

ابتدا از آقای غلامی خواستیم اهداف طرح مشارکت در تولید مواد آموزشی به ویژه برنامه درسی حرفه و فن را بیان کند.

«اهداف طرح را می‌توان در سه عنوان مطرح کرد:

کاهش فاصله طراحی برنامه درسی و اجرا از طریق تعدیل نظام متمرکز؛ بومی‌سازی فعالیت‌های یادگیری براساس چارچوب برنامه درسی؛ توسعه ظرفیت‌های تولید مواد آموزشی در سطح استان‌های کشور.»

مشارکت در تولید مواد آموزشی چه اثرات مثبتی در استان داشته است؟

در یک نگاه، هدف از تولید ماده درسی آموزش حرفه و فن استانی، نزدیک شدن به قطب آموزش و یادگیری فعال است، به نوعی که یادگیری، خود در تولید مفاهیم و ارزیابی از خود مشارکت داشته باشد. وقتی حوزه اجرا، خود طراح و برنامه‌ریز درسی باشد، نسبت به استقرار طرح تعلق خاطر خواهد داشت و نوعی وابستگی بین مفاهیم تولیدی و جغرافیای محلی ایجاد می‌کند.

چه عواملی اجرای این طرح را ضروری می‌کند؟

تغییر تجربیات جهانی و نیازهای جدید، رشد سریع علوم و فناوری، متناسب‌سازی محتوا با علاقه‌های دانش‌آموزان، ارتقای مهارت‌های زندگی، توجه به مزیت‌های نسبی منطقه‌ای و ناحیه‌ای، ارائه روش‌های فعال تدریس از طریق مشارکت‌های گروهی دانش‌آموزان، تحقیق و

پژوهش‌های محیطی و منطقه‌ای، ایجاد الفت بین محتوا و مفاهیم درسی با اقتضائات و موقعیت‌های محلی و بومی، تمرکز بر پتانسیل‌های استان، توجه به ارزش‌های دینی و ملی، پویایی و فعال‌سازی محتوا با به کارگیری روش‌های تدریس تعاملی و فرایندی، و وادار کردن دانش‌آموزان به تفکر و تعمق و پرورش خلاقیت و خوداتکایی، توجه به تنوع فرهنگ‌ها و... همه عناصر و عواملی هستند که ضرورت تولید مواد درسی توسط استان‌ها را آشکار می‌سازند.

از مهم‌ترین دستاوردهای طرح در استان شما چه بوده است؟

– ارتباط آموخته‌ها با واقعیت‌های ملموس محیطی.

– توسعه قدرت نقد دبیران به واسطه نزدیکی با مؤلفان کتاب‌های تألیفی استان.

– ارتقا و مهارت اعتمادبه‌نفس در دبیران استان.

– تنوع فعالیت‌های عملی قابل اجرا با امکانات ساده در مدارس شهری و روستایی.

– طراحی فعالیت‌های موازی و ایجاد حق انتخاب برای معلمان و دانش‌آموزان.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.

– احساس قربایت و نزدیکی دانش‌آموزان با محتوای تولیدی، به‌واسطه استفاده از تصاویر و عکس‌های بومی و محلی.



دانشگاه آزاد اسلامی
شماره ۷ فروردین ۹۰
دوره ۱۶

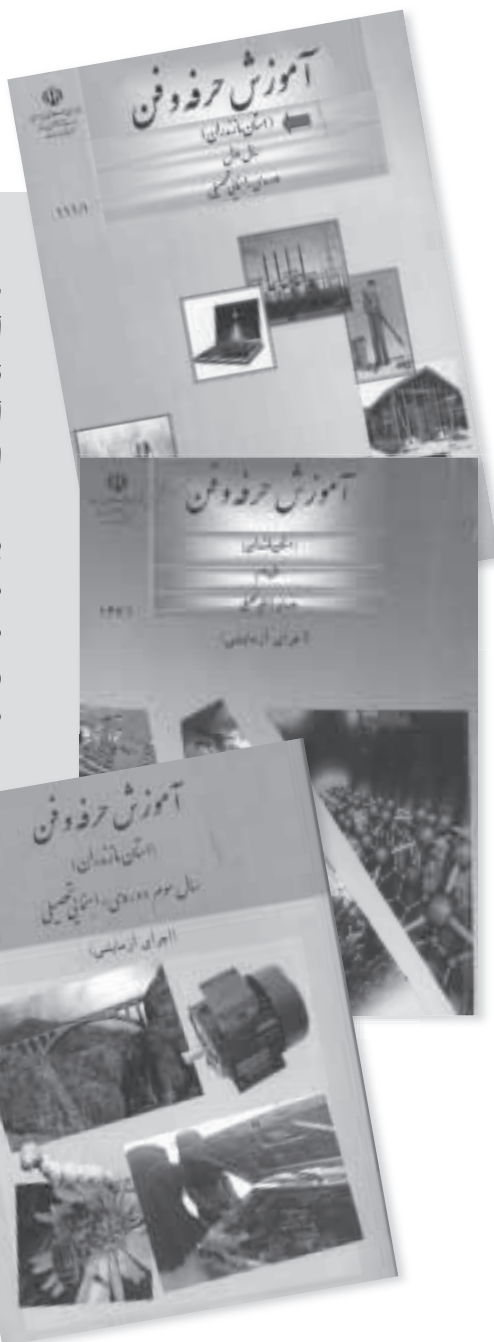


ویژه نامه آموزش درس حرفه و فن

۱. شناسایی نیازهای هر منطقه؛
 ۲. آشنایی دانش آموزان با مشاغل موجود در هر منطقه و جلوگیری از مهاجرت؛
 ۳. استفاده از پتانسیل های موجود در هر منطقه.
- اما هر طرحی به هر حال نقاط ضعف و کمبودهایی نیز دارد که برخی از آن ها به شرح زیر است:**
۱. ثابت بودن اهداف و ایجاد محدودیت در معرفی نیازهای منطقه
 ۲. طولانی بودن زمان اجرای طرح و کهنه شدن مفاهیم به دلیل تشریفات اداری
 ۳. محدود شدن تولید به کتاب آموزش حرفه و فن
 ۴. معرفی نشدن طرح از سوی رسانه های جمعی
 ۵. اختصاص نیافتن بودجه در ابتدای کار برای عکاسی، طراحی و...

هدف از تولید ماده درسی آموزش حرفه و فن استانی، نزدیک شدن به قطب آموزش و یادگیری فعال است

برخی مشکلات مانند مسئله آب و نجات مصدومان ناشی از شنا و... وارد کتاب درسی استان شده است



- نامتجانس بودن روند ارزش یابی محتوای تألیفی با اجرا.
- ثابت بودن اهداف کلی درس؛ به نوعی که قابلیت انعطاف در عناوین اصلی را نداشته است.
- نبود مجوز از سوی معاونت برنامه ریزی نیروی انسانی وزارت متبوع برای آموزش دبیران در خصوص کتاب های تألیفی جدید.
در ادامه، از خانم حاجیان خواستیم درباره روند تولید محتوا صحبت کنند.

بر اساس راهنمای برنامه درسی، طرح از سال ۸۴ آغاز و سال ۸۹ به صورت آزمایشی اجرا شد. روند کار به این صورت بود که موضوعات و متنی را که متخصصان تهیه می کردند، دبیران به صورت آزمایشی در مدارس اجرا می کردند. ایشان پس از اصلاح، کار را برای مسئولان طرح در استان می فرستادند. طرح پس از تأیید استان، برای بررسی در شورای برنامه ریزی درسی حرفه و فن، به سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی ارسال می شد تا پس از بررسی و اصلاح مجدد به چاپ برسد.

در بخش تصویرگری، برای کاهش نواقص، کار باید در مراحل گوناگون و به دفعات بازبینی می شد، اما به علت نبود ارتباط بین تصویرگران و مؤلفان در انتخاب و تهیه تصویر، با مشکلاتی روبه رو می شدیم. بهتر بود ابتدا تا انتهای کار تصویرگری در استان انجام می گرفت.

به نظر شما این طرح برای استان چه فوایدی داشته است؟

مشخص شدن قابلیت های استان و معرفی آن به دانش آموزان، شناسایی و معرفی مشکلات و محدودیت های موجود در منطقه و ارائه راه حل های منطقی، نو، کاربردی و ملموس برای رفع این محدودیت ها، شناسایی توانایی علمی-مهارتی آموزش و پرورش استان.

به نظر شما تا چه اندازه اهداف تحقق یافته اند؟

انتظاراتی از این طرح می رفت، از جمله بومی سازی در کل محتوا. به جز برخی از واحدها که بومی پذیر نیست، تقریباً در حد انتظارات دفتر تألیف، توانایی های منطقه معرفی شده است. برخی مشکلات مانند مسئله آب و نجات مصدومان ناشی از شنا و... وارد کتاب درسی استان شده است. برای تعدادی از مشکلات منطقه نیز راهکارهایی ارائه شد که مورد توجه دانش آموزان قرار گرفت؛ مانند روش های حفظ جنگل، جمع آوری زباله شهری و مدیریت فاضلاب.

از طرح استقبال شد؟

بله. با توجه به این که اهداف از سوی دفتر تألیف تعیین شده بود، همکاران منطقه انتظار تغییر اساسی در اهداف و بخش های گوناگون را داشتند. اما مطالب کتاب برای دانش آموزان ملموس تر شده بود، زیرا به قابلیت های استان زندگی خودشان توجه داشت. حتی با تعدادی از پدیده ها، مشکلات یا قابلیت هایی که در کتاب مطرح شده، برخورد داشته و آن ها را لمس کرده بودند. به همین خاطر، می توانستند مطالب را به جای معلم برای دوستانشان توضیح دهند.

خانم سیه چهره، یکی دیگر از مؤلفان، درباره طرح این گونه گفتند:

به نظر من این طرح مزایای زیادی برای استان داشته است که دوستان به اهم آن اشاره فرمودند. بنده نیز نکاتی را خدمتتان عرض می کنم؛ از جمله:



ویژه نامه آموزش درس حرفه و فن

گفت و گو با علی زینی‌وند، معلم حرفه و فن استان ایلام

حرفه او خلافت است



می‌دادم و سپس بردهای خراب را تک تک به هر گروه می‌دادم و از آن‌ها می‌خواستم، قطعاتی را که قبلاً دیده‌اند، در این برد پیدا کنند. اگر واقعاً پیدا نمی‌شد، سعی می‌کردم ماکتی از هر کدام را از فوم، گل یا مواد دیگر درست کنم و در اختیار آن‌ها قرار دهم.

(ب) در صورت امکان، کلیپ کوتاهی از این قطعات را همراه با انیمیشن در اختیار آن‌ها قرار دهم یا از خمیر مجسمه استفاده می‌کردم.

در خصوص واحد فناوری و سیستم هم به کارگاه نیازی نیست. همین که وسایل موجود در کلاس را تشریح می‌کنیم، به صورت عملی به مفاهیم سیستم و فناوری پی خواهند برد. در مورد واحد برق، سیم‌ها و کلید و پریزهای موجود در فضای آموزشی، خود کارگاه مجهری است و اگر هم موجود نباشد، با سیم‌های نازک تلفن و یک لامپ چراغ‌قوه و کلید معمولی و باتری، می‌توان مدارهای الکتریکی ساخت و شش گروه پنج نفره را تا پایان کلاس به کار عملی واداشت.

در خصوص واحد مکانیک، بازدید از تعمیرگاه‌ها، نمایش فیلم و استفاده از خودروی همکاران و حتی دوچرخه بچه‌ها، دعوت از کارشناسان مربوطه همراه با امکاناتشان و... راهکارهای خوبی هستند. به هر حال با یک سرگرمی بسیار ساده می‌توان شغل و حرفه‌ای را به دانش‌آموز معرفی کرد. لمس کردن و دست‌رسی افراد به وسایل، قوه یادگیری عملی آن‌ها را تقویت می‌کند. به این ترتیب، با فن و هنر آمیخته به هم بهتر آشنا می‌شوند و در آینده نزدیک، به انتخاب درستی در حرفه‌ها و مشاغل اقدام می‌کنند. این کتاب قبل از این که کتاب باشد، یک راهنمای نظری و عملی به یادماندنی و خاطره‌انگیز است و همکاران نباید آن را فراموش کنند.

● **خود شما در آموزش از چه شیوه‌ها و الگوهای استفاده می‌کنید؟**

○ همان‌طوری که گفته شد، حرفه و فن کاملاً نیازمند شیوه‌های عملی است. در تدریس این کتاب نباید شیوه و الگوی سخن‌رانی

«حرفه‌ام را خیلی دوست دارم! با آن زندگی می‌کنم!» شاید بارها این جملات را شنیده باشید، اما مطمئن هستم تعداد دفعاتی که این جمله‌ها را شنیده‌اید، نسبت به تعداد کسانی که آن‌ها را از نزدیک می‌شناسید، عدد قابل توجهی نیست! آقای **علی زینی‌وند**، یکی از معلم‌های نمونه است که طی ۲۲ سال تجربه، کلاس درس قسمت مهمی از زندگی او شده است. روش‌های علمی و گاه ابتکاری‌اش سه بار او را به مقام اولی جشنواره الگوهای برتر تدریس (روش فعال نوین) استانی (لرستان و ایلام) و پنج بار به مقام اولی همین جشنواره در شهرستان رسانده است.

«نمی‌توانم»، «نمی‌شود»، «بزار نیست» و «وقت نداریم»، در ادبیات تدریس او جایی ندارد! با او به گفت‌وگو نشستیم تا به خودمان یادآوری کنیم که اگر «حوصله»، «ابتکار»، «خلاقیت» و «آرامش» را در فرایند تدریس لحاظ کنیم، دیگر بهانه خوبی برای دنبال نکردن اهداف آموزش و پرورش نخواهیم داشت.

● **با توجه به این که آموزش حرفه و فن به امکانات کارگاهی نیاز دارد، اگر در مدرسه‌ای این امکانات وجود نداشته باشد، آموزش عملی چگونه انجام می‌گیرد؟**

○ کتاب حرفه و فن راهنما و معرف حرفه‌ها و مشاغل آینده است و دانش‌آموزان را با مشاغل گوناگون جامعه آشنا می‌سازد. این درس حدود ۶۰ درصد از یادگیری‌های عملی دانش‌آموزان دوره راهنمایی را شامل می‌شود و لذا بهره‌گیری از وسایل کمکی و کارگاهی یک ضرورت است. اما در بیشتر نقاط و واحدهای آموزشی کشور امکانات کارگاهی وجود ندارد و باید به فکر کاربرد روش‌هایی بود که مشابه فعالیت‌های عملی هستند. به نظر من این هشت واحد عملی را می‌توان بدون کارگاه هم به دانش‌آموزان تفهیم کرد. بنده تاکنون هنگام تدریس خازن، دیود و... در مبحث الکترونیک، به دو شیوه عمل کرده‌ام:

الف) چون کارگاهی وجود نداشت، هر قطعه از کارافتاده‌ای، مثل دوربین، برد اسباب بازی یا برد رادیو را که پیدا می‌کردم، با خودم به کلاس درس می‌بردم. ابتدا قطعات را جدا جدا به همه گروه‌ها نشان



● به نظر شما، محتوای فعلی کتاب‌های درسی پاسخ‌گوی علاقه‌های دانش‌آموزان هستند؟

○ علاقه و سلیقه، به میزان نیازمندی بستگی دارد و این دو تا حدودی لازم و ملزوم‌اند. میزان علاقه‌مندی افراد منوط به وجود مشاغل است که در دسترس هستند و فرد، در جوار تحصیل علمی و عملی، نیازمند کسب مهارت در آن می‌شود. حال در کتاب حرفه و فن مهارت‌هایی آمده است که نیازهای تخصصی دانش‌آموزان را برطرف می‌کند. دبیر حرفه و فن باید خود و فراگیرش را درگیر فعالیت کند تا علاقه‌های او برانگیخته شود. همان‌طور که گفته شد، در اکثر نقاط کشور ما با کمبود کارگاه حرفه و فن مواجه هستیم و اکثراً، آن‌هایی هم که کارگاه دارند یا ناقص و ناچیزند و یا کارگاه تخصصی نیستند و در واقع آزمایشگاه تخصصی علوم تجربی هستند. خانواده اولین جامعه‌ای است که فرد در آن احساس نیاز می‌کند و به دنبال کسب مهارت‌های مورد علاقه خود می‌رود. هر عضو خانواده خود را برای کسب مهارت در جامعه بزرگ‌تر که همان مدرسه است، آماده می‌کند. هدفش رفع نیاز جامعه کوچک خانواده و سپس نیاز جامعه بزرگ‌تری است که بعدها می‌خواهد در آن زندگی کند. کتاب حرفه و فن خوش‌بختانه با اعضای کوچک خانواده سروکله می‌زند تا تجربیات موجود در خانواده را افزایش دهد یا ویرایش کند، و یا تجربه جدیدتری را به خانواده معرفی کند تا بلکه با مشورت خانواده، زمینه برای کسب مهارت و درآمد توسط اعضای خانواده مهیا شود. خانواده، از یک طرف نیاز را به وجود می‌آورد و از طرف دیگر، فرد را مستعد ورود به حیطه جامعه بزرگ‌تر می‌کند که بعدها قضیه برعکس می‌شود و جامعه بزرگ‌تر به فرد نیاز پیدا می‌کند. اکنون در بعضی از واحدهای کتاب، مشاغل روستایی برای روستاییان و بعضی مشاغل شهری برای جامعه شهری ارائه می‌شوند.

● نظر شما درباره ارزش‌یابی این درس چیست؟ بهتر است به شکل نظری باشد یا عملی و یا ترکیبی از هر دو؟

○ دانش‌آموزان برای کسب علوم و تجارب، می‌کوشند و معلم نقش راهنما را دارد. در واقع ما برای دانش‌آموز، راه را از چاه تشخیص می‌دهیم. ما در کلاس مطالب و آموزه‌ها را درجه‌بندی و دسته‌بندی می‌کنیم و از اعضای گروه‌ها می‌خواهیم که با بیان نظرات و یا توصیفات خود و یا انجام فعالیت، به اصل موضوع برسند. در مجموع، معلم و دانش‌آموزان از طریق مشورت با هم به یادگیری و تکاپو در تعلیم می‌پردازند. ما حتی خلاصه کردن درس و نتیجه‌گیری و ارزیابی پایانی را به خود دانش‌آموزان می‌سپاریم؛ خواه مطالب نظری و یا عملی باشد و یا ترکیبی از آن‌ها. پس معلم هدایت‌کننده و سکان‌دار علوم عملی و یا نظری است و این دانش‌آموز است که باید علوم را یاد بگیرد و در زندگی خود به کار گیرد.

در کتاب حرفه و فن، چیزی به عنوان امتحان و آزمون نباید وجود داشته باشد. همین که فرد یا گروه به کمک هم یک عروسک یا پولیش درست می‌کنند و روال کار و نحوه تهیه و چگونگی درست شدن آن را می‌دانند، دیگر نیازی به پرسش در این مورد نیست و عملاً به جواب خود رسیده‌اند. اما در این یادگیری‌ها، فرد به تمرین و تکرار نیاز دارد تا مهارت در وجود او ماندگار شود. کتاب و معلم راهنمای او هستند و تمرین عملی یادگیری‌اش را عمیق‌تر می‌سازد.

استفاده شود، محتوای کتاب با فن و هنر و عمل آمیخته است. دانش‌آموز در کارگاه حرفه و فن، چنان باید سرگرم فعالیت باشد، تا نداند چه موقع زنگ تفریح یا خانه زده شد. بنده اعتقاد این است که یادگیری باید کاملاً عملی باشد. من معمولاً از «روش‌های تلفیقی» در تدریس استفاده می‌کنم؛ روش‌هایی چون: بحث گروهی، آزمایش، نمایش و واحد کار. می‌کوشم با استفاده از این روش‌ها، دانش‌آموز راحت‌تر به جواب پرسش خود برسد. با این روش، آن‌چه را که به طور عملی یاد گرفته است، تا آخر عمر فراموش نمی‌کند. بنده گاهی بدون همراه داشتن وسایل کمکی تدریس می‌کنم. مثلاً برای تدریس درس اتصالات دائم و موقت، گروه‌ها را به جان پایه‌های صندلی که جوش و پرچ خورده بودند و یا پیچ و مهره داشتند می‌انداختم و به شکل مسابقه از آن‌ها می‌خواستم هر چه زودتر قطعات را از هم جدا کنند تا برنده شناخته شوند.

● علائق متنوع دانش‌آموزان چگونه در این برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد تا زمینه رشد آن‌ها فراهم آید؟

○ به اعتقاد بنده، همان‌طور که در بدو ورود نونهالان به دوره ابتدایی آنان را مورد سنجش تحصیلی قرار می‌دهیم، از دانش‌آموزان دوره راهنمایی هم باید همین آزمون را بگیریم. چون این مرحله ابتدایی دوره نوجوانی است و در صورت تشخیص میزان تبحر و تجربه خود، آن‌ها در آینده به آسانی و با جدیت به سراغ انتخاب رشته و شغل می‌پردازند؛ چون قرار است با مشاغل و حرفه‌ها در کتاب حرفه و فن آشنا باشند و باید مشخص شود چه کسی در چه گروهی از مشاغل می‌تواند فعالیت کند. بنده به مدت دو هفته از ابتدای سال تحصیلی اول راهنمایی، میزان مهارت افراد را در تصدی یک یا چند تجربه می‌سنجم و در طول سال، افراد هر گروه شغلی را در مورد شغل خودش بیشتر راهنمایی می‌کنم.

● آیا محتوای فعلی کتاب‌های درسی پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان هستند؟

○ این کتاب‌ها براساس نیاز دانش‌آموزان در این گروه سنی و این دوره تهیه شده‌اند و تا حدودی رضایت‌بخش هستند. همه ملت‌های جهان همیشه به دنبال پیشرفت و دست‌رسی سریع به منابع علمی و مهارتی هستند و به سرعت از هم سبقت می‌گیرند. در کتاب‌های درسی ما هم از مطالب جدید و تازه و به روز که بیشتر مبتنی بر مهارت‌آموزی است، استفاده شده است. ما هم نباید از جوامع پیشرفته و کشورهای توسعه‌یافته جا بمانیم. مثلاً ۱۰ سال پیش موضوع فناوری و سیستم و یا واحد الکترونیک در درس پایه دوم چاپ شد و الان برای درج مطالب جدید این فاصله ۱۰ سال باید کمتر شود (مثلاً ۵ سال یک‌بار). به علاوه، می‌توان واحد الکترونیک را در پایه اول آورد تا دانش‌آموزان زودتر به این مهارت مجهز شوند. حتی می‌توان واحد مکانیک سوم را به کتاب پایه دوم آورد و یا موضوعات راهنمایی و رانندگی را به عنوان یک واحد در کتاب گنجانده. به هر حال، باید علم و تجربه افراد را به روز کنیم و مانند کشورهای پیشرفته گام برداریم و جامعه خود را غنی سازیم. پیشنهاد می‌کنم بعضی آیات قرآن را که ارتباط تنگاتنگی با بعضی واحدها دارند، در ابتدای واحد مربوطه درج کنیم؛ مثل آیه «انا انزلنا الحديد» سورة حدید که در مضمون آهن (فلزات) است، برای واحد کار با فلز. به این ترتیب، نیاز معنوی افراد هم برآورده و آرامش روحی نیز برقرار می‌شود.

کتاب‌های کمک آموزشی علوم اجتماعی و حرفه‌وفن

● طیفه‌الدوسی

در این شماره از مجله، توجه شما را به فهرست کتاب‌های مناسب دو رشته درسی «علوم اجتماعی» و «حرفه‌وفن» جلب می‌کنیم:

علوم اجتماعی

۱. ابراهیم اصلانی. نوجوانی ۲: روان‌شناسی نوجوانی برای نوجوانان. مدرسه. تهران. ۱۳۸۸.
۲. نیکول برایان بوپال. نوجوانان و حفظ محیط‌زیست. ترجمه منیر شاخساری. فنی ایران. تهران. ۱۳۸۸.
۳. میشل لودوک. با گام‌های کوچک: شناخت شهر. ترجمه مهناز عسگری. آفرینگان. تهران. ۱۳۸۸.
۴. ژرار برتولینی. با گام‌های کوچک: شناخت زباله و بازیافت. ترجمه مهناز عسگری. آفرینگان. تهران. ۱۳۸۸.
۵. رویا خویی. چراهای شگفت انگیز: پوشاک ایرانی. محراب قلم. تهران. ۱۳۸۷.
۶. ار پنتوس. شما و سیاست (کتاب کمک‌درسی دبستان‌های کشور فرانسه). ترجمه کیان فروزش. دایره. تهران. ۱۳۸۸.
۷. الیزابت وردیک. خشمگین می‌شویم: چه کنیم؟ ترجمه حسن نصیرنیا. قدیانی. تهران. ۱۳۸۷.
۸. ترور رومین. دچار استرس می‌شویم: چه کنیم؟ ترجمه حسن نصیرنیا. قدیانی. تهران. ۱۳۸۷.

حرفه‌وفن

۱. محمدعلی عباسی. آموزش کامپیوتر برای نوجوانان. مدرسه. تهران. ۱۳۸۸.

در ادامه معرفی کتاب‌های مناسب در دو شماره قبل، اکنون به تعریف «کتاب‌نامه رشد» و چگونگی تهیه آن می‌پردازیم. کتاب‌نامه رشد، فهرستی سالانه از کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه درسی است. تمامی این کتاب‌ها از نظر پایبندی به برنامه درسی، بررسی شده و با کسب حد نصاب لازم، به این فهرست راه یافته‌اند. اطلاعاتی که در کتاب‌نامه رشد وجود دارد، عبارت است از: مشخصات ظاهری کتاب (عنوان، نام مؤلف، نام مترجم، ناشر، سال و محل نشر، تعداد صفحات، قطع، موضوع و پایه تحصیلی مرتبط)، کلمات کلیدی و چکیده‌ای از محتوای کتاب. همچنین، در پایان هر کتاب‌نامه، نمایه‌هایی برای خواننده فراهم آمده است که دسترسی به کتاب‌ها را براساس عنوان کتاب، نام ناشر، پایه تحصیلی، پدیدآورندگان آثار و کلمات کلیدی کتاب‌ها ممکن می‌سازد. حتی برای دستیابی آسان‌تر به ناشران کتاب‌های مناسب، نشانی ناشران نیز در انتهای هر کتاب‌نامه آمده است. وجود نام و مشخصات هر کتاب در کتاب‌نامه رشد بدین معنی است که کتاب مذکور از حداقل ویژگی‌های کتاب آموزشی برخوردار است. از این رو می‌توان گفت، کتاب‌نامه‌های رشد مرجعی مطمئن برای تهیه کتاب‌های آموزشی مناسب و مرتبط با برنامه درسی، خصوصاً برای تجهیز کتابخانه‌های آموزشی هستند.

برای تهیه کتاب‌نامه‌های رشد می‌توانید به نمایندگان مجلات رشد در منطقه یا استان مراجعه کنید. همچنین، نسخه‌ای از کتاب‌نامه‌های جدید، در قالب «پی‌دی‌اف» در وبگاه طرح سامان بخشی کتاب‌های آموزشی دفتر انتشارات کمک آموزشی به نشانی: <http://www.roshdmag.ir> قرار می‌گیرد.



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت‌بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش‌وپرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱



۲. سوده مقصودی. آموزش کودکان الکترونیکی e-kids مطابق با آخرین استاندارد جهانی ICDL (۲ جلد). دارکوب. کرمان. ۱۳۸۸.

۳. شارون دالگلیش. ارزش خاک. ترجمه شهرزاد فتوحی. شرکت انتشارات فنی ایران. تهران. ۱۳۸۸.

۴. محمدجواد پوست‌پرداز. چگونه عکس سه بعدی بگیریم و ببینیم. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران. ۱۳۸۷.

۵. شاهین مالکی‌راد. چگونه می‌توان مخترع شد. دانش زنگان. زنجان. ۱۳۸۸.

۶. رابین کرود. حمل و نقل (از مجموعه علم در قرن ۲۱). ترجمه مجید عمیق. افق. تهران. ۱۳۸۷.

۷. سیمون آدامز و... دیگران. دایرةالمعارف اینترنتی. ترجمه منوچهر اکبرلو و... دیگران. محراب قلم. تهران. ۱۳۸۸.

۸. باربارا اوکانر. دنیا در سر انگشتان لوتیز بریل (از مجموعه مشاهیر جهان). ترجمه احمد قندهاری. مهاجر. تهران. ۱۳۸۸.

۹. هما ملک. فناوری اطلاعات و ارتباطات برای معلمان (ICT معلمان). انتشارات بین‌المللی گاج. تهران. ۱۳۸۸.

۱۰. هما ملک. فناوری اطلاعات و ارتباطات ویژه نوجوانان سال اول / دوم / سوم راهنمایی. صفار. اشرافی. تهران. ۱۳۸۸.

۱۱. حمیدرضا کاظم‌زاده. کتاب کار آموزش حرفه‌وفن پایه اول / دوم / سوم راهنمایی براساس آخرین تغییرات کتاب‌های درسی. ورا دانش. تهران. ۱۳۸۸.



عبدالحمید خزاعی
دبیر جشنواره

استانی جشنواره

مدیریت آموزش و پرورش شهرستان «دشتستان» استان بوشهر، از پنج سال گذشته تاکنون با پیشنهاد و همکاری یکی از مدارس راهنمایی، «جشنواره سخنرانی به زبان انگلیسی» را در سطح شهرستان برگزار می کند که دانش آموزان و علاقه مندان به زبان بین المللی انگلیسی، از آن استقبال کرده اند. اجرای خوب این جشنواره با کمک و راهنمایی دبیران محترم زبان انگلیسی و مسئولان منطقه ای ارزش می یابد.

چگونگی اجرا در شهرستان

- ابتدا دبیر جشنواره انتخاب و با سرگروه زبان انگلیسی منطقه، هماهنگی های لازم انجام می شود.
- مدارس بعد از فراخوان جشنواره، فهرست اسامی دانش آموزان و نسخه ای از مطلب هر یک را به ستاد جشنواره می فرستند.
- مدارس در نوعی رقابت مدرسه ای، طبق سهمیه اعلام شده برای هر مدرسه، دانش آموزان برتر را به ستاد جشنواره شهرستان اعلام و معرفی می کنند.
- تعداد دانش آموزان معرفی شده از مدارس به ستاد جشنواره، دو برابر تعداد برگزیدگان روز اجرای جشنواره است. این روش باعث می شود تعداد بیشتری از دانش آموزان شهرستان درگیر این موضوع باشند.
- طی یک جلسه فوق العاده قبل از اجرای جشنواره، با کمک سرگروه و دو تن از دبیران مجرب زبان انگلیسی، از بین دانش آموزان و براساس اجرایشان، افراد برتر به تعداد مورد نیاز اجرای جشنواره انتخاب می شوند.
- منتخبان جشنواره به مدارس معرفی می شوند و روز اجرای جشنواره، در حضور مدعوین و مهمانان، سخنرانی می کنند و با هدایایی از آنان تقدیر می شود.

پیشنهادهای

- برای جذابیت و اجرای روان برنامه، جلسه را به کمک فناوری و با استفاده از برنامه «power point» رهبری کنیم.
- در حرکتی نمادین، به همه شرکت کنندگان هدیه ای تقدیم داریم.
- از فعالان جشنواره و دبیران زبانی که دانش آموزان آنان به مرحله پایانی راه یافته اند، به طور کتبی تقدیر به عمل آوریم.



برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله ای درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه ی سه راه آزمایش (سرخه صبار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده ی اشتراک باپست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید.)

♦ نام مجله های درخواستی:

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

.....

♦ میزان تحصیلات:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

شهرستان:

.....

خیابان:

.....

شماره ی پستی:

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک:

امضا:

● صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

● صندوق پستی امور مشترکین:

۱۶۵۹۵/۱۱۱

● نشانی اینترنتی:

www.roshdmag.ir

● امور مشترکین:

۰۲۱-۷۷۳۳۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

● پیام گیر مجله های رشد:

۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- ♦ هزینه ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده ی مشترک است.
- ♦ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

